
موضوع : جبر مکتبی
Started at 1396/02/21 10:14 by علی پارساپور (a.p)
Visit at <http://www.askdin.com/showthread.php?t=59288>

[پست 1]

(a.p) نویسنده : علی پارساپور
تاریخ : 1396/02/21 10:14
عنوان : جبر مکتبی

با آنکه به ظاهر یک مسلمان زاده، حق انتخاب دارد، ولی در واقع این طور نیست استدلالی که برای این موضوع می شود لزوم مسلمان شدن فرزند یک مسلمان، چون اسلام حق است پس اگر تحقیق کند به اسلام می رسد اما فرض کنید شخص مذکری در ۱۴ سالگی به دلیل تعدد مذاهب اسلامی و اختلاف هایشان و با بررسی قرآن و عهدین به این نتیجه رسید که مسیحیت به او آرامش می دهد و آن را بر می گزیند حال اگر این موضوع را بعد بلوغ به طور عام مطرح کند کشته خواهد شد اما در صورت سکوت کاری به او ندارند مشکل از اینجا شروع می شود که بنا به اعتقاد او مسیحیت درستتر است و لازم است دیگران را دعوت به مسیرش کند و با آنکه در اسلام از تقلیدی نبودن اصول سخن به میان آمده، اما در عمل داستان چیز دیگریست و فرد با نطفه ی مسلمان چه بخواهد چه نخواهد باید مسلمان بشود یا سکوت کند پس حق او برای تحقیق و برگزیدن تفکراتی که به آن ها رسیده است چه می شود حق او برای پاسخ به سایر تفکرات و اشاعه ی افکارش چه می شود مسلمانان همه حق دفاع از اسلام و نقد تفکرات سایرین را دارند اما مسلمان زاده حرفی بر خلاف اسلام بگوید و منکر درستی آن باشد عقابی چون قتل و یا حبس با شکنجه در انتظار اوست پس اختیارش و این گفته ی قرآن که اجباری در دین نیست چه می شود!؟

[پست 2]

نویسنده : مدیر ارجاع سوالات
تاریخ : 1396/02/25 11:30

با نام و یاد دوست

http://askdin.com/gallery/images/22107/1_erjael.jpg

کارشناس بحث: استاد عامل

[پست 3]

نویسنده : عامل

تاریخ : 21:41 1396/02/27

بسم الله الرحمن الرحيم

با عرض سلام و احترام

:سوال شما را می توان در چند محور بررسی کرد

آزادی تحقیق از نظر اسلام؛

تعدد مذاهب اسلامی دلیل انتخاب مسیحیت باشد؛

دلیل مقابله با مرتد؛

رابطه آیه لا إكراهَ فِي الدِّينِ با کشتن مرتد

در مورد آزادی تحقیق از نظر اسلام، همانطور که از فحوای کلام شما هم برمی آید، جای هیچ شک و شبهه ای نیست. اتفاقاً آیه ای (لا إكراهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ (1)؛ در قبول دین اکراهی نیست، زیرا که راه رشد از راه گمراهی آشکار شده است) که در انتهای سوال به آن اشاره کردید، دلالت بر آزادی تحقیق در دین می کند. اصولاً تفکر و اندیشه را نمی توان محدود یا مسدود کرد؛ به عبارتی نه تنها اسلام که هیچ مکتبی قادر به منع اندیشه نیست، چرا که تفکر امری درونی است. بنابراین اسلام نه تنها جلوی تحقیق و تفکر در مورد دین را نگرفته بلکه به آن توصیه نیز کرده است. در همین رابطه شهید مطهری می فرماید: در اصول دین اسلام جز عقل هیچ چیز دیگری حق مداخله ندارد، یعنی اگر از شما بپرسند که به چه دلیل به خدا ایمان آورده اید شما باید دلیل عقلی بیاورید. اسلام جز از راه عقل از شما قبول نمی کند. اگر بگوئید من در خواب یقین پیدا کردم یا تاثیر محیط است و ... اسلام جز تحقیقی که عقل تو با دلیل (برهان مطلب را در یافت کرده باشد، هیچ چیز دیگر را قبول ندارد. 2)

اما در این رابطه که آیا تعدد مذاهب اسلام می تواند دلیل بر انتخاب دینی مانند مسیحیت باشد، جای تامل جدی دارد. چرا که مسیحیت نیز علاوه بر سه مذهب کلی کاتولیک، ارتدکس و پروتستان، زیر شاخه ها و فرقه های متعددی دارد. (3) بنابراین وجود اختلاف و فرقه گرایی در دین، دلیل خوبی برای ترک آن نیست، بلکه باید تحقیق بیشتری برای رسیدن به حقیقت نمود. به عبارت دیگر ترک دین به دلیل فرقه های متعدد، پاک کردن صورت مساله است نه حل آن. بعلاوه عینا همین دلیل (تعدد فرقه ها) در مسیحیت یا یهودیت و دیگر ادیان نیز کم و بیش وجود دارد.

در رابطه با دلیل مقابله با مرتد در اسلام نیز در نظر داشتن چند نکته ضروری است:

اولا؛ بین آزادی اندیشه و آزادی بیان فرق است؛

ثانیا؛ آزادی بیان در تمام مکاتب قیودی دارد و اینطور نیست که هرکس، هر طور که خواست به مقابله با اصل آن مکتب یا نظام بپردازد.

ثالثاً؛ مقابله با مرتد اختصاص به اسلام ندارد بلکه در منابع یهودیت و مسیحیت (نیز مجازات های سختی مانند اعدام وجود دارد. 4) بنابراین آزادی بیان تا زمانی که فضای جامعه را مشوش و ناامن نکند، منعی ندارد. لذا بیان نقدهای دینی و غیر آن در مجامع علمی و تضارب آراء بلاشکال است ولی اگر همین اعلام و ترویج در بین عموم مردم که از سطح علمی بالایی برخوردار نیستند، مطرح شود، باعث گمراهی و تشویش می شود. لذا سخن یا نوشته ای که مطابق حق نباشد، چه بسا جامعه ای را به انحراف و فساد بکشانند یا چهره هایی را مشوه کند یا باعث جنگ و نزاع شود. سخنرانی ها و نوشته ها اگر درست و مطابق حق و واقعیت نباشد باید از آن جلوگیری کرد.

درباره رابطه آیه لا إكراهَ في الدين با کشتن مرتد نیز باید گفت: تناقضی بین آیه مذکور و حکم اعدام مرتد وجود ندارد. زیرا آیه مربوط به قبل از وارد شدن و پذیرفتن دین اسلام است، با مراجعه به تفاسیر مربوط به این آیه روشن اندشود که این آیه در مورد کسانی است که هنوز اسلام را نپذیرفته می باشد. برای مطالعه بیشتر ر.ک:

<http://www.askdin.com/showthread.php?t=1384&p=4469&viewfull=1#post4469>

بنابراین حق آزادی اندیشه برای همه مسلمانان (و غیر آنها) ثابت است و اگر مسلمانی بدون هیچ تمایل نفسانی، به تحقیق در مورد دین بپردازد و به نتیجه ای غیر از اسلام برسد، معذور بلکه شاید بتوان گفت ماجور است. اما اگر به تبلیغ و اعلام این دریافت خود بپردازد، به دلیل بر هم زدن آرامش روانی جامعه و مشوش کردن اذهان افرادی که از سطح سواد بالایی برخوردار نیستند، حاکم به حکم عقل و شرع موظف به مقابله با چنین شخصی خواهد بود.

1. بقره: 256.
2. مطهری، انسان کامل، ص 152.
3. برای اطلاع بیشتر ر.ک: <http://iranica.blogsky.com/1391/04/24/post-6/> (<http://iranica.blogsky.com/1391/04/24/post-6/>)
4. ر.ک: بررسی و نقد مجازات مرتد در اسلام و سایر ادیان، محمد ابراهیمی، اندیشه نوین دینی، شماره 36

[پست 4]

نویسنده : yalda solimani

تاریخ : 1396/02/27 23:41

با سلام

ی مبارکه این بود که در دین هیچ اجباری نیست و اگر معنای این بخش از آیه خواهد مردم آزاد و مجازند که هر اعتقادی داشته باشند و هر کاری دلشان می انجام دهند، دیگر خداوند متعال نه تنها پیامبر، کتاب و احکامی ارسال و انزال شد آفرید و آن وقت تازه این سؤال مطرح می نمود، بلکه بهشت و جهنمی نیز نمی ی این آفرینش و سفر به دنیا و گذر از آن چیست؟ پس چه فرقی بین که اصلاً نتیجه عالم و جاهل، مؤمن و کافر، ظالم و مظلوم و ... وجود دارد و مگر خداوند حکیم انسان را بیهوده آفریده و یله رها کرده است و مگر عادل نیست [العیاذ باللہ]. شود که انسان در باور یا انجام عملی آزاد و مجاز باشد، اما در وانگهی مگر می نهایت محاکمه گردد که چرا چنین کردی و چرا چنان نکردی؟ پس با رجوع به «عقل» ها و انذارها و احکام و حدودی که و هم چنین آیات قرآن کریم و احکام و بشارت گردد شود، معلوم می باید در دنیا اجرا شود و جزا و عقابی که در آخرت داده می که منظور از آیه، اعطای چنین آزادی و مجوز ارتکاب به هر عملی نیست.

شود) و باید دقت شود که اگر چه آیه مبارکه به «اجباری در دین نیست ترجمه می ی «اکراه» و «اجبار» عربی است. پس اگر این معنا صحیح هم هست، اما هر دو واژه گرفت که در گرایش به دین و انجام اوامر الهی ی خداوند بر این تعلق می اراده الدین»! ولی فرمود: «لا اکراه فرمود: «لا اجبار فی هیچ اجباری نباشد، می تر از الدین» یعنی اکراهی در دین وجود ندارد. و معنای اکراه بسیار وسیع فی کنداجبار است. هر چند که «اجبار» را نیز حمل می

ی «اکراه» یعنی چیزی که نزد انسان ناخوشایند باشد و شاید از آن جهت در واژه رود که انسان از «اجبار» و کار اجباری که قبولش مورد اجبار نیز به کار می آیدندارد، خوش نمی

فهمیم ی مبارکه قبل از آن که معنای اجبار را اخذ کنیم، می پس، از این بخش آیه که در دین خدا هیچ مطلب یا دستوری که فطرت و عقل انسان آن را نپسندد و نسبت به آن اکراه داشته باشد، وجود ندارد و به همین دلیل هم «دین» اجباری نیست

اما در خصوص حمل واژه به معنای «اجبار» نیز باید دقت شود که فرمود: «اجباری ی اعتقادی و قلبی است و هیچ انسانی در دین نیست». چرا که دین یک مسئله تواند با جبر و زور اعتقادی را بر دیگری القاء نماید. لذا دین اجباری نفی نمی افتد. و اگر دقت شود در شود. چنین دینی نه واقعا دین است و نه مقبول می می اسلام [تشیع] قید شده است که «اصول دین» تحقیقی است و تقلید در اصول جایز نیست. یعنی انسان باید با عقل و قلب بدان برسد نه با تقلید از دیگران. و این باشد مهم یکی از معانی روشن «در دین اجباری نیست» می

http://www.welayatnet.com/sites/default/files/media/image/rsz_1_asar.jpg

[پست 5]

نویسنده : سعدی شیرازی
تاریخ : 1396/02/28 00:07

http://www.welayatnet.com/sites/default/files/media/image/rsz_1_asar.jpg

در انتخاب دین هم اجباره

وقتی فردی از پدر و مادر مسلمان به دنیا میاد، میشه مسلمان فطری. اگر این فرد عقیده دیگری رو بپذیره میشه مرتد فطری

[پست 6]

نویسنده : پارسا مهر
تاریخ : 1396/02/28 00:38

در مورد آزادی تحقیق از نظر اسلام، همانطور که از فحوای کلام شما هم برمی آید، جای هیچ شک و شبهه ای نیست. اتفاقا آیه ای (لا إكراهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ (1)؛ در قبول دین اکراهی نیست، زیرا که راه رشد از راه گمراهی آشکار شده است) که در انتهای سوال به آن اشاره کردید، دلالت بر آزادی تحقیق در دین می کند. اصولا تفکر و اندیشه را نمی توان محدود یا مسدود کرد؛ به عبارتی نه تنها اسلام که هیچ مکتبی قادر به منع اندیشه نیست، چرا که تفکر امری درونی است. بنابراین اسلام نه تنها جلوی تحقیق و تفکر در مورد دین را نگرفته بلکه به آن توصیه نیز کرده است. در همین رابطه شهید مطهری می فرماید: در اصول دین اسلام جز عقل هیچ چیز دیگری حق مداخله ندارد، یعنی اگر از شما بپرسند که به چه دلیل به خدا ایمان آورده اید شما باید دلیل عقلی

بیاورید. اسلام جز از راه عقل از شما قبول نمی کند. اگر بگوئید من در خواب یقین پیدا کردم یا تاثیر محیط است و ... اسلام جز تحقیقی که عقل تو با دلیل (برهان مطلب را در یافت کرده باشد، هیچ چیز دیگر را قبول ندارد. 2) با سلام... این حرف ها که مطرح کردید که خوب و منطقی بودن ولی یک پیش شرط هایی هم اسلام برایشون گذاشته که در عمل، عملی نمی تونن باشن... مثل اینکه که اسرائیل بیاد یک حرف قشنگ بگه و اون اینکه شما آزاداید که منطقی در تاریخ تحقیق کنید... بعد بیاد یک پیش شرط بزاره بگه اما!!! اما!!! شما در تحقیقتون البته باید پی ببرید که هلوکاستی هست ها... یعنی اون پیش شرطه یک جورایی همه اون حرف خوبا رو تحت شعاع قرار می ده... اینجا هم همینطور این حرف های خوب و منطقی و قابل تشویقتون یک سری پیش شرط و قوانین و مبنا داره که باعث می شه عملا این حرف های خوشگل در عمل اجرایی نباشن... اما چرا و چطور؟ در ادامه عرض می کنم....

اولا؛ بین آزادی اندیشه و آزادی بیان فرق است؛ بله بین آزادی اندیشه و آزادی بیان فرق هست، ولی این دو رابطه تنگاتنگی دارن تا جایی که می شه اینا رو یک تن واحد در نظر گرفته... این دو یک روحن در دو جسم... چطور می تونه آزادی اندیشه برقرار باشه وقتی که یک سری آخوند ذهن ها رو تحت کنترل خودشون نگه می دارن... چطور آزادی اندیشه می تونه برقرار باشه وقتی آزادی بیان نیست و ذهن ها در حصار آخوند ها و مذهبپون قرار داره... مثل اینکه که ما از بچگی توی ذهن یک سری بچه بخونیم که هلوکاست رخ داده و بعد هم مدام تبلیغات و مدرک و سند و موزه در این باب نشونشون بدیم و خلاصه بمباران تبلیغاتیون کنیم و قدرت تفکر آزاد رو در اختیارشون نذاریم و بعد بگیریم البته آزادی اندیشه هم هست... خنده داره این حرف... پس آزادی اندیشه و آزادی بیان فرق می کنن ولی به هم وابسته ان تا جایی می شه حتی اونها رو یک تن واحد در نظر گرفت....

ثانیا؛ آزادی بیان در تمام مکاتب قیودی دارد و اینطور نیست که هرکس، هر طور که خواست به مقابله با اصل آن مکتب یا نظام مکاتب، بله طبیعتا آزادی بیان طبق هر چیز دیگری ساختار و قواعدی داره... ولی قوانین و ضوابطی که آخوندها و مذهبپون برای آزادی بیان تعیین می کنن جدا از آنکه غیر منطقی هست با نظام دینی خودشون هم در تضاده که من در ادامه توضیح می دم...

بنابراین آزادی بیان تا زمانی که فضای جامعه را مشوش و ناامن نکند، منعی ندارد خیلی جالبه اینکه آراء و عقایدمون رو در اختیار عموم بزاریم و بعد عموم آزادی عقیده و اندیشه داشته باشن، تغییر عقیده در زندگیشون بدن می شه تشویش اذهان عمومی و نا امن کردن اجتماع؟ پس چی بود می گفتید که آزادی اندیشه وجود داره... شما می گید که اگر حرف و حدیثی هم هست باید نهایتا با علما زده بشه... پس عموم مردم چه؟ عموم مردم باید ذهنشون تحت کنترل افکار آخوند ها باشه؟؟ این که می شه همون مهر زدن و زنجیر زدن به آزادی عقیده... وقتی می گید ما آزادی عقیده رو قبول داریم باید اجازه بدید که عقاید و افکار در سطح مردم گفته بشه تا مردم انتخاب کنن و اندیشه شون آزاد باشه نه در زنجیر آخوندها و مذهبی ها باشه... بنده نمی دونم یک همچین حرف های بدیهی رو بچه دبستانی برادر بنده هم می تونه به زبون بیاره و درکشون کنه ولی نمی دونم علمای اسلامی چطور نمی تونن درکش کنن!!! با احترام!

لذا بیان نقدهای دینی و غیر آن در مجامع علمی و تضارب آراء بلاشکال است ولی اگر همین اعلام و ترویج در بین عموم مردم که از سطح علمی بالایی برخوردار نیستند، مطرح شود، باعث گمراهی و تشویش می شود. اصول دین تحقیقی است... اگر بیان و نقد اصول دین و ارائه یک اصول دین جدید تر و بهتر می شود اشتباه و مردم قدرت درک آن را ندارند... چرا پیامبر دین اسلام را تبلیغ کرد؟؟ یعنی پیامبر از شعور و نفهمی مردم استفاده کرد و دین اسلام را

پس حق او برای تحقیق و برگزیدن تفکراتی که به آن ها رسیده است چه می شود
حق او برای پاسخ به سایر تفکرات و اشاعه ی افکارش چه می شود
مسلمانان همه حق دفاع از اسلام و نقد تفکرات سایرین را دارند اما مسلمان زاده
حرفی بر خلاف اسلام بگویند و منکر درستی آن باشد عقابی چون قتل و یا حبس با
شکنجه در انتظار اوست
پس اختیارش و این گفته ی قرآن که اجباری در دین نیست چه می شود!؟

سلام

لا اكراه في الدين يعني شخص در حوزه شخصی اش مجبور به دین نمی شود. اما اظهار
ارتداد دیگر یک مساله شخصی نیست و یک مساله اجتماعی است و با توجه به سیاسی
بودن اسلام و ابتنای این سیاست و حکومت بر دین اسلام، فرد مسلمان حق اظهار
ارتداد ندارد چراکه به منزله آسیب به بدنه جامعه اسلامی است. به عبارت دیگر
اظهار ارتداد به جهت جنبه اجتماعی و سیاسی آن یک جرم است. این مساله را فقط
زمانی می توانید درست تحلیل کنید که به بعد سیاسی و اجتماعی اسلام هم توجه
داشته باشید. اگر دین اسلام یک دین سیاسی و اجتماعی نبود مطمئنا با مساله
ارتداد اینطور برخورد نمی شد.

یا علیم

[پست 8]

favel : نویسنده

تاریخ : 10:24 1396/02/28

با سلام... این حرف ها که مطرح کردید که خوب و منطقی بودن ولی یک پیش شرط هایی
هم اسلام برایشون گذاشته که در عمل، عملی نمی تونن باشن... مثل اینکه که اسرائیل
بیاد یک حرف قشنگ بگه و اون اینکه شما آزاداید که منطقی در تاریخ تحقیق
کنید... بعد بیاد یک پیش شرط بزاره بگه اما!!! اما!!! شما در تحقیقتون البته
باید پی ببرید که هلوکاستی هست ها... یعنی اون پیش شرطه یک جورایی همه اون حرف
خوبا رو تحت شعاع قرار می ده... اینجا هم همینطور این حرف های خوب و منطقی و
قابل تشویقتون یک سری پیش شرط و قوانین و مبنا داره که باعث می شه عملا این
حرف های خوشگل در عمل اجرایی نباشن... اما چرا و چطور؟ در ادامه عرض می
کنم....

بله بین آزادی اندیشه و آزادی بیان فرق هست، ولی این دو رابطه تنگاتنگی دارن
تا جایی که می شه اینا رو یک تن واحد در نظر گرفته... این دو یک روحن در دو
جسم... چطور می تونه آزادی اندیشه برقرار باشه وقتی که یک سری آخوند ذهن ها
رو تحت کنترل خودشون نگه می دارن... چطور آزادی اندیشه می تونه برقرار باشه
وقتی آزادی بیان نیست و ذهن ها در حصار آخوند ها و مذهبپون قرار داره... مثل
اینه که ما ا زبچگی توی ذهن یک سری بچه بخونیم که هلوکاست رخ داده و بعد هم
مدام تبلیغات و مدرک و سند و موزه در این باب نشونشون بدیم و خلاصه بمباران
تبلیغاتیون کنیم و قدرت تفکر آزاد رو در اختیارشون نذاریم و بعد بگیم البته
آزادی اندیشه هم هست... خنده داره این حرف... پس آزادی اندیشه و آزادی بیان فرق
می کنن ولی به هم وابسته ان تا جایی می شه حتی اونها رو یک تن واحد در نظر
گرفت....

مکاتب، بله طبیعتا آزادی بیان طبق هر چیز دیگری ساختار و قواعدی داره... ولی
قوانین و ضوابطی که آخوندها و مذهبپون برای آزادی بیان تعیین می کنن جدا از
آنکه غیر منطقی هست با نظام دینی خودشون هم در تضاده که من در ادامه توضیح می
دم...

خیلی جالبه اینکه آراء و عقایدمون رو در اختیار عموم بزاریم و بعد عموم آزادی
عقیده و اندیشه داشته باشن، تغییر عقیده در زندگیشون بدن می شه تشویش اذهان
عمومی و نا امن کردن اجتماع؟ پس چی بود می گفتید که آزادی اندیشه وجود

داره... شما می گید که اگر حرف و حدیثی هم هست باید نهایتا با علما زده بشه... پس عموم مردم چه؟ عموم مردم باید ذهنشون تحت کنترل افکار آخوند ها باشه؟؟ این که می شه همون مهر زدن و زنجیر زدن به آزادی عقیده... وقتی می گید ما آزادی عقیده رو قبول داریم باید اجازه بدید که عقاید و افکار در سطح مردم گفته بشه تا مردم انتخاب کنن و اندیشه شون آزاد باشه نه در زنجیر آخوندها و مذهبی ها باشه... بنده نمی دونم یک همچین حرف های بدیهی رو بچه دبستانی برادر بنده هم می تونه به زبون بیاره و درکشون کنه ولی نمی دونم علمای اسلامی چطور! نمی تونن درکش کنن!!!! با احترام

اصول دین تحقیقی است... اگر بیان و نقد اصول دین و ارائه یک اصول دین جدید تر و بهتر می شود اشتباه و مردم قدرت درک آن را ندارند... چرا پیامبر دین اسلام را تبلیغ کرد؟؟ یعنی پیامبر از شعور و نفهمی مردم استفاده کرد و دین اسلام را تبلیغ کرد... اینکه می گم این حرف ها و رفتار آخوندها و مذهبی ها با خود نظام دینی اسلام در تضاده اینجاست... شما می گید مردم بی شعورن و نفهمن و نمی تونن اصول دین رو هم بفهمن از اون ططرف می گید که پیامبر به مردمی جاهل تر از مردم امروز ما دین اسلام رو تبلیغ کردن... پناه بر خدا... خدا توبه توبه... انقدر تضاد در سخن و عقیده جز از آخوند ها از که برآید... مردم امروز ایران که فکر نمی کنم از مردم جاهل عرب جاهل تر باشن... گویا شما مردم ایران رو از مردم جاهل عرب نفهم تر و بی شعور تر حساب می کنید... معلومه دیگه... مردم خر و گوسفندن و !!! آخوندها چوبان آنها... از نظر شما

خیلی جالبه آخوندها تشخیص می دن که حق و حقیقت چیست و باید به مردم چه گفته شود... این آزادی اندیشه است... خدا توبه توبه... پناه بر خدا... عزیز من.. برادر چرا فکر می کنید مثلا ابوجهل ها فقط گیر پیامبر می اد... همین آخوندها می تونن ابوجهل های روزگار ما باشن... این آخوند ها هستن که باید تصمیم بگیرن که هرچی در زد اسلامه حق نیست و هرکس در مورد آن بگوید باید مجازات و محاکمه بشود... خنده داره... دیگه زنجیر زدن بر آزادای اندیشه چجور از این تمیز تر... آقا شما نمی تونی بگی آزادی اندیشه هست وقتی اینطوری آزادی.. بیان رو جلوشو گرفتی

بله توجیه و تفسیر هم که الا ماشاالله... قرآن می گه لا اکره فی دین، هیچ پیش بند و پس وندی هم نداره، آخوندها تشخیص دادن که این حرف فقط برای قبل از انتخاب دینه... حتی برای زمانی که فقط بابا و ننوات هم مسلمانه هم نیست ها... قبول! نمی گم حرف این آیه چیز دیگه ای غیر از اونچه آخوندها می گن نیست... ولی ظاهر آیه نمی خونه!!... این هم قرآنه دیگه... کتاب منطقی و شاهکار عزیز!!!!!!

در آخر جا داره از بزرگ مرد آقای نیکویی یادی کرد که به خاطر نقد های منصفانه علیه دین اسلام الان گم و گورن و دستگیرن... خدا
توبه

بسم الله الرحمن الرحيم

باسلام

از پاسخ شما برداشت میشود که "بینش و نگرش" شما به مسائل به گونه ای است که حتی اگر ادله ای محکم تر یا بهتر از آنچه در پاسخ استاد عزیز ذکر شده بیاورند ، باز هم با جسارت ها و پاسخ های معترضانه و جدال ستیزانه آنها را رد میکنید ، آخوندا آخوندا... توبه توبه... چیزی که من تو پاسخ های شما با اطلاعات ناکامل خودم میبینم چیزی به جز مسخره کردن و زیر سوال بردن "آخوندا" نیست ، نه تلاشی برای قبول کردن بلکه جدالی برای به قول خودتون " آزادی " .. توهین نباشه ولی شما اول باید نگرش خودتون رو به مسائل اصلاح کنید تا شاید بتونید ... پاسخ های اینگونه رو بپذیرید

وگرنه خود خدا هم که جلوتون حاضر بشه باز هم بیش از "پیش آخوندا نبودی؟" نصیبش نمیشه

بارها دیدم که فردی معترض (ناقص العلم) با اینکه طرف مقابل آیه قرآن رو حتی از حفظ براش میخونده با عباراتی چون: (این نبود تو قرآن، تفسیرشه یا ترجمش و ...) فقط در صدد نفی بر اومده جالبه که حتی متن قرآن وقتی میدید آیه قرآن بوده باورش نمیشد و میگفت این تو قرآن نبود (شک دارم حتی اون قسمت از سوره مورد نظر رو خونده بود یا نه) ... این فرد معترض فقط میتونه با حتی یک ... اشاره یک کوردل دیگر رو هم سست کنه

از اعتقاد من به عنوان یه مذهبی ، وقتی فرد اسلام رو نمیپذیره یا میره دنبال یک دین دیگه (ای کاش لااقل دنبال همون دین میرفت) ، با فرض اینکه اون فرد واقعا دنبال پذیرش بوده و نمیخواسته صرفا نفی کنه ، سه راه داره یا اینکه اون فرد تحقیقش ناقصه یا عقلش ناقصه (البته به جز یک گروه خاص عقل ناقص نداریم) و یا بینش و نگرشش به مسائل با یک "انسان خداجو " فرق میکنه ... وقتی اسلام دین حقیقی ست ، مسلما نباید به این فرد اجازه داده بشه که حتی زبان گشاید چون فقط و فقط باعث سست شدن یکی دیگه تو جامعه میشه

نمونه بارزش رو هم که زیاد میبینم "9ساله" هست ، طرف هیچی نمیدونه حتی قرآن رو ورق نزده ولی میفرماید: پیامبر با دختر 9 ساله ازدواج کرد ... پیرمرده *^&\$# (سال بعد من نفر دوم که با اون فرد حرف میزد دیدم که از نظر معنوی دیگه چیزی ازش باقی نمونده بود ، غرق در گناه ... فقط هم برای گرفتن مجوز کاری که حتی از نظر عقلی قابل قبول نیس) . پرواضح است که چرا اسلام میگه تفکرات معاند رو نگهدار واسه خودت ، چون 4 نفر دیگه که خدا به زور نگاهشون ... داشته هم میرن

با اینکه این مثال ناقص بود ولی وقتی شما ازین منظر نگاه کنی که اسلام دین حقیقی است برای من که شاهد این افراد هستم چیزی جز این نیست که اگه فرد مسلمانی به دین دیگه ای گرایید از نظر بعضی تیره دلان ، فقط وسیله ای برای دور ... شدن از دین و سست شدن عقیده است

باز هم اگر این پاسخ "ناقص" نتونست کمکی (حتی کوچک) بکنه ، معذرت میخوام ... و باز هم پیشنهاد میکنم که باید نگرش و بینش خودتون رو تغییر بدید ... وگرنه بحث کردن با مذهبیبونی که کلامشون رو سعی میکنن از قرآن بگیرن ، وقتی فرد مقابل نگرش خاصی در مورد قرآن داره ، فایده ای نداره ... در بهترین وجهش تنها بحث با یه معصوم میتونه فایده داشته باشه ... اگر باز هم فایده ای نداشته باشه آخرش اون فرد باید بره جایی که هیچ احدالناسی حرفی از دین نزنه چون باز هم فقط با (: کلماتی مته "آخوندای چوپان" مواجه میشه والسلام

[پست 9]

نویسنده : سعدی شیرازی

تاریخ : 1396/02/28 10:42

سلام

اگر قرار باشه فردی در مورد دین تحقیق کنه، باید نظرات موافق و مخالف رو بخونه و بر اساس منطق جمع بندی کنه. پس باید منابع مطالعه در اختیارش باشه اما از طرف دیگه، در اختیار گذاشتن منابع مطالعاتی میشه "تشویش اذهان" و "نا ... امن کردن جامعه

همان طور که جناب پارسا فرمودند، وقتی آزادی بیان نباشه آزادی فکر هم نیست. چون منابع مطالعه به صورت گزینش شده در دسترس قرار می گیرند اما وادار کردن مردم به پذیرش یک عقیده خاص می تونه توجیه پذیر باشه، به شرط اینکه بتونیم اون عقیده رو با یک دلیل محکم اثبات کنیم، طوری که هیچ جای شک و شبهه ای باقی نمونه. از کارشناس محترم می پرسم که محکمترین دلیل اثبات درستی (اسلام از نظر ایشان چیست؟) فقط یکی رو بفرمایید تا بررسی کنیم

[پست 10]

نویسنده : پارسا مهر
تاریخ : 11:50 1396/02/28

سلام

اگر این پاسخ "ناقص" نتوانست کمکی (حتی کوچک) بکند ، معذرت میخوام ... و باز هم پیشنهاد میکنم که باید نگرش و بینش خودتون رو تغییر بدید ... وگرنه بحث کردن با مذهبپوئی که کلامشون رو سعی میکنن از قرآن بگیرن ، وقتی فرد مقابل نگرش خاصی در مورد قرآن داره ، فایده ای نداره ... در بهترین وجهش تنها بحث با یه معصوم میتونه فایده داشته باشه ... اگر باز هم فایده ای نداشته باشه آخرش اون فرد باید بره جایی که هیچ احدالناسی حرفی از دین نزنه چون باز هم فقط با

(: کلماتی مئه "آخوندای چوپان" مواجه میشه و السلام

گرامی این شما و امثال شما و آخوند ها هستند که باید نگرشون رو تغییر بدن... این شمائید که شهادت دادید و ناموش و شرفتون رو برای اسلام حاضرید بدید... پس هرگونه نقد و انتقاد علیه خودتون رو نخونده باز تاکید می کنم نخونده زد می کنید... مگر می شه رد نکنید... پس شهادتی که دادید چی می شه... گرامی این وصله ها به ما نمی چسبه... این مذهبی هست که شهادت داده و هر گونه انتقادی رو بر نمی تابه... من تعجب می کنم... گیرم که بنده در برابر سخن که از اسلام باشه تاب نمی آرم... تازه شدم عین شما که... مگر شما سخنی که بر علیه اسلام باشه رو تاب می آرید... اصلا بر اش اهمیتی می دید؟ اگر اهمیتی می دید یعنی به دین اسلام شک دارید... پس چطور می شه که حاضرید بر اش جان و مال و ناموستون رو بدید و مهم تر از اون چطور هر روز شهادت می دید که خدایی جز الله نیست و محمد پیامبر اوست؟؟؟؟... نه گرامی این وصله ها به ما نمی چسبه... این وصله ها به آخوندها و شخص شما می چسبه

این نکته رو هم بگم بنده از کلمه آخوند استفاده کردم چه اشکال داره... خیلی علمای بزرگ مثل خمینی ها خودشون رو در سخنرانی هاشون آخوند می شناسن... من هم از آخوند استفاده کردم... این جسارت محسوب می شه؟؟ آخوند مختصر و مفیده و من از ش استفاده کردم... به هر حال بنده در متن شما نکته قابل تاملی ندیدم که نیاز به عرایضی از بنده باشه... مگر یک نکته که

نمونه بارزش رو هم که زیاد میبینم "9ساله" هست ، طرف هیچی نمیدونه حتی قرآن رو ورق نزده ولی میفرماید: پیامبر با دختر 9 ساله ازدواج کرد ... پیرمرده *^&\$# (سال بعد من نفر دوم که با اون فرد حرف میزد دیدم که از نظر معنوی دیگه چیزی از ش باقی نمونده بود ، غرق در گناه ... فقط هم برای گرفتن مجوز کاری که حتی از نظر عقلی قابل قبول نیس) . پرواضح است که چرا اسلام میگه تفکرات معاند رو نگهدار واسه خودت ، چون 4 نفر دیگه که خدا به زور نگهشون ... داشته هم میرن

اولا چون نداشتید که دکتر سروش ها رشد کنن... نداشتید که آقای نیکویی ها رشد کنن در جامعه... انقدر جلوی آزادی عقیده و اندیشه و گفتمان و ایستادید و خفقان ایجاد کردید که الان کسایی که تازه قوه عقلشون آزاد شده و هنوز جو گیرن و نا پخته می خوان بیاد نظر بدن و این خلاء سکوت و خواب آلودگی رو پر کنن... حق دارن ، عاملش شمائید... این نکته ی اول... از طرفی مگر نمی گید آزادی اندیشه هست... خوب شما چی کاری دارید طرف شاید درست می گه که پیامبر با دختر نه ساله که نه هفت ساله ازدواج کرده بده... اون یکی هم می خواد تحت تاثیر این حرف اندیشه اش رو عوض کنه... مگر شما نمی گید آزادی اندیشه هست... خوب پس چی می گی... ناراحت چی هستی... شما هم برو بگو نه پیامبر با دختر هفت ساله ازدواج نکرده... شما هم برو تبلیغ کن... خوب حالا مشکل چیه... به خاطر یک سری آدم که از نظر شما جاهلن و می رن می گن پیامبر با دختر نه ساله ازدواج کرده... باید یک

حکم کلی داد و گفت به کل کسی که از دین خارج شده و می‌خواهد تبلیغ کنه مرتده و ... باید فلان و بهمان بشه... خدا توبه توبه

این رفتار شما و آخوندها فقط نشون می‌ده که در ناخودآگاهوشن فهمیدن که دینشون سسته... و اگر جلوی آزادی اندیشه و عقاید و بیان رو بگیرن، چیزی برای دینشون ... نمی‌مونه... همونچیزی که در غرب رخ داده... و از آزادی می‌ترسن

[پست 11]

نویسنده : عامل

تاریخ : 12:05 1396/02/28

سلام علیکم

وقتی فردی از پدر و مادر مسلمان به دنیا میاد، میشه مسلمان فطری. اگر این فرد عقیده دیگری رو بپذیره میشه مرتد فطری.

هر انسانی چه مسلمان زاده و چه غیر آن، باید زمانی که به بلوغ عقلی رسید در مورد راهی که می‌خواهد تا آخر عمر طی کند و ابدیت خود را بسازد، تفکر و تعقل کند. خداوند به انسان عقل و فطرت داده تا با ایندو به همراه هادیان خارجی مانند پیامبران، ائمه و دانشمندان راه خود را پیدا کند. براینکه این تحقیق نیز اگر واقعا مبنای عقلی و فطری داشته باشد، لازم الاجراست و فرد به هر نتیجه‌ای برسد معاقب نخواهد بود. اگر راه درست را پیدا کند، به جزای اخروی خواهد رسید و اگر به بیراهه رود، چون با وسیله‌ای (عقل و فطرت) که خالق در دست او قرار داده به این راه رهنمون شده، پس معذور خواهد بود. تا اینجا حکم مرتد رو ندارد. از زمانی که شروع به تبلیغ و اعلام کرده و باعث سست شدن اعتقاد دیگران. که غالباً عوام هستند، می‌شود، بحث ارتداد مطرح می‌شود پس اسلام عقلا اجازه تغییر عقیده را می‌دهد اما اجازه اعلام را نمی‌دهد و بین این دو تفاوت زیادی است.

اگر قرار باشه فردی در مورد دین تحقیق کنه، باید نظرات موافق و مخالف رو بخونه و بر اساس منطق جمع بندی کنه. پس باید منابع مطالعه در اختیارش باشه اما از طرف دیگه، در اختیار گذاشتن منابع مطالعاتی میشه "تشویش اذهان" و "نا ... امن کردن جامعه

: در جامعه دو سطح از انسانها وجود دارند
.الف) کسانی که اطلاعات حد اقلی از دین دارند

.ب) متخصصین و محققین در دین

گروه اول که اکثریت جامعه را تشکیل می‌دهند، در امور دیگر تخصص داشته و از مسائل کلامی و فلسفی و منطقی اطلاعات چندانی ندارند. لذا اگر با چنین مواردی مواجه شوند در بسیاری از موارد قدرت تشخیص مغالطه از برهان را نداشته و ممکن است گمراه شوند. برای این گروه خواندن کتب ضاله و نقدهای فنی جایز نیست، چرا که قدرت تشخیص نداشته و سردرگم خواهند شد.

اما در مورد قسم دوم، مراجعه و تحقیق در منابع دیگر جایز بلکه در بعضی موارد لازم است.

بنابراین با توجه به عدم اطلاع کافی از مباحث دقیق علمی از جانب قشر اول، تشویش و سردرگمی این گروه با مواجهه کتب ضاله و ارتداد برخی در جامعه اسلامی اجتناب ناپذیر خواهد بود.

از کارشناس محترم می‌پرسم که محکمترین دلیل اثبات درستی اسلام از نظر ایشان (چیست؟) (فقط یکی رو بفرمایید تا بررسی کنیم)

.بزرگوار با ورود در این بحث بکلی از موضوع اصلی این تاپیک خارج خواهیم شد. هر چند سوال مهمی است اما در جای خود آنرا پی‌گیری نمایید.

البته در این زمینه مباحثی هم در سایت مطرح شده
<http://www.askdin.com/showthread.php?t=29421&p=671499&viewfull=1#post671499>
<http://www.askdin.com/showthread.php?t=8030&p=52266&viewfull=1#post52266>
<http://www.askdin.com/showthread.php?t=13784&p=375415&viewfull=1#post375415>

[پست 12]
نویسنده : عامل
تاریخ : 12:58 1396/02/28

سلام

این حرف ها که مطرح کردید که خوب و منطقی بودن ولی یک پیش شرط هایی هم اسلام... برایشون گذاشته که در عمل، عملی نمی تونن باشن... برای تحقیق در مورد دین حق هیچ پیش شرطی وجود ندارد بنابراین اگر شخصی بدور از راحت طلبی به تحقیق و تفکر در مورد رسیدن به راه حق و دین واقعی تلاش کند، به هر نتیجه ای که برسد برایش حجت خواهد بود

پس آزادی اندیشه و آزادی بیان فرق می کنن ولی به هم وابسته ان تا جایی می شه... حتی اونها رو یک تن واحد در نظر گرفت آزادی اندیشه با آزادی بیان حتی تلازم هم ندارد، چه برسه به اینکه دو روح در یک بدن باشند!

به عنوان مثال ایا شما هر فکری که به ذهن مبارکتان خطور می کند به زبان می آورید؟ یا برخی را می گوئید و بسیاری را به جهت مصالحی کتمان می کنید؟ چه بسا گناهان و افکار پلیدی به ذهن انسان می رسد که اگر بازگو کند، خانواده... و بلکه قومی به آشوب کشیده می شود. بنابراین بنابر مصالحی، گفتن هر فکر و خطوری جایز نیست.

البته اینکه اذهان انسانها تحت تاثیر فرهنگ، دین و یا سیاست غالب باشد، امری طبیعی و اجتناب ناپذیر است و اختصاص به کشور ما ندارد. بالاخره تفکر غالب بر افراد ساکن در یک منطقه تاثیر می گذارد، هرچند قدرت تفکر را با توجه به اینکه عصر حاضر، عصر اطلاعات است، ساقط نمی کند.

خیلی جالبه اینکه آراء و عقایدمون رو در اختیار عموم بزاریم و بعد عموم آزادی عقیده و اندیشه داشته باشن، تغییر عقیده در زندگیشون بدن می شه تشویش اذهان... عمومی و نا امن کردن اجتماع؟ پس چی بود می گفتید که آزادی اندیشه وجود داره بزرگوار تغییر عقیده باعث ارتداد نمی شود که تشویش اذهان بوجود آید. در بکار بردن کلمات دقت کنید. اعلام و تبلیغ باعث تشویش اذهان می شود که هیچ مکتبی... آزادی مطلق قائل نیست. بنابراین همچنان آزادی اندیشه برقرار است اینکه مباحث دقیق علمی باید در محل علمی و با اهل آن مطرح شود، بدیهی است. به همین دلیل بچه مدرسه ای هم می فهمد که گفتن مسائل پیچیده فیزیک برای یک روستایی بی سواد، فایده ای جز گیج و سردرگم کردن او ندارد. اگر کسی برداشتی از دین دارد و آنرا در مجامع علمی مطرح کند و بتواند غالب را با خود همراه کند، نظر او مطرح خواهد شد. اما کسی که برداشتی غلط از دین دارد و اکثریت دانشمندان حرف او را نقد می کنند، جایی برای طرح ندارد

[پست 13]
نویسنده : سعدی شیرازی

تاریخ : 1396/02/28 13:34

اما در مورد قسم دوم [محققین دینی]، مراجعه و تحقیق در منابع دیگر جایز بلکه در بعضی موارد لازم است.

سلام

یک محقق دینی، کتابها و منابع مختلف رو می خونه و در نهایت باید جمع بندیش رو از اون مطالعات منتشر کنه.

اما اون نتیجه ای که منتشر می کنه، باید تایید کننده عقاید از پیش تعیین شده باشه. یعنی این محقق دینی حتی قبل از تحقیق می دونه که باید چه نتیجه ای رو منتشر کنه.

[پست 14]

نویسنده : عامل

تاریخ : 1396/02/28 13:47

سلام مجدد

شما می گید مردم بی شعورن و نفهمن و نمی تونن اصول دین رو هم بفهمن از اون طرف می گید که پیامبر به مردمی جاهل تر از مردم امروز ما دین اسلام رو تبلیغ کردن.

پارسای عزیز ما کی چنین حرفی زدیم؟

اینکه مردم عادی غیر متخصص توان درک مغالطه را از برهان ندارند یعنی بی شعورند؟

عموم مردم توان درک براهین ساده و فطری را دارند و به همین دلیل عرب جاهلی این دین را پذیرفت. همین براهین ساده الان هم کارایی دارد. اما بحث بر سر بحث های دقیق و تردید در اعتقاد دیگران است، لطفا خلط نکنید.

....توجیه و تفسیر هم که الا ماشاءالله

این جملات شما بیشتر احساسی است تا علمی... فهم قرآن باید با شان نزول، لغت، سیاق و چندی فاکتور دیگر انجام بشود.

ضمنا بحث ارتداد و البته تفسیر آیه مورد بحث! ربطی به آخوندها ندارد و در متون دینی و روایی و همچنین مفسرین اولیه مطرح شده است. به جای احساسی شدن به این منابع هم مراجعه فرمایید. در پناه حق باشید.

[پست 15]

نویسنده : عامل

تاریخ : 1396/02/28 13:56

سلام

یک محقق دینی، کتابها و منابع مختلف رو می خونه و در نهایت باید جمع بندیش رو از اون مطالعات منتشر کنه.

اما اون نتیجه ای که منتشر می کنه، باید تایید کننده عقاید از پیش تعیین شده باشه. یعنی این محقق دینی حتی قبل از تحقیق می دونه که باید چه نتیجه ای رو منتشر کنه.

اگر تحقیق او دارای اتقان علمی باشد مسلما جوامع علمی را هم تحت تاثیر می گذارد و همین سبب پذیرش عقاید او می شود.

حتی اگر تحقیق درستی انجام داده باشد و در زمان خودش تاثیر گذار نباشد در آینده تاثیر خود را خواهد گذاشت.
ثانیا همانطور که عرض شد تلازمی بین آزادی اندیشه و آزادی بیان نیست، لذا ممکن است شخصی در درون جامعه ای نظر مخالفی داشته باشد اما ابراز نکرده و مانند دیگران زندگی کند.
ثالثا بیان نظرات مخالف و نشر آنها در مجامع علمی منعی ندارد بلکه نشر آنها در کف جامعه است که گاهی مشکل ساز می شود.

[پست 16]

نویسنده : favel

تاریخ : 13:57 1396/02/28

سلام

گرامی این شما و امثال شما و آخوند ها هستند که باید نگرشون رو تغییر بدن... این شمائید که شهادت دادید و ناموش و شرفتون رو برای اسلام حاضرید بدید... پس هرگونه نقد و انتقاد علیه خودتون رو نخونده باز تاکید می کنم نخونده زد می کنید... مگر می شه رد نکنید... پس شهادتی که دادید چی می شه... گرامی این وصله ها به ما نمی چسبه... این مذهبی هست که شهادت داده و هر گونه انتقادی رو بر نمی تابه... من تعجب می کنم... گیرم که بنده در برابر سخن که از اسلام باشه تاب نمی آرم... تازه شدم عین شما که... مگر شما سخنی که بر علیه اسلام باشه رو تاب می آرید... اصلا براش اهمیتی می دید؟؟ اگر اهمیتی می دید یعنی به دین اسلام شک دارید... پس چطور می شه که حاضرید براش جان و مال و ناموستون رو بدید و مهم تر از اون چطور هر روز شهادت می دید که خدایی جز الله نیست و محمد پیامبر اوست؟؟؟؟ نه گرامی این وصله ها به ما نمی چسبه... این وصله ها به آخوندها و شخص شما می چسبه

این نکته رو هم بگم بنده از کلمه آخوند استفاده کردم چه اشکال داره... خیلی علمای بزرگ مثل خمینی ها خودشون رو در سخنرانی هاشون آخوند می شناسن... من هم از آخوند استفاده کردم... این جسارت محسوب می شه؟؟ آخوند مختصر و مفیده و من ازش استفاده کردم... به هر حال بنده در متن شما نکته قابل تاملی ندیدم که نیاز به عرایضی از بنده باشه... مگر یک نکته که

اولا چون نداشتید که دکتر سروش ها رشد کنن... نداشتید که آقای نیکویی ها رشد کنن در جامعه... انقدر جلوی آزادی عقیده و اندیشه و گفتمان و ایستادید و خفقان ایجاد کردید که الان کسایی که تازه قوه عقلشون آزاد شده و هنوز جو گیرن و نا پخته می خوان بیاد نظر بدن و این خلاء سکوت و خواب آلودگی رو پر کنن... حق دارن، عاملش شمائید... این نکته ی اول... از طرفی مگر نمی گید آزادی اندیشه هست... خوب شما چی کاری دارید طرف شاید درست می گه که پیامبر با دختر نه ساله که نه هفت ساله ازدواج کرده بده... اون یکی هم می خواد تحت تاثیر این حرف اندیشه اش رو عوض کنه... مگر شما نمی گید آزادی اندیشه هست... خوب پس چی می گی... ناراحت چی هستی... شما هم برو بگو نه پیامبر با دختر هفت ساله ازدواج نکرده... شما هم برو تبلیغ کن... خوب حالا مشکل چیه... به خاطر یک سری آدم که از نظر شما جاهلن و می رن می گن پیامبر با دختر نه ساله ازدواج کرده... باید یک حکم کلی داد و گفت به کل کسی که از دین خارج شده و می خواد تبلیغ کنه مرتده و ... باید فلان و بهمان بشه... خدا توبه توبه

این رفتار شما و آخوندها فقط نشون می ده که در ناخود آگاهوشن فهمیدن که دینشون سسته... و اگر جلوی آزادی اندیشه و عقاید و بیان رو بیگیرن، چیزی برای دینشون... نمی مونه... همونچیزی که در غرب رخ داده... و از آزادی می ترسن

، باسلام

همین دیگه ، شما از طرف دیگه نگاه میکنین ، دوباره پیشنهاد میکنم بینش ستون رو تغییر بدید ، به جا اینکه بگید "در ناخودآگاهوشن فهمیدن که دینشون سسته... و اگر جلوی آزادی اندیشه و عقاید و بیان رو یگیرن، چیزی برای دینشون نمی مونه" اینجوری نگاه کنید که در ناخودآگاهوشن فهمیدن دینشون بهترین دینه ، و نمیخوان حتی یک نفر از الله الرحمن الرحیم قدمی فاصله بگیره ... جگرش ریز ... "ریز میشه وقتی فردی در مورد کسی حرف میزنه که "لولاک لما خلقت الافلاک همونجور که اول گفتم تا وقتی نگرش شما اینه و نگرش من اینه بحث فایده ای نداره انشالله که کسی پیدا بشه که بتونید با بحث باهاش به نتیجه برسید اینم فضای باز وصله بچسبونید تا به "یقین" برسید

و السلام

[پست 17]

نویسنده : پارسا مهر
تاریخ : 1396/02/28 14:09

با سلام مجدد... استاد گاماس گاماس... ابتدا به این فرمایش شما برسیم که می... فرمایید که آزادی اندیشه با آزادی بیان هیچ تلازمی ندارند

دی اندیشه با آزادی بیان حتی تلازم هم ندارد، چه برسه به اینکه دو روح در یک بدن باشند!

استاد اگر آزادی بیان نباشد و بیان ها تحت کنترل باشد، آنوقت اندیشه ها را محدود کرده ایم... افسار بر اندیشه ها زده ایم که به جاهای باریک کشیده نشوند... مثلا اگر بنده سخنان آقای نیکویی را نمی شنیدم به هیچوجه به دین شک نمی کردم و هرچه آخوندها از کودکی به ذهنم تلقین کرده بودن، را بدون تفکر آزاد می پذیرفتم... این یعنی اندیشه من بدست آخوندها افسار زده شده بود... ولی با بیان استاد نیکویی بنده آزادی اندیشه پیدا کردم... توانستم اندیشه ی دیگری را انتخاب کنم... توانستم درست فکر کنم... اگر بیان و آزادی بیان آقای نیکویی نبود اندیشه بنده زندانی و کنترل آخوندها مانده بود... پس نگویید که آزادی ... اندیشه با آزادی بیان هیچ تلازمی ندارند

بنده می خوام آزادی اندیشه ی پسریم را بگیرم و بر اندیشه او افسار ببندم... چه می کنم؟؟؟ ابتدا آزادی بیان را محدود می کنم... سعی می کنم پسریم آنچیزی که من دوست دارم را بشنود... حرف های انتقادی را نشوند... آنوقت اندیشه اش تحت کنترل ... بنده می افتد... آزادی اندیشه ندارد... اندیشه اش دست بنده است

آیا آزادی اندیشه هیچ تلازمی با آزادی بیان ندارد با این توضیحات؟؟

[پست 18]

نویسنده : سعدی شیرازی
تاریخ : 1396/02/28 16:45

ثالثا بیان نظرات مخالف و نشر آنها در مجامع علمی منعی ندارد بلکه نشر آنها در کف جامعه است که گاهی مشکل ساز می شود.

به هر حال یک محقق در نهایت باید راه رو برای مردم جامعه هموار کنه وقتی درباره لزوم تحقیق در اصول دین صحبت میشه، شامل مردم عادی هم میشه . اونها هم باید یک پایه محکم برای عقایدشون داشته باشند

به هر حال اگر فردی بخواد تعیین کنه که مردم چه چیزی رو بشنوند و چه چیزی رو نه، باید یک معیار محکم برای تشخیص عقیده دست داشته باشه . خودم دنبال چنین معیاری زیاد گشتم ولی پیدااش نکردم . اتفاقاً اگر بشه یک دلیل محکم برای اثبات

عقاید ارائه داد که هیچ ایرادی بهش وارد نباشه، دیگه نیازی به سانسور وجود نداره.

تاپیکی با عنوان "محکمترین دلیل برای اثبات نبوت خاصه چیست؟" در بخش "نبوت" ایجاد کردم که در انتظار بررسی است. ممنون میشم تایید بفرمایید. اگر بتونیم یک برهان پیدا کنیم که هیچ اشکالی بهش وارد نباشه دیگه تمام این مسائل حله. در اون صورت دیگه نیازی به سانسور وجود نخواهد داشت

[پست 19]

نویسنده : عامل

تاریخ : 16:35 1396/02/30

سلام

استاد اگر آزادی بیان نباشد و بیان ها تحت کنترل باشد، آنوقت اندیشه ها را مسلمانانندیشه انسان تا حدودی تحت تاثیر محیط است، اما آیا این به معنای محدود کردن اندیشه است؟ اگر هست پس در تمام دنیا اینطور است. مثلا در کشور های غربی با آن حجم اسلام ستیزی، به نظر شما چند درصد مردم احتمال حق بودن اسلام را می دهند؟ البته به برکت فضای مجازی این محدودیت ها خیلی کمتر شده و شاهدش همین اعتقاد شماست:

مثلا اگر بنده سخنان آقای نیکویی را نمی شنیدم به هیچوجه به دین شک نمی کردم به عبارتی همین تغییر تفکر شما دال بر آزادی اندیشه است البته برای کسانی که دنبال تحقیق باشند ناگفته نماند این آقایی که نامش را بردید، بارها طرز برداشت و همچنین دلایلش نقد شده است. اصل آزاد اندیشی خیلی با ارزش است اما به شرطی که عالمانه باشد، از راه مقدمات وارد شویم و شروط دیگری که انسان را به بیراهه نکشاند

آیا آزادی اندیشه هیچ تلازمی با آزادی بیان ندارد با این توضیحات؟؟
...تلازم با تاثیر خیلی فرق دارد
محیط تاثیر بر اندیشه می گذارد اما بین آزادی آنها تلازمی نیست
لطفا معنای اصطلاحی تلازم را مد نظر داشته باشید

[پست 20]

نویسنده : عامل

تاریخ : 16:51 1396/02/30

سلام علیکم

به هر حال یک محقق در نهایت باید راه رو برای مردم جامعه هموار کنه این جمله کاملا صحیح است اما نه بصورت موجه کلیه؛ یعنی در برخی موارد استثنا بردار است. بالاخره هر قانون گذاری برای حفظ امنیت روانی جامعه خود، تمهیداتی می اندیشد و از طرفی آن مکتب چون خود را حق می داند(چرا که حق یکی بیشتر نیست و اگر همه را حق بدانیم سر از تناقض و پلورالیزم در می آوریم) ابراز و اعلام مخالفت با اصل آن مکتب را بر نمی تابد و نهایتا برای جلوگیری از محو و نابود شدن خود،

تمهیداتی می اندیشد. اگر اینطور نباشد، مطمئن باشید آن مکتب حتی اگر از اتقان بالایی برخوردار باشد، باز هم ممکن است تاب توطئه ها را نیاورد. به عنوان مثال اگر شخصی با تحقیق خود به این نتیجه برسد که باید مواد مخدر را بین همه افراد جامعه تقسیم کند، آیا حاکم می تواند با این استدلال که بالاخره باید آزادی در جامعه باشد، کاری به کار این شخص نداشته باشیم؟ مسلما حفظ آن جامعه این اجازه را به او نمی دهد. البته این صرفا یک مثال است ولی گاهی یک حرف یا نظر تاثیرش خیلی بیشتر است.

به هر حال اگر فردی بخواد تعیین کنه که مردم چه چیزی رو بشنوند و چه چیزی رو نه، باید یک معیار محکم برای تشخیص عقیده دست داشته باشه این فرد اگر خالق انسان باشد و خیر و صلاح را از او بهتر بشناسد، این حق را خواهد داشت. تلاش اسلام برای این است که حتی مستضعفان فکری نیز به سعادت برسند. اگر چه ایمان بدون تفکر ارزش کمی دارد اما بالاخره راه نجات است.

در بخش "نبوت" ایجاد کردم که در انتظار بررسی است. ممنون میشم تایید بفرمایید.
!بزرگوار تائید تاپیک به عهده کارشناسان نیست
ان شا الهه که به نتیجه خوشایندی برسید

[پست 21]
نویسنده : پارسا مهر
تاریخ : 1396/02/30 18:31

با سلام

به عبارتی همین تغییر تفکر شما دال بر آزادی اندیشه است خوب بنده تا زمانی که سخنان آقای نیکویی را نشنیده بودم آزادی اندیشه نداشتم... چون کاملا بدون دلیل و کاملا بدون آنکه قضایا را برای خودم حلاجی کرده باشم سخنان مذهبپون و آخوندها را پذیرفته و باور کرده بودم... بر اندیشه بنده افسار زده شده بود و افسارش دست مذهبپون بود... بنده با سخنان آقای نیکویی آزادی اندیشه پیدا کردم... و حالا اگر حتی متوجه بشوم که دین آباجدادی ام و سخنان مذهبپون و آخوندها حق هست... بنده آخوند را می پذیرم ولی اینبار نه از روی تقلید و عدم تفکر... بلکه از روی تفکر و دیگر تخوام گفت که مذهبپون بر... اندیشه ام افسار زده بودند

پس به هر حال گویا شما پذیرفتید که آزادی بیان بر آزادی اندیشه تاثیر دارد... خوب اگر آزادی اندیشه وجود دارد چرا با محدود کردن آزادی بیان در سطح عموم جامعه سعی می کنید آزادی اندیشه را محدود کنید؟ چرا یک کسی که متوجه شده دین اسلام حق نیست نمی تواند در سطح عموم جامعه ابراز کند که مرتد شده به این دلیل به اون دلیل... آیا استاد دانشگاه می تواند به دانشجویانش بگوید که بنده مرتد شدم به اون دلیل به اون دلیل یا باید سکوت کند و همانطور که از پیش بر اندیشه ی مردم افسار زده شده، همانطور باقی بماند... چرا نمی گذارد که مردم اندیشه ی آزاد داشته باشند... چرا اسم آزادی اندیشه و آزادی بیان که به هم وابسته اند را می گذارید تشویش اذهان عمومی؟

[پست 22]

نویسنده : پارسا مهر
تاریخ : 1396/02/30 18:42

چونکه مباحث دقیق علمی باید در محل علمی و با اهل آن مطرح شود، بدیهی است. بنده تعجب می کنم، شخص مرتد نمی خواهد در مورد فیزیک کوانتوم و نظریه نسبیت عام انیشتن بحث کند که بیاید در محافل علمی بحث کند... یعنی مردم کوچه و بازار و مردم دبیرستان و دانشجویان حق شنیدن مباحث عقلی در باب اصول دین خود را ندارند؟! پس دین تنها ابزاری برای محافل علمی است؟ یعنی برای یک گروه حداقلی... و این حداکثریت جامعه تنها باید گاو و گوسفندانی به حسابی بیانید که دین اسلام به اجبار بر آنها عرضه شده و بر اندیشه آنها افسار زده شده؟ اندیشه ی این اکثریت آن چیزی است که آخوندها می خواهند؟ از همین کوچه و بازار لشگر لشگر رفتند به عشق اسلام شهید شدند... یعنی یک سری افراد بی سواد رفتند جبهه؟! یک گروه انسان که نمی توانند تحلیل درست داشته باشند و دین اسلامشان از روی جهل است با صد شعار و وعید به عشق اسلام و رهبر به جبهه رفتند؟

اصلا این ها را بگذاریم کنار... اگر عموم مردم از دریافت نقد و انتقاد اصول دین و دریاات اصول دینی جدیدی عاجزن، پس چرا خدا بر این مردم ابله دین فرستاد؟ چرا پیامبر بر مردم جاهل عرب دین اسلام را تبلیغ کرد؟ یعنی از جهل آنان سوء استفاده کرد.

[پست 23]
نویسنده : پارسا مهر
تاریخ : 1396/02/30 19:06

عموم مردم توان درک براهین ساده و فطری را دارند و به همین دلیل عرب جاهلی این دین را پذیرفت. همین براهین ساده الان هم کارایی دارد. بنده نمی دانم چرا به پیامبر می رسد می گویند یک سری براهین ساده و فطری... ولی وقتی به شخص مرتد می رسد می شود یک سری براهین پیچیده و غامض و شگفت انگیز و تخیلی که فقط با اهل علم از آن سر در بیاورند!!!!!!
مرتد خوب می تواند در سطح و سواد شخص مخاطبش حرف بزند... مثل پیامبر... شخص مرتد چیزی نمی گوید که پیچیده باشد و مخاطبش نفهمد... چیزی می گوید که بفهمد... مشکل چیست؟
ببینید بحث سری اکثریت است... اگر شخص مرتد می رفت پیرزنی را در دور دست ترین نقطه تمدن گیر می آورد و می خواست مباحث پیچیده بگوید یک چیزی... ولی اینجا بحث اکثریت است... مردم کوچه و بازار... سواد دارند... درس خوانده اند... دانشجو... دانش آموز... محصل... من نمی دانم اعدام شخص مرتد چه معنی دارد!!!!!!
این اعدام چیزی جز افسار زدن به اندیشه مردم نیست
بینید آیه از نظر شما باید اینجور تصحیح بشود... لا اکره فی دین نزد علمای و دانشمندان!!!!!! اما!!!!!! اکره فی دین!!!!!! خیلی هم اکره در دین در نزد اکثریت (؛ ;) مردم!

[پست 24]
نویسنده : عامل
تاریخ : 1396/02/30 19:56

سلام

خوب بنده تا زمانی که سخنان آقای نیکویی را نشنیده بودم آزادی اندیشه نداشتم...

!آزادی اندیشه داشتید اما استفاده نمی کردید
در پست های قبل هم اشاره شد، محیط بر تفکر انسانها تاثیر می گذارد

پس به هر حال گویا شما پذیرفتید که آزادی بیان بر آزادی اندیشه تاثیر
دارد....
تاثیر با تلازم فرق زیادی دارد، در همان پست های اول این فرق بیان شد
.بالاخره محیط، فرهنگ، دین و ... بر طرز تفکر تاثیر دارد اما تمام العله نیست

چرا با محدود کردن آزادی بیان در سطح عموم جامعه سعی می کنید آزادی اندیشه را
محدود کنید؟
آزادی بیان در تمام دنیا محدود هست اما نوع این محدودیت به حسب فرهنگ ها و
.حکومتها و ... متفاوت است
البته نظام حاکم تنها تفکر را به سمتی سوق می دهد نه اینکه آنرا تحت تسلط خود
دربیاورد.

اگر عموم مردم از دریافت نقد و انتقاد اصول دین و دریات اصول دینی جدیدی
عاجزن، پس چرا خدا بر این مردم ابله دین فرستاد؟
قبلا هم اشاره شد، تخصص در کاری به معنای تخصص داشتن در همه علوم نیست، به
همین دلیل ممکن است شخصی فوق تخصص پزشکی داشته باشد اما یک مساله ساده فقهی
را نداند و یا از اسباب مغالطه و شروط انتاج اشکال قیاس سر در نیاورد. حالا
... شما این عدم اطلاع را بلاهت می دانید، جای تامل دارد
نکته اساسی اینجاست که حکم ارتداد یک بحث اجتماعی است و هر قانونگذاری برای
.حفظ نظام خود، قوانینی را وضع می کند
. اما آیا تلازمی بین تفکر انسان و ابراز آن هست؟ خیر نیست
اگر شخص مصر به ابراز یافته خود است(با توجه به اینکه در صورت ابراز این
یافته که خلاف نظام موجود است، با قانون شکنی و مجازات مواجه خواهد شد) می
تواند این یافته را در جایی ابراز کند که باعث مجازات او نباشد. به همین دلیل
بحث هجرت مسلمانان مطرح شد. این یک امر عقلی است که نظام موجود(هر نظامی که
باشد) نسبت به کسی که بر علیه اصل آن نظام شبهه پراکنی می کند را نپذیرد

...ین اعدام چیزی جز افسار زدن به اندیشه مردم نیست
!این اعدام محدودیت آزادی بیان است نه افسار زدن به اندیشه
. شما باز هم خواسته یا ناخواسته بین این دو کلمه خلط کردید
محدودیت آزادی بیان امری عقلی است و در تمام دنیا انجام می شود، به خلاف
محدودیت آزادی اندیشه که اصلا ممکن نیست

[پست 25]

(a.p) نویسنده : علی پارساپور
تاریخ : 21:57 1396/02/30

اولا چرا به فرزند یک مسلمان(هنگام انعقاد نطفه یکی از والدین مسلمان باشد)
اجازه ی انتخاب تفکری به غیر از اسلام داده نشده
و چه بخواهد و چه نخواهد نمی تواند تفکری غیر از آن را بروز دهد
حق انتخاب او چه شده
و چرا در رساله های مراجع نوشته شده اصول دین تقلیدی نیست
@@
دوما اگر اسلام حق است

پس نباید از انتشار عقاید خلاف خود بترسد و مجازات های سنگینی برای بیان کننده های آن قرار دهد
اگر نقدی بر اسلام می شود
پس باید پاسخ قانع کننده داد
و خود مخاطبین با سنجش دو کفه ی ترازو انتخاب مسیر نمایند
@@

در ضمن اگر شخصی بخواهد در این مملکت رشد کند باید متدین باشد و حال اگر با تحقیق به تفکر دیگری برسد، پس مجبور به کتمان تفکرش، و ظاهر سازيست و این باعث دورویی خواهد شد
و دورویی موجب فساد

[پست 26]

نویسنده : پارسا مهر
تاریخ : 22:00 1396/02/30

با سلام مجدد

!آزادی اندیشه داشتید اما استفاده نمی کردید
استاد بگذارید یک مثال بزنم...فرض کنید که ذهن کودکی را مادر طوری با الفاظ و بمباران تبلیغاتی به بازی گرفته و مادر طوری کودک را تهدید کرده و ترسانده که اگر نیمه شب پایش را از اتاق بیرون بگذارد مثلا بلا سرش می آید، جن می آید او را می خورد...در حالی که در واقع این طور نیست...خوب حالا از نظر شما بچه در اتاقش شب ها زندانی نیست؟به نظر بنده زندانی است...او خودش را در حصار می بیند که اگر پایش را از آن فراتر بگذارد با درد بلا و ترس مواجه می شود...ولی از نظر شما باشد کودک زندانی نیست!!!چون در اتاق قفل نیست!!!کودک هر وقت دلش خواست می تواند از اتاق خارج شود، کسی هم جلویش را نگرفته کسی هم بیرون اتاق ننشسته که کودک تا بیرون آمد او را تنبیه کند...!!!!!!...خواهش کمی از ظواهر بیرون بیایید و در این مسئله ی خاص عمقی تر نگاه کنید...وقتی عمیق نگاه کنید با بنده هم عقیده خواهید شد که کودک در اتاق زندانی است...و قفل و زنجیر آن اتاق هم حرف و حدیث ها و تلقین های مادر است...در موضوع بحث ما هم...اندیشه بنده زنجیر و قفل شده بود...آقای نیکویی آن را باز کرد...ذهن من مثل آن اتاق ظاهرا قفل و زنجیری نداشت...ولی حرف و حدیث های آخوند ها، تبلیغات آنها...محدودیت هایی که آنها در مورد آزادی بیان گذاشته بودند...ذهن بنده را قفل کرده بودند و بنده آزادی اندیشه نداشتم، همانطور که آن کودک در اتاقش زندانی بود...بنده ذهنم و اندیشه ام زندانی بود...حالا نکته اینجاست که آقای نیکویی کاری خلاف اسلام انجام داده...یعنی اگر به شما بود، آقای نیکویی باید سکوت می کرد و بنده هنوز که هنوز آزادی اندیشه نداشتم و داشتم نماز و روزه ام را می خواندم
بعد شما یک سری پاسخ ها داده اید که نمی دانم در همه جوامع اینطوری هست که نمی دانم همه جا آزادی محدود است...نمی دانم در غرب فلان است در مسیحیت آنطوری است...خواهش این دست پاسخ ها را کنار بگذارید...به ما چه در همه جوامع آزادی بیان محدود است...مگر جوامع دیگر و غرب و کیل و وسی ما هستند...آنها هم مثل ما خوب...
...
...حالا شما این عدم اطلاع را بلاهت می دانید، جای تامل دارد
استاد گرامی اگر بنده عدم اطلاع را بلاهت می دانم، نه هر عدم اطلاعی است...مثلا کاری ندارم که طرف پزشکی نمی داند...حتی کاری ندارم که طرف یک مسئله فقهی را نمی دانم...مشکل من این است که شما می فرمایید طرف استدلال ساده را از غیر استدلال هم تشخیص نمی دهد...اصول ابتدایی دین خود را نمی داند...اینجا است که بنده عدم اطلاع را مساوی می گیرم با بلاهت...استاد پس تفاوت حیوان و با انسان

...حالا شما این عدم اطلاع را بلاهت می دانید، جای تامل دارد
استاد گرامی اگر بنده عدم اطلاع را بلاهت می دانم، نه هر عدم اطلاعی است...مثلا کاری ندارم که طرف پزشکی نمی داند...حتی کاری ندارم که طرف یک مسئله فقهی را نمی دانم...مشکل من این است که شما می فرمایید طرف استدلال ساده را از غیر استدلال هم تشخیص نمی دهد...اصول ابتدایی دین خود را نمی داند...اینجا است که بنده عدم اطلاع را مساوی می گیرم با بلاهت...استاد پس تفاوت حیوان و با انسان

چیست؟ مگر گفته نمی شود که فرق انسان با حیوان در این است که انسان تفکر می کند... خوب وقتی نمی تواند در مورد اصول ابتدایی دین خود تفکر کند و استدلال را بشناسد دیگر والا بالله آن چیزی است که دیگر خودتان منظوری بنده را می دانید... و چرا پیامبر بر این دست مردم دین اسلام را تبلیغ می کند شما باید... پاسخ بدهید

بنده شما پاسخ دقیقی ندادید که پیامبر چرا تبلیغ می کردند و حق داشتند تبلیغ کنند. و به این عرض بنده پاسخ ندادید در واقع:

بنده نمی دانم چرا به پیامبر می رسد می گوئید یک سری براهین ساده و فطری... ولی وقتی به شخص مرتد می رسد می شود یک سری براهین پیچیده و غامض و شگفت انگیز و تخیلی که فقط با اهل علم از آن سر در بیاورند!!!!!!
شما نگران نباشد
شخص مرتد خوب می تواند در سطح و سواد شخص مخاطبش حرف بزند... مثل پیامبر... شخص مرتد چیزی نمی گوید که پیچیده باشد و مخاطبش نفهمد... چیزی می گوید که بفهمد... مشکل چیست؟

[پست 27]

نویسنده : فاتح
تاریخ : 22:33 1396/02/30

اولا چرا به فرزند یک مسلمان (هنگام انعقاد نطفه یکی از والدین مسلمان باشد) اجازه ی انتخاب تفکری به غیر از اسلام داده نشده و چه بخواهد و چه نخواهد نمی تواند تفکری غیر از آن را بروز دهد و حق انتخاب او چه شده و چرا در رساله های مراجع نوشته شده اصول دین تقلیدی نیست @@

دوما اگر اسلام حق است پس نباید از انتشار عقاید خلاف خود بترسد و مجازات های سنگینی برای بیان کننده های آن قرار دهد

اگر نقدی بر اسلام می شود پس باید پاسخ قانع کننده داد و خود مخاطبین با سنجش دو کفه ی ترازو انتخاب مسیر نمایند @@

در ضمن اگر شخصی بخواهد در این مملکت رشد کند باید متدین باشد و حال اگر با تحقیق به تفکر دیگری برسد، پس مجبور به کتمان تفکرش ، و ظاهر سازیست و این باعث دورویی خواهد شد و دورویی موجب فساد

محضر استاد گرامی و همراهان عرض سلام و ادب دارم

لا اکراه فی الدین آیه قرآن است نظر شیعه را هم در تقلید از اصول نقل کردید .
خب اگر کسی دین را نخواست و از دین برگشت بر عهده خود اوست .

اگر منظور از " بروز دهد " این است که خواست مناظره و گفتگو کند خب این هم مشکلی ندارد قل هاتوا برهانکم ان کنتم صادقین . کاری که در هر زمانی از اول اسلام تا به الان و بعد آن اتفاق افتاده و می افتد . این سایت هم اتفاقا پر از این مسائل است .

ولی اگر منظورتان از " بروز بدهد " حالات فوق نیست و مقصود خصومت و عناد صرف است و ضربه زدن منظور نظر است خب بله حق دفاع از خود یک حق ثابت و مورد اتفاق است . هر صاحب عقلی است .

[پست 28]

نویسنده : پارسا مهر
تاریخ : 22:42 1396/02/30

اگر منظور از " بروز دهد " این است که خواست مناظره و گفتگو کند خب این هم مشکلی ندارد قل هاتوا برهانکم ان کنتم صادقین . سلام...فرض کنید که بنده مناظره هم کردم..بعد دیدم که نظر شخصی خودم درست بوده و شخص مقابلم مدام مغلطه می کنه و چیزی از ابو جهل کم نداره...اونوقت حق ندارم و وظیفه ندارم که برم به مردم مستقیما و با زبان خودشون اعلام کنم که من مرتدم به این دلیل به اون دلیل و این شیوه و روش و منش درسته؟؟باید مدام برم با ابوجهل ها مناظره کنم؟؟تا دندونام سفید بشه؟؟مردم حق شنیدن آراء و عقاید رو ندارن؟

[پست 29]

نویسنده : فاتح
تاریخ : 00:13 1396/02/31

سلام...فرض کنید که بنده مناظره هم کردم..بعد دیدم که نظر شخصی خودم درست بوده و شخص مقابلم مدام مغلطه می کنه و چیزی از ابو جهل کم نداره...اونوقت حق ندارم و وظیفه ندارم که برم به مردم مستقیما و با زبان خودشون اعلام کنم که من مرتدم به این دلیل به اون دلیل و این شیوه و روش و منش درسته؟؟باید مدام برم با ابوجهل ها مناظره کنم؟؟تا دندونام سفید بشه؟؟مردم حق شنیدن آراء و عقاید رو ندارن؟

سلام

خب طرف مقابل هم شاید همین عقیده را درمورد شما و ادعایتان داشته باشه . تشخیص صحت یا عدم صحت هر ادعا مبنائی دارد و آن توسط اهلس سنجیده میشود ادله و براهین بر مبنای علمی بودن قابل طرح است و اتفاقا باعث استقبال اهل علم است .

تهاقت الفلاسفه غزالی بیشتر از هر اثر فلسفی ای امروز توسط ناشرین چاپ میشود چون حاصل اندیشه یک عالم است و در مواردی هم که بخطا رفته هم طرح موضوعاتی کرده .

حال یک کسی که فرضا طب بلد نیست بیاید یک مرکز تحقیقات پزشکی و بگوید نظر من درباره فلان بیماری این است خب میپرسند تخصص و سمت علمی تان چیست بعد میگویند ... مستندات تحقیقتان را ارائه بدهید و

طرف هم بگوید شما مغلطه میکنید ابوجهلید کرسی استادی من کو ؟ خب طرف مقابل هم طبیعی است بگوید حالش خوب نیست

[پست 30]

نویسنده : پارسا مهر

تاریخ : 1396/02/31 00:40

سلام

خب طرف مقابل هم شاید همین عقیده را درمورد شما و ادعایتان داشته باشه .
تشخیص صحت یا عدم صحت ادعائی مبنائی دارد آن ادله با علم و عقل توسط اهلس
سنجیده میشود ادله و براهین بر این مبنی قابل طرح است و اتفاقا باعث استقبال
. اهل علم است

فی المثل تهاقت الفلاسفه غزالی بیشتر از هر اثر فلسفی ای امروز توسط ناشرین
چاپ میشود چون حاصل اندیشه یک عالم است و در مواردی هم که بخطا رفته هم طرح
. موضوعاتی کرده

حال یک کسی که فرضا طب بلد نیست بیاید دانشکده پزشکی و بگوید نظر من درباره
فلان بیماری این است خب میپرسند مقاله علمی و تحقیقاتتان کجاست . اگر علمی بود
استقبال و استفاده میشود اگر نبود هم استفاده میشود البته در کاغذ باطله
فروشی

می شه خواهشن کلی گویی نکنید و در این مورد خاص بگویید که کسی که در باب اصول
دین مثل نبوت و امثال اینها که پایه و اساس اعتقاد به دین اسلام را می سازه
تحقیق کرده و با علما هم مناظره کرده و به این نتیجه رسیده که باطل هستند
باید چه کند...صاف و ساده...خواهشن کلی گویی نکنید...دقیقا باید چه کند؟

=====

[پست 31]

نویسنده : پارسا مهر

تاریخ : 1396/02/31 00:54

ال یک کسی که فرضا طب بلد نیست بیاید یک مرکز تحقیقات پزشکی و بگوید نظر من
درباره فلان بیماری این است

گرامی در هر موضوعی وقتی با دلیل صحبت می کنیم و شخص دلایل را می شنود و با
عقل و اندیشه خود بررسی اش می کند نیاز نیست که متخصصیمان مهر خورده
باشد...مثلا بنده برود مرکز تحقیقات پزشکی و با دلیل و سند نشان بدهم که سیگار
برای سرطان بد است...دیگر پزشکان نمی گویند تو مدرک دکترایت را از کجا گرفته
ای...آنها دلیل را بررسی می کنند و می بینند که حرفم حق است و می
پذیرندش...آنها نمی گویند که نه ما کاری به دلایل تو نداریم، تو برو اول مدرکت
را بیاور...تا مهر مدرکت را نبینیم، دلایل را باور نمی کنیم!!!!!!حالا بحث
اصول دین هم همین است...بنده که نمی خوام بروم پیش دانشگاه پزشکی و بدون دلیل
صحبت کنم که انتظار داشته باشم که دانشجویان و اساتید بدون دلیل حرفم را باور
کنند، که انتظار باشد که مدرک نشان بدهم...یا من که نمی خوام بروم به دانش
آموز بگویم حرفم را بدون دلیل و مدرک باور کن.خدا نیست تو هم بگو خدا نیست
مثل میمون...بنده دلیل را به او می گویم دیگر چه فرقی می کند که بنده متخصص
...بودم مهر خورده باشد یا نخورده باشد

=====

[پست 32]

نویسنده : فاتح

تاریخ : 1396/02/31 01:06

می شه خواهشن کلی گویی نکنید و در این مورد خاص بگویید که کسی که در باب اصول
دین مثل نبوت و امثال اینها که پایه و اساس اعتقاد به دین اسلام را می سازه
تحقیق کرده و با علما هم مناظره کرده و به این نتیجه رسیده که باطل هستند
باید چه کند...صاف و ساده...خواهشن کلی گویی نکنید...دقیقا باید چه کند؟

, بنده کلی گوئی نکردم

همانطور که جناب نینجا هم ذکر کردند پذیرش اصول دین با تحقیق علمی و شایسته ای باید باشد و تقلیدی نیست , طبیعی است که رد کردن آن هم بدون تحقیقی کامل و دقیق نباید باشد و همچنین تقلیدی هم نباید باشد .
یعنی فی المثل کسی با این دلیل که چون آباء و اجداد یا همسرش کافرند این نتیجه را بگیرد که او هم بنا بر تعصب قومی یا تقلید و جبر از طرف دیگری باید کافر باشد . این دلیل و و برهانی عاقلانه و قابل پذیرش نیست

بعد اینکه اگر مغرضانه بدنبال رد یا تائید چیزی است این شخص تحقیق نکرده , صرفا وقت خودش و دیگران را تلف کرده . تنها با این شرط تحقیق صورت میگیرد که بدون پیش فرض برای نتیجه , شخص تحقیقی کامل داشته باشد

و نهایتا به هر نتیجه که رسید مختار است آن را انتخاب نماید . طبیعی است این نتیجه تحقیق اوست و نمیتواند دیگران را مجبور به پذیرش عقاید خود نماید

[پست 33]

(a.p) نویسنده : علی پارساپور

تاریخ : 09:20 1396/02/31

اگر منظور از " بروز دهد " این است که خواست مناظره و گفتگو کند خب این هم مشکلی ندارد قل هاتوا برهانکم ان کنتم صادقین . کاری که در هر زمانی از اول اسلام تا به الان و بعد آن اتفاق افتاده و می افتد . این سایت هم اتفاقا پر از این مسائل است .

ولی اگر منظورتان از " بروز بدهد " حالات فوق نیست و مقصود خصومت و عناد صرف است و ضربه زدن منظور نظر است خب بله حق دفاع از خود یک حق ثابت و مورد اتفاق هر صاحب عقلی است .

فرض کنید که بنده به دلایلی و برای آرامش بیشتر به مسیحیت گرویدم حال اگر آن را با انجام امور دینی ، همانند رفتن به کلیسا بروز دهم در بهترین حالت از طرف اطرافیان طرد خواهم شد و به دلیل وابستگی مالی و مشکل جسمی (مثلا کم بینایی) عملا وابسته ی آن ها و مجبور به کتمان می باشم و کتمان یعنی دو رویی
یعنی اگر اطرافیان از برخی عقاید صحبت و یا مرا به پنج تن می سپارند مجبور به سکوت و یا بیان التماس دعا هستم چرا با اجباری بودن پذیرش اسلام برای من مسلمان زاده ، عملا انتخاب از من گرفته شده
ببینید من مجبورم اگر این وابستگی ادامه داشته باشد تا آخر عمر به ظاهر هم که شده خود را مسلمان جلوه دهم

[پست 34]

نویسنده : فاتح

تاریخ : 12:10 1396/02/31

فرض کنید که بنده به دلایلی و برای آرامش بیشتر به مسیحیت گرویدم حال اگر آن را با انجام امور دینی ، همانند رفتن به کلیسا بروز دهم

در بهترین حالت از طرف اطرافیان طرد خواهم شد
و به دلیل وابستگی مالی و مشکل جسمی (مثلا کم بینایی) عملا وابسته ی آن ها و
مجبور به کتمان می باشم
و کتمان یعنی دو رویی
یعنی اگر اطرافیان از برخی عقاید صحبت و یا مرا به پنج تن می سپارند مجبور به
سکوت و یا بیان التماس دعا هستم
چرا با اجباری بودن پذیرش اسلام برای من مسلمان زاده ، عملا انتخاب از من گرفته
شده
ببینید من مجبورم اگر این وابستگی ادامه داشته باشد تا آخر عمر به ظاهر هم که
شده خود را مسلمان جلوه دهم

الان شما یک مشکل اجتماعی را دارید مطرح میکنید شاید هر کسی در هر کشوری از هر
دین یا مکتبی برگردد و مسلمان شود هم با چنین مشکلی روبروست . راه حل را باید
از دینتان بپرسید . ببینید بعنوان اولین چالش دینتان چه پاسخی به آن میدهد و
. تا چه حدی توانائی راهنمائی دنیوی شما را دارد که این یک انتظار حداقلی است

[پست 35]

نویسنده : سعدی شیرازی
تاریخ : 1396/02/31 14:11

این فرد اگر خالق انسان باشد و خیر و صلاح را از او بهتر بشناسد، این حق را
خواهد داشت.

سلام

نه منظورم خالق نیست. منظورم انسانی است که می خواد دیگران رو مجبور به پذیرش
عقاید خودش کنه. یعنی عقایدی که خودش فکر می کنه درسته
حقیقت یکی است اما ممکنه هر کسی در تشخیص حقیقت دچار اشتباه بشه. به خصوص اگر
نتونه یک دلیل بی عیب و نقص برای درستی اعتقاداتش ارائه کنه.

[پست 36]

نویسنده : علی پارساپور (a.p)
تاریخ : 1396/02/31 15:48

چرا باید فرد مسلمان زاده حتما مسلمان باشد

چرا انتخابی در کار نیست

اگر اسلام حقیقت است

نباید نگرانی ای نسبت به تغییر تفکر پیروانش داشته باشد

چون آنقدر معجزه ی این دین باید قوی باشد که هیچ ایرادی در آن نباید راه

یابد

سوال اینجاست

در کجای دنیا اگر با تفکر سابقت به مخالفت برآیی و بگویی غلط کردم

تو را به مجازات هایی چون حبس ابد و یا قتل محکوم می نمایند

در ضمن چطور می شود، احکام دینی، را مردم می فهمند، ولی از درک باطل یا صحیح

بودن دلایل افراد برای انتخاب مسیر دیگر عاجزند

چطور می شود حق انتخاب داشت، ولی نتیجه ی عوض کردن راه عقاب باشد

چون عملا فرد مسلمان زاده حق ندارد تغییر مسیرش را برملا سازد

و اگر بروز دهد عقاب می شود

و باید رفتاری منافقانه را در پیش بگیرد

آیا من نوعی می توانم بروم بالفرض کلیسا

بروم دیگران خواهند گفت چرا تغییر دین دادی

تازه اگر اجازه ی صحبتی را بدهند
تمام حرف من در چرایی جبر، بر فرزند مسلمانان و دیگری، باعث شدن دورویی و فساد
در جامعه است
آیا اکثریت ایرانیان از دین اسلامی که به واسطه ی اسلام داشتن والدینشان بر
آن ها تحمیل شده خشنودند
آیا این جبر منافی آزادی افراد نیست
چون اگر عقیده ی دیگری برگزیده شود، چون یکی از والدینت مسلمان بوده مرتد فطری
و بی پذیرش توبه عقاب در انتظارشان است
چطور می شود
در اطرافتان را بنگرید
رفتار دوگانه در محافل رسمی و شخصی تر عاملش همین جبر مکتبی و عقاب ناشی از
آن است
همین سخت گیری هاست

[پست 37]
(a.p) نویسنده : علی پارساپور
تاریخ : 16:21 1396/02/31

پس نتیجه ی تمام مباحث این چنینی در این انجمن این است
اسلام حق است
اگر ایراد و نقصی پیدا شد
از کج فهمی ماست، یا رازش بر ما پوشیده است
در هر حال حقیقتی جز اسلام نیست
پس اگر ۱۰۰۰ سال دیگر که ممکن است کسی این مطلب را بخواند
اگر در آن زمان با علم آن روز هنوز قرآن را معجزه می دانستند و پیرو آن دین
بودند به آن ها خواهم گفت
مرا لعن و نفرین کنید
برایم آتش فراوان بطلبید
و این بحث و رفتار مردم در جامعه به من یاد می دهد
بگویم
برادران و خواهرانی که عضو این سایت فرهنگی و مذهبی هستید التماس دعای فراوان
دارم
و اینکه برادران و خواهران عزیز حجابتان را در میان افراد غیر خودی رعایت و
مواظب گفتارتان باشید
تا می توانید خود را موجه جلوه دهید
دروغ تا زمان لو نرفتنش فرقی با راست ندارد
برای پذیرفته شدن در بین افراد جامعه (به خصوص در بین افراد مذهبی خود را
(موجه جلوه دهید
فقط باز هم وجدانم می گوید
چرا مانند ابلهان با فکری که غلط می پنداری، مبارزه نمی کنی، بدون ترس از عقاب
ولی عqlم می گوید به تدریج مسیر را هموار می سازیم
و به جای عقاب، مرغ و کباب خواهی خورد
دوستان ان شا الله موفق باشید
در پناه خدا

و

[پست 38]
نویسنده : فاتح

تاریخ : 17:21 1396/02/31

فقط باز هم وجدانم می گوید
چرا مانند ابلهان با فکری که غلط می پنداری، مبارزه نمی کنی، بدون ترس از عقاب
ولی عقلم می گوید به تدریج مسیر را هموار می سازیم

. ما که متوجه نشدیم شما میخواستید شعار بدهید یا بحث علمی کنید

در هر صورت اگر مکتب تان راه حلی در مورد مشکل خانوادگی و اجتماعی ای که مطرح
کردید پیشنهاد داده حتما اینجا نقل کنید .

[پست 39]

(a.p) نویسنده : علی پارساپور

تاریخ : 18:08 1396/02/31

. ما که متوجه نشدیم شما میخواستید شعار بدهید یا بحث علمی کنید

در هر صورت اگر مکتب تان راه حلی در مورد مشکل خانوادگی و اجتماعی ای که مطرح
کردید پیشنهاد داده حتما اینجا نقل کنید .

برادر یا خواهر ارجمندم

مسیحیت یک مثال بود

اگر نه بنده به عنوان یک مسلمانی که والدین و آبا و اجدادی مسلمان داشته به
این دین احترام می گذارم و اشهد همیشه بر زبانم جاریست

بنده سعی می کنم دیگر در مباحث دینی وارد نشده و آن را به اهل فن بسپارم
و با تلاش برای معرفی فناوری ها و کتب نویسندگان مشهور و نشر مطالب اجتماعی
سعی در اعتلای فرهنگ ایران زمین بنمایم

حرف آخر

ژمانی اگر فردی با مانتو به خیابان می آمد چگونه نگاهش می کردند

زمانی فقط اخبار و اطلاعات کمی به دست افراد می رسید

به لطف اینترنت و سایر ابزار ها و راه های ارتباطی آگاهی ها بالا رفته

با حرکت تدریجی مسایلی چون جبر مکتبی و ریشه های آن حل و خاتمه می یابند

[پست 40]

نویسنده : فاتح

تاریخ : 18:50 1396/02/31

برادر یا خواهر ارجمندم

مسیحیت یک مثال بود

اگر نه بنده به عنوان یک مسلمانی که والدین و آبا و اجدادی مسلمان داشته به
این دین احترام می گذارم و اشهد همیشه بر زبانم جاریست

بنده سعی می کنم دیگر در مباحث دینی وارد نشده و آن را به اهل فن بسپارم
و با تلاش برای معرفی فناوری ها و کتب نویسندگان مشهور و نشر مطالب اجتماعی
سعی در اعتلای فرهنگ ایران زمین بنمایم

بنده اصلا با دین شما کاری ندارم . شما بعنوان یک منتقد و مدعی جبر اسلام هستید
پاسخ سوال را آنطور که منطقی میدانید بدهید و نقد و راه حل علمی و منطقی تان
. را از همین مساله شروع نمائید

در برابر اعتقاداتی که با شما مخالف است چه فلج چه سالم شما چه عکس العملی را نشان می‌دهید و آن را منطقی میدانید؟

[پست 41]

نویسنده : پارسا مهر
تاریخ : 19:45 1396/02/31

و نهایتاً به هر نتیجه که رسید مختار است آن را انتخاب نماید . طبیعی است این نتیجه تحقیق اوست و نمیتواند دیگران را مجبور به پذیرش عقاید خود نماید با سلام... چرا مجبور؟؟ او فقط همانطور که آخوندها در بوق و کرنا می‌کنند دینشان را، می‌خواهد ذره ای از دانش و آموخته هایش را با اجتماع در میان بگذارد... و مردم مختارند انتخاب کنند کسی را مجبور نمی‌کند... به هر حال هر شخصی خودش را نسبت به دیگران و اجتماع مسئول می‌داند و وظیفه ی خود می‌داند که اجتماع را آگاه کند... شما چرا همچین وظیفه ی مهم و انسانی ای را می‌خواهید از شخص مرتد دریغ کنید... بنده به فرض اگر الان به آزادی اندیشه و تا حدی حقیقت نزدیک شده ام... به خاطر حس انسان دوستی آقای نیکویی بود که در عموم مردم دست به انتقاد زد... پس وظیفه ی هرکسی است که دیگران را آگاه کند و اجتماع را تکامل بخشد... مخصوصاً که شاید مرتد وارد به دینی شد که اصلاً حکم دینش این باشد که دیگران را آگاه سازد... حالا شما چرا با این وظیفه و انسان دوستی شخص مرتد مشکل دارید و انتظار دارید شخص مرتد سکوت کند و ببینید که اطرافیانش در جهل شناورند؟

[پست 42]

نویسنده : فاتح
تاریخ : 21:30 1396/02/31

با سلام... چرا مجبور؟؟ او فقط همانطور که آخوندها در بوق و کرنا می‌کنند دینشان را، می‌خواهد ذره ای از دانش و آموخته هایش را با اجتماع در میان بگذارد... و مردم مختارند انتخاب کنند کسی را مجبور نمی‌کند... به هر حال هر شخصی خودش را نسبت به دیگران و اجتماع مسئول می‌داند و وظیفه ی خود می‌داند که اجتماع را آگاه کند... شما چرا همچین وظیفه ی مهم و انسانی ای را می‌خواهید از شخص مرتد دریغ کنید... بنده به فرض اگر الان به آزادی اندیشه و تا حدی حقیقت نزدیک شده ام... به خاطر حس انسان دوستی آقای نیکویی بود که در عموم مردم دست به انتقاد زد... پس وظیفه ی هرکسی است که دیگران را آگاه کند و اجتماع را تکامل بخشد... مخصوصاً که شاید مرتد وارد به دینی شد که اصلاً حکم دینش این باشد که دیگران را آگاه سازد... حالا شما چرا با این وظیفه و انسان دوستی شخص مرتد مشکل دارید و انتظار دارید شخص مرتد سکوت کند و ببینید که اطرافیانش در جهل شناورند؟

سلام علیکم

اولاً مرتدین سالهاست در جوامع مختلف با تمام تجهیزات و ادوات دارند جار میزنند و به دیوار میخورند . مشکل این است که تا عقلی که نشود فریبش بدهند یا با زور و تهدید نتوانند بر آن مسلط شوند ، باشد زجر میکشند . در حقیقت آنها با چنین چیزی مشکل دارند

و اما بعد اینکه

مطالب شما پیش فرض هائی در مقدمات دارد که تعریف و تفصیل می‌خواهد و یا نیاز :

به اثبات دارد . پیش فرض هائی مانند
حس انسان دوستی ؛ 1-

منظور از انسان دوستی چیست ؟ یک کسی در امریکا با سم آدم میکشت میگفت من به اینها (از سر انسان دوستی) لطف کرده ام اینها فقیر بودند در زندگی زجر میکشیدند .

من به حقیقت رسیده ام مسئولم آگاه کنم تا به اجتماع تکامل ببخشم ؛ -2
خب یک کتاب بنویسید یک نسخه اش را هم برای ما بفرستید . در آن توضیح دهید تعریف و منظورتان از حقیقت و آگاهی و تکامل اجتماع چیست و چگونه میخواهد باشد . به کسی میگفت من به حقیقت رسیده ام در یک روز 250 نفر از فریب خورده . هایش را اعم از زن و کودک و پیر و جوان را به زور ، سم خوراند و کشت . اطرافیانش در جهل شناورند ؛ ظاهرا شما در این سرزمین تنهائید -3

[پست 43]

نویسنده : پارسا مهر
تاریخ : 22:01 1396/02/31

حس انسان دوستی ؛ -1

منظور از انسان دوستی چیست ؟ یک کسی در امریکا با سم آدم میکشت میگفت من به اینها (از سر انسان دوستی) لطف کرده ام اینها فقیر بودند در زندگی زجر میکشیدند .
بله حس انسان دوستی... انسان فطرتا و وجدانا مشتاق است که جاهل نباشد... بداند و یاد بگیرد و از حقایق امور آگاه شود و دوست دارد دیگران نیز بدانند و آگاه باشند و مثل گوسفندی نباشند که آخوندها چوپان آنها هستند، به این می گویند حس انسان دوستی... وجدان و فطرتشان این را می گوید... شما نمی توانید با این روحیه حق دوستی و انسان دوستی مردان کنار بیایید؟؟؟

در آن توضیح دهید تعریف و منظورتان از حقیقت و آگاهی و تکامل اجتماع چیست و چگونه میخواهد باش
تعریف حقیقت و تکامل واضح است... حقیقت یعنی چیزی که در عالم و دنیا حاکم و جاری و ساری است... نه آن تفکرات و تلقینات باطل و توهمی و خیالی و دل خوش کنی... مرتد بر این عقیده است که حقیقت اسلام نیست... حقیقت نیست که خدا پیامبری فرستاده... حقیقت این نیست که قرآن کلام خداست... چرا مرتد نباید این حقایق را با دیگران به اشتراک نگذارد؟؟؟؟ از نظر او اینها حقیقتن... معنی تکامل هم هرچه باشد، چیزی است که با حقیقت گره خورده و نمیتوان حقیقت را نادیده گرفت و در... نظر نگرفت و به بعد ادعا کرد به تکامل می خواهیم برسید

به هر حال... اصلا گیرم که حس انسان دوستی و این جور مسائل کشکه... بحث عشقه... اصلا مرتد حال می کنه و عشق می کنه که دیگران رو آگاه کنه... شما مشکلته چیه؟؟ بده که دیگران آگاه بشن؟؟؟؟ شما از آگاه شدن دیگران بدت می آد؟؟؟؟ نکنه هدف اینه که مردم افسار به گردنشون باشه و از حقیقت به دور؟؟؟؟ باشند؟؟؟؟

[پست 44]

نویسنده : فاتح
تاریخ : 02:38 1396/03/01

بحث عشقه... اصلا مرتد حال می کنه و عشق می کنه که دیگران رو آگاه کنه

نوشتید بحث عشقه . کسی که نمیداند از چه آگاهی ای و چه حقیقتی که به آن آگاهی پیدا کرده و چه جهالتی که از آن برائت کرده دارد صحبت میکند و نمیتواند دو جمله بنویسد عشقش چه معنی ای میتواند داشته باشد ؟

. شما به کسی نمیتوانید کمک کنید چون خودتان مشکل شناختی و معرفتی دارید

. ضمنا ادب را رعایت کنید

با این نادانی و جهالت طبیعی است که از اقامه دلیل و برهان برای دفاع از شبه عقیده ای که دارید بی بهره آید و بی دلیل دارید ستیز میکنید . طبیعی است که در چنین شرایطی با جهالتتان مقابله شود و این جبر نیست

[پست 45]

نویسنده : favel

تاریخ : 06:59 1396/03/01

بله حس انسان دوستی... انسان فطرتا و وجدانا مشتاق است که جاهل نباشد... بداند و یاد بگیرد و از حقایق امور آگاه شود و دوست دارد دیگران نیز بدانند و آگاه باشند و مثل گوسفندی نباشند که آخوندها بر گردنشان افسار زده اند، به این می گویند حس انسان دوستی... وجدان و فطرتشان این را می گوید... شما نمی توانید با این روحیه حق دوستی و انسان دوستی مردان کنار بیایید؟؟؟

تعریف حقیقت و تکامل واضح است... حقیقت یعنی چیزی که در عالم و دنیا حاکم و جاری و ساری است. نه آن تفکرات و تلقینات باطل و توهمی و خیالی و دل خوش کنی.. مرتد بر این عقیده است که حقیقت اسلام نیست... حقیقت نیست که خدا پیامبری فرستاده... حقیقت این نیست که قرآن کلام خداست. چرا مرتد نباید این حقایق را با دیگران به اشتراک نگذارد؟؟؟؟ از نظر او اینها حقیقتن... معنی تکامل هم هرچه باشد، چیزی است که با حقیقت گره خورده و نمیتوان حقیقت را نادیده گرفت و در... نظر نگرفت و به بعد ادعا کرد به تکامل می خواهیم برسید

به هر حال... اصلا گیرم که حس انسان دوستی و این جور مسائل کشکه... بحث عشقه... اصلا مرتد حال می کنه و عشق می کنه که دیگران رو آگاه کنه... شما مشکل ت چیه؟؟ بده که دیگران آگاه بشن؟؟؟؟ شما از آگاه شدن دیگران بدت می آد؟؟؟؟ نکنه هدفت اینه که مردم افسار به گردنشون باشه و از حقیقت به دور باشن؟؟؟؟

: بیایم با مقدمه ای یک سوال اساسی رو مطرح کرده و به اون جواب بدیم

آخوند ها که دیگران رو به دین دعوت میکنن و به تعبیر شما بر گردنشان افسار

، میزنند!! این کار را بر اساس وظیفه دینی خود انجام میدهند

، در این راه مشقت بار هم به عقیده شان پاداش اخروی خود را می گیرند

، هدف مرتد از آگاه بخشی(!) چیست؟

، مرتدی که دین دیگری گراییده ، اسلام رو هم به عنوان یک دین قبول خواهد داشت

و تنها شاید بخواد به خاطر وظیفه ای که دین جدید به اون محول کرده فرد دیگری

، را که تمایلاتی مانند او دارد به دین جدید دعوت کند

این فرد به عقاید ادیان دیگر احترام میگذارد ، همانطور که او به چیزی عقیده

دارد میداند که دیگران هم عقایدی دارند (البته هر انسانی به طور طبیعی

(اینگونه است)

این دعوت را هم بدون اظهار ارتداد انجام خواهد داد ، مگر اینکه صرفا بخواد

، سرکشی کرده و به عقاید افراد توهین کند

مثل صدر اسلام که یهودیان تنها به منزله ی تمسخر مسلمانان این کار(اظهار

ارتداد) را انجام میدادند ، که حکم اسلام مسخره کنندگانی اینگونه را از مسخره

، کردن بازخواهد داشت

، اما مرتدی که از دین خارج شده است چه دلیلی برای آگاه کردن بقیه دارد؟

این چیزی که اسمش رو میگذارید آگاه بخشی تحت تاثیر انسان دوستی صرفا تلاشی

، برای همفکر کردن بقیه با خودش نیست؟، تلاشی برای توجیه ارتداد خودش؟

و اگر این ها از نظر مرتد انسان دوستی است ، آیا به این توجهی ندارد که با آگاه کردن عده ای ، تنها ناراحتی ، نفرت و دشمنی است که در افراد دیگر ایجاد میشود ؟

کینه و دشمنی دیگران حتما ضرری به او خواهد رساند ، این ضرر میتواند فشاری ، روحی و مشغله ای فکری باشد و یا حتی مرگ اصلا چرا باید خودش را در این راه به مشقت اندازد در حالی که وظیفه ای در قبال آگاهی بخشی از سمت عقایدش به او محول نشده ؟

تا الان دو عامل داریم 1-عدم وجود دلیلی برای آگاه بخشی به جز نوعی شهوت شخصی ضرری که همیشه خواهد بود ، که حتی میتواند 2-

مرگ باشد

تا الان که دلیلی برای اظهار ارتداد وجود ندارد مگر همان شهوت شخصی که به نوعی ، این است که صرفا بخواهد به عقاید دیگران ضربه بزند عقاید دیگران ضرری به او میرساند ؟ ، اگر روزه بگیرند ، نماز میخوانند ، جان و اموالشان را در راه عقاید خود میدهند ، به مرتد ضرری میرساند ؟

آیا این صرفا بیش از یک خواسته ی شخصی است ؟

.

.

.

علاوه براین که مرتد وظیفه ای ندارد ، آیا مواجه شدن با سختی و مجازاتی مثل اعدام او را از این آگاهی بخشی باز نخواهد داشت ؟

بحث عشقه...اصلا مرتد حال می کنه و عشق می کنه که دیگران رو آگاه کنه...شما مشکلات چیه؟؟

، تنها چیزی که تو این جمله دیده میشود یک نوع شهوت است ، که نه عقلانی است و نه منطقی ، فردی سرکش که تنها میخواهد شهوت خود را ارضا کند حتما به افراد و اجتماع زیان ، وارد میکند و این حکم عقل است که باید جلوی این شهوت سرکش گرفته شده و این شهوت کنترل شود ، پس این فرد در هر جامعه ای باید کنترل شود و ولی آن جامعه باید افراد و جامعه را از خطر حفظ کند ،

فَاعْتَدِمُوا أَنْ الدَّهَ مَوْوَلَاكُمْ نِعْمَ المَوْوَلَى وَنِعْمَ الذَّصِيرُ

[پست 46]

نویسنده : پارسا مهر

تاریخ : 12:30 1396/03/01

نوشتید بحث عشقه . کسی که نمیداند از چه آگاهی ای و چه حقیقتی که به آن آگاهی پیدا کرده و چه جهالتی که از آن برائت کرده دارد صحبت میکند و نمیتواند دو جمله بنویسد عشقش چه معنی ای میتواند داشته باشد ؟

. شما به کسی نمیتوانید کمک کنید چون خودتان مشکل شناختی و معرفتی دارید

. ضمنا ادب را رعایت کنید

با این نادانی و جهالت طبیعی است که از اقامه دلیل و برهان برای دفاع از شبهه عقیده ای که دارید بی بهره آید و بی دلیل دارید ستیز میکنید . طبیعی است که در چنین شرایطی با جهالتتان مقابله شود و این جبر نیست

ببخشید ها... شاعر می گوید، چون قافیه به تنگ آید، شاعر به جفنگ آید... فکر نمی کردم که انقدر خام باشید و در برابر حرف های صاف و ساده بنده به گفتن این... مسائل بی معنی و نامربوط بسنده کنید... دیگر بنده حرفی ندارم

[پست 47]

نویسنده : عامل

تاریخ : 12:32 1396/03/01

سلام

اولا چرا به فرزند یک مسلمان (هنگام انعقاد نطفه یکی از والدین مسلمان باشد) اجازه ی انتخاب تفکری به غیر از اسلام داده نشده اگر بحث های قبل را مطالعه فرموده باشید، اجازه تفکر و انتخاب عقیده برای همه عقلا و شرعا ثابت است. بحث ارتداد بر سر اعلام برگشت از دین است نه انتخاب عقیده یا آزادی تفکر و یا حتی نقد مسائل دینی.

دوما اگر اسلام حق است

پس نباید از انتشار عقاید خلاف خود بترسد و مجازات های سنگینی برای بیان کننده های آن قرار دهد

اسلام حراسی از تقابل افکار و اعتقادات خود ندارد. به همین دلیل دانشمندان مسلمان با استفاده از متون دینی و عقل، به نقدهای درون دینی و برون دینی پاسخ می دهند.

توجه داشته باشید که نقد و انتقاد با ارتداد تفاوت دارد.

در ضمن اگر شخصی بخواهد در این مملکت رشد کند باید متدین باشد و حال اگر با تحقیق به تفکر دیگری برسد، پس مجبور به کتمان تفکرش، و ظاهر سازيست با توجه به رشد غیر مسلمانان و اقلیت ها و البته کسانی که اعتقاد چندانی به دین ندارند، به نظر نمی رسد تدین ربطی به رشد اقتصادی، علمی یا حتی سیاسی داشته باشد. مگر در پست هایی مانند ریاست جمهوری که در قانون لحاظ شده است. بیان امرهم طبیعی به نظر می رسد، چرا که حاکم بر یک ملت قاعداً باید از اکثریت باشد و آن اکثریت حاکمیت اقلیت ناچیز را نمی پذیرند و این امری طبیعی و معقول است.

[پست 48]

نویسنده : پارسا مهر

تاریخ : 12:33 1396/03/01

...یا سلام

:ابتدا پاسخم در بند دوم پیام شما

، تنها چیزی که تو این جمله دیده میشود یک نوع شهوت است

، که نه عقلانی است و نه منطقی

گرامی چرا؟؟؟ یکی اگر بگوید که بنده عشق می کنم روی حساب کتاب به دیگران خیر برسانم و کمک کنم... شما می گوید که این عشق یک نوع شهوت است و نه عقلانی است و نه منطقی و باید سرکوب شود؟؟؟

فردی سرکش که تنها میخواهد شهوت خود را ارضا کند حتماً به افراد و اجتماع زیان وارد میکند ،

یعنی کسی عشق کند و بخواهد هرچه در توان دارد روی حساب و منطق یعنی با حساب و کتابی به دیگران خیر برساند شما می گویند که باید جلوی این شهوت سرکش گرفته شود و این شهوت کنترل شود و سرکوب شود؟؟؟

[پست 49]

نویسنده : پارسا مهر

تاریخ : 1396/03/01 12:48

، هدف مرتد از آگاه بخشی(!) چیست ؟
عرض شد که انسان فطرتا عشق و میل به این دارد که بداند و دیگران را آگاه کند...در فطرت اوست که آگاه کند و بداند...انسان برای مقابله با وقایعی که در آینده پیش رویش قرار خواهد گرفت باید بداند و آگاه باشد...فرد مرتد می خواهد این آگاهی را به دیگران هدیه کند...این بد است؟؟؟

آیا به این توجهی ندارد که با آگاه کردن عده ای ، تنها ناراحتی ، نفرت و دشمنی ست که در افراد دیگر ایجاد میشود ؟
بنده گیج شدم...چه نفرتی..انسا ها می توانند با سلایف و اعتقادات گوناگون با عشق و محبت در کنار هم زندگی کنند...این مسلمانان هستند که نسبت به کفار و مشرکان حس نفرت دارند

اصلا چرا باید خودش را در این راه به مشقت اندازد در حالی که وظیفه ای در قبال آگاهی بخشی از سمت عقایدش به او محول نشده ؟
گرامی هر انسانی خود را در قبال جامعه مسئول می بیند...اینها اموری فطری و اخلاقی هستند..شما می فرمایید که مثلا اگر بنده ببینم که کسی دارد وارد دهان شیر می شود سکوت کنم و بگویم به من چه؟؟به من که وظیفه ای در قبال نجات دیگران محول نشده؟؟؟؟انسان دوستی و احساس مسئولیت داشتن نسبت به افراد جامعه ..در خوی و سرشت ماست...من تعجب می کنم از طرفی شما چه ساده می اندیشید...شخص مرتد می تواند همچنان به خدا اعتقاد داشته باشد و از دلایل عقلی به این نتیجه برسد که باید به دیگران در رسیدن به حقیقت کمک کند...و آگاهی بخشی به همنوع را یک وظیفه ای ببیند که خدا بر دوش او گذاشته

[پست 50]

نویسنده : عامل

تاریخ : 1396/03/01 12:49

سلام

در حالی که در واقع این طور نیست...خوب حالا از نظر شما بچه در اتاقتش شب ها زندانی نیست؟
شما پاسخ خود را دادید! در واقع حصار نیست و این توهم متفکر است که حصار اوست...
اینطور نیست که تبلیغات تاثیر نداشته باشد. قبلا هم گفتم محیط مسلما موثر است و این تاثیر هم بسته به شرایط فرق می کند ولی با تمام این تفاسیر اندیشه آزاد است .
در یک کشور که غالب مردم مسلمان اند شما چه انتظاری دارید؟ از تلویزیون و اخبار نقد اسلام مکرر پخش شود؟! مگر در کشورهای مسیحی و ... اینطور است؟ کدام عقل سالمی این مطلب را تجویز می کند؟
...کمی واقع بین باشید

بعد شما یک سری پاسخ ها داده اید که نمی دانم در همه جوامع اینطوری هست که نمی دانم همه جا آزادی محدود است... نمی دانم در غرب فلان است در مسیحیت آنطوری است... خواهش این دست پاسخ ها را کنار بگذارید... به ما چه در همه جوامع آزادی بیان محدود است... مگر جوامع دیگر و غرب وکیل و وسی ما هستند... آنها هم مثل ما خوب....

اینکه از دیگر کشورها با ادیان و حکومت های مختلف مثال زده می شود به معنای صحت تمام کارهای آنها نیست، اما معقول بودن محدودیت بیان را از نظر عقلای عالم ثابت می کند. عقل انسان می گوید آزادی بیان اگر یله و رها باشد و این آزادی مطلق در نظر گرفته شود، سر از هرج و مرج و از هم پاشیدگی نظام فعلی خواهد شد و این حکم عقل با عمل دیگران مثبت صحت این عملکرد از طرف عقلا هم هست. (بین حکم عقل و عقلا (یک تفاوت ظریفی وجود دارد

...چرا پیامبر بر این دست مردم دین اسلام را تبلیغ می کند شما باید پاسخ بدهید... این سوال خود به تنهایی یک تاپیک جدید است

=====

[پست 51]

نویسنده : پارسا مهر
تاریخ : 1396/03/01 13:00

سلام.

!از تلویزیون و اخبار نقد اسلام مکرر پخش شود؟
بله... چرا که نه؟؟؟ قشر عظیمی از نوجوانان آن کشور در سن بلوغند و در سنی هستند که باید دست به انتخاب بزنند، پس باید از تلویزیون و اخبار نقد اسلام را بشنوند تا آزادانه دست به انتخاب بزنند... شما این دست مسائل بدیهی را با تردید و استفهام انکاری پاسخ می دهید؟؟؟ حالا ما نمی گوییم که مکرر از تلویزیون نقد اسلام پخش شود... ارفاق می دهیم... می گوییم بگذارید که یک شخص مرتد خودش... را معرفی کند... مطالبش را چاپ کنند... با سرمایه خودش... او را مجازات نکنید

کدام عقل سالمی این مطلب را تجویز می کند؟

استاد با توضیحی که دادم هر عقل سلیمی این را تجویز می کند

مگر در کشورهای مسیحی و ... اینطور است؟
ما چه کار دارید به کشورها مسیحی...؟؟؟

...این توهم متفکر است که حصار اوست

خوب این توهم را چه کسی مسئول است؟؟؟ می خواهید بگویید که در مثالی که زدم مادر بچه و در این نظام آخوند هیچگونه مسئولیتی در قبال آن حصار ندارند و اصلا در بوجود آمدن آن حصار نقشی نداشته اند؟؟؟ اگر داشته اند پس می شود گفت آنها در به بند کشیدن آزادی اندیشه نقش دارند

=====

[پست 52]

نویسنده : پارسا مهر

تاریخ : 1396/03/01 13:15

... این سوال خود به تنهایی یک تاپیک جدید است استاد گرامی بنده به این نتیجه رسیده ام... که اصولا مذهبیهون زیر بار منطق نمی روند در مواردی البته... و مدام حرف خود را خواهند زد و بر آن پافشاری خواهند کرد... هرچقدر هم دلیل و منطق بیارید... قبول نخواهند کرد... بنده این همه گفتم بابا این رفتار آخوندها زندانی کردن اندیشه هاست و با آیه لا اکره فی دین تناقض دارد... ولی شما حتی قبول کردید که رفتار آخوندها و نقض آزادی بیان بر آزادی اندیشه تاثیر دارد ولی نمی خواهید بپذیرید که آخوندها آزادی اندیشه را حصار کشی کرده اند و محدود و زندانی کرده اند... در این شرایط و اوضاع و احوال چه می توان کرد... چطور می توان بحث را به نتیجه رساند... خیلی ساده نشان داد که دو باور و عقیده ی طرف مقابل با هم در تضاد اند... اینجا هم همینگونه است... شما از یک طرف می گوید که آزادی بیان باید محدود شود، چون مردم استدلال را از غیر استدلال تشخیص نمی دهند و مردم نسبتا جاهل اند و اینها... و می گوید باید آزادی بیان محدود شود و کسی حق ندارد بگوید من مرتدم به این دلیل و به آن دلیل... از آن طرف می گوید که پیامبر بر این مردم جاهل که اسمشان هم اصلا معروف است، عرب جاهلیت، دین اسلام را تبلیغ کرد!!!!!! خوب این دو باور و عقیده شما در تضاد با یک دیگر است و بهترین شیوه برای به نتیجه رسیدن این است که این تضاد در باور را به شما گوشزد کنیم... ولی شما می فرمایید که این نکته نیاز به تاپیکی دیگر دارد؟؟؟؟ ولی کاملا مرتبط است به این تاپیک... به هر حال اگر فکر می کنید که نامرتبط است... بنده یک تاپیک جدید در ... این باره ایجاد می کنم

=====

[پست 53]

نویسنده : عامل

تاریخ : 1396/03/01 13:36

سلام

نه منظورم خالق نیست. منظورم انسانی است که می خواد دیگران رو مجبور به پذیرش عقاید خودش کنه. یعنی عقایدی که خودش فکر می کنه درسته بحث ارتداد از روایات و آیات برداشت شده و یک حکم شخصی نیست. و از آنجایی که پیامبر از روی هوا و هوس حرف نمی زند پس منتسب به همان خالقی است که طالب سعادت انسان است. به این منظور می توانید به روایات باب ارتداد کافی مراجعه کنید

حقیقت یکی است اما ممکنه هر کسی در تشخیص حقیقت دچار اشتباه بشه. به خصوص اگر نتونه یک دلیل بی عیب و نقص برای درستی اعتقاداتش ارائه کنه درسته احتمال اشتباه هست و برای مصون ماندن از اشتباه هم راههایی مطرح شده است. با استفاده از قواعد منطقی استدلال، باید جلوی اشتباه را تا حد ممکن گرفت

=====

[پست 54]

نویسنده : عامل

تاریخ : 1396/03/01 13:49

سلام مجدد

بله... چرا که نه؟؟؟ قشر عظیمی از نوجوانان آن کشور در سن بلوغند و در سنی هستند که باید دست به انتخاب بزنند، پس باید از تلویزیون و اخبار نقد اسلام را بشنوند تا آزادانه دست به انتخاب بزنند.

پارسای عزیز

اولا گفته شد که نقد یک سیستم توسط خود اون سیستم غیر عقلانی و غیر عقلایی است. لطفا با یک «چرا که نه؟؟؟» بحث را جمع نکنید! اگر نقدی بر عقلانی یا عقلایی بودن دارید بفرمایید.

ثانیا آزادی تحقیق در دین به معنای نقد همان دین توسط خودش نیست! به عبارتی دین شخص را ازاد گذاشته تا راه حق را از باطل تشخیص دهد ولی این به معنای خود زنی همان دین نیست. شخص محقق راههای زیادی برای رسیدن به حقیقت دارد که با گسترش فضای مجازی منابع موافق و مخالف به راحتی در دسترس است. ثالثا ارتداد با نقد دین و آزادی منابع مخالف دین فرق دارد، لطفا خلط نفرمایید.

...حالا ما نمی گوئیم که مکرر از تلویزیون نقد اسلام پخش شود... ارفاق می دهیم !!! لطف می کنید که ارفاق می فرمایید

ما چه کار دارید به کشور ها مسیحی ...؟؟؟
این در راستای دلیل عقلایی مطرح شد

خوب این توهم را چه کسی مسئول است؟
انسان در یک محیط ایزوله متولد نمی شود، بالاخره شما در هر محیطی متولد شوید، محیط تأثیراتی بر شما خواهد داشت. به عبارتی این تأثیر جبری و غیر ارادی است اما اراده شما بر تحقیق در مقابل این اراده قرار می گیرد و البته اراده بر تحقیق بر این جبر محیط همیشه غالب بوده است.

[پست 55]
(a.p) نویسنده : علی پارساپور
تاریخ : 16:16 1396/03/01

من حرفم این است
چرا فرزند یک مسلمان حتما باید مسلمان باشد
می گوئید حق انتخاب و تحقیق وجود دارد
حال انتخاب شد
آیا می تواند مناسک فکر جدیدش را در جلوی دید عموم به اجرا بگذارد
نه، چون می گوئید سبب تضعیف فکر حاضر است
ما می گوئیم اشکالش در چیست
مردم می بینند و انتخاب می کنند
همان طور که برنامه های حزب یک کاندید را دیده و به او رای می دهند
لازمه ی انتخاب، توانایی برگشت از مسیر و برگزیدن مسیر دیگر است
نه فقط در سن بلوغ شرعی
که گفته شود انتخاب کردی
پس دیگر حق برگشت از مسیرت را نداری
اگر هم برگشتی ساکت سر جای بنشین
ولی کسی که از مسیر قبلی اش منصرف شده حتما دلیلی داشته است و باید بتواند
دلیلش را نشر دهد
می گوئید در محافلی چون اسک دین مطرح و پاسخ بگیرد
حال کسی با خواندن این تاپیک، تحقیقات جامعی انجام دهد
و صد دلیل هم فرضا برای نقد اسلام بیاورد

آیا واقعا جوابی قانع کننده خواهد شنید
صد البته که خیر
حالا او باز هم باید تغییر مسیرش را علنی نکند
چون عقاب در انتظار اوست

[پست 56]
(a.p) نویسنده : علی پارساپور
تاریخ : 16:33 1396/03/01

با مثالی توضیح بدهم
فرضا شما می گوید که شما حق انتخاب بین تمام سیستم عامل ها را دارید مثلا
ویندوز، و لینوکس توزیع اوبونتو
حال می آید منابع مختلف، به جز ویندوز را می بندید
فرد هم ویندوز را بر می گزیند
بعد مدتی با کمک ابزار های گذر از تحریم به منابع مختلف دسترسی و از
سیستم عامل آندروید بهره می برد
حال شما می گوید مواظب باش
اگر از محاسن آندروید بگویی عقاب می شوی
و چون هنگام برقراری رابطه ی جنسی بین والدینت و حاملگی مادرت یکی از آن ها
از ویددوز استفاده می کرده پس عقاب بسیار شدیدی پس از بیان مزایای آندروید
برای دیگران در انتظار توست

[پست 57]
نویسنده : فاتح
تاریخ : 17:37 1396/03/01

فکر نمی کردم که انقدر خام باشید و در برابر حرف های صاف و ساده بنده به گفتن
... این مسائل بی معنی و نامربوط بسنده کنید....دیگر بنده حرفی ندارم

بله عامیانه نوشته اید چون نمیتوانید گفتمانی علمی و منطقی را ارائه بدهید .
مفاهیمی را شعار گونه تکرار میکنید که اگر کسی توضیح بخواهد به بن بست
میرسید لذا اهانت می کنید . آنوقت شما میخواهید دیگری را هدایت کنید ؟ کوری
!! عصا کش کور دگر است

اهانت و خودبزرگ پنداری ، از نشانه های جهالت است اگر میخواهید چیزی یاد
. بگیرید ادب و افتادگی (مقابل خودبزرگ پنداری) واجب است

[پست 58]
نویسنده : پارسا مهر
تاریخ : 23:21 1396/03/01

بنده می گویم که آخوند ها مردم را بمباران تبلیغاتی می کنند و اجازه حضور شخص
مرتد در جامعه نمی دهند و حصار ی اطراف ذهن و اندیشه مردم می کشند،!!بعد پاسخ
می شنوم که:" این تاثیر جبری و غیر ارادی است!!!!!!!!!!!!!!!!!!"مثل این است که بنده
بگویم می خواهم کاری کنم که کودکم در همان بچگی بی بند بار، بار بیاید بعد
شما بگویید، به شما اشکالی نیست که بچه بی بند و بار، بزرگ می شود!!!!!!، این
تاثیری که کودک از شما گرفته جبری و غیر ارادی است و بالاخره کودک شما در هر
.....!!کجا بدنیا بیاید محیط بر او تاثیر می گذارد، طوری نیست راحت باشید

والا بنده گفتنی ها را گفتم... شنیدنی ها را هم شنیدم.....دیگر وظیفه ام را انجام دادم... فردا روز اگر خدایی بود رو سفیدم و شرمنده نیستم!!!!!!-تا بعد...

[پست 59]

نویسنده : فاتح

تاریخ : 02:08 1396/03/02

اجازه حضور شخص مرتد در جامعه نمی دهند و حصار اطراف ذهن و اندیشه مردم می کشند،!!!

نفی بلد شده اید ؟ چه جالب اتفاقا شاه عباس صفوی ، صدراالمتالهین را هم نفی بلد کرده بود . فقط با این تفاوت که او میدانست چه میگوید

والا بنده گفتنی ها را گفتم... شنیدنی ها را هم شنیدم.....دیگر وظیفه ام را انجام دادم... فردا روز اگر خدایی بود رو سفیدم و شرمنده نیستم!!!!!!-تا بعد...

. نه دیگه حصار کشیدن . شما هم نفی بلدید . خسته نباشید

[پست 60]

نویسنده : عامل

تاریخ : 06:42 1396/03/02

سلام

من حرفم این است

چرا فرزند یک مسلمان حتما باید مسلمان باشد

می گوئید حق انتخاب و تحقیق وجود دارد

حال انتخاب شد

آیا می تواند مناسک فکر جدیدش را در جلوی دید عموم به اجرا بگذارد

گذشته از مبنای حکم ارتداد که بحث مبسوطی در مورد آن شد، عرض شد که این حکم

یک حکم اجتماعی است که قانون گذار(شارع مقدس) این حکم را برای عدم تزلزل

اعتقاد جامعه و برای جلوگیری از تشویش اذهان مسلمین وضع کرده است. بالاخره این

یک حکم اجتماعی است و برای کسانی که در جامعه مسلمین زندگی می کنند، تبعیت از

احکام این جامعه لازم است. حالا اگر شخصی بگوید من تحقیق کرده ام و به حقانیت

دینی غیر از اسلام رسیده ام و می خواهم این اعتقاد را علنی کرده و به تبلیغ آن

در درون جامعه اسلامی بپردازم. سوال اینجاست که آیا هر کس در جامعه به نتیجه

ای شخصی رسیده باید این نتیجه را در جامعه خود عملی کند؟ اگر اینطور باشد که

دیگر قانون کارایی نخواهد داشت. به عنوان مثال شخصی بعد از تفکر و تحقیق به

این نتیجه رسید که باید مثل انسانهای اولیه بدون لباس و لخت در جامعه حاضر

شود، آیا حاکم جامعه باید بگوید چون شما به این نتیجه رسیده ای پس هر طور می

خواهی عمل کن؟ یا باید او را ملزم به رعایت قانون کند؟

بنابراین شخصی که با تحقیق به حقانیت دینی غیر از اسلام رسید، دو راه در پیش

خواهد داشت:

1. با تبعیت از قانون، اعتقاد خود را علنی نکرده و در سینه نگه دارد .

2. برای محکوم نشدن به حکم ارتداد، مکان زندگی خود را تغییر داده و به دیار

.هم کیشان خود برود .

لازمه ی انتخاب، توانایی برگشت از مسیر و برگزیدن مسیر دیگر است
لازمه انتخاب، توانایی برگشت هست اما لازمه برگشت اعلام اعتقاد و عمل به خلاف
قانون جامعه اسلامی نیست.

و صد دلیل هم فرضا برای نقد اسلام بیاورد
آیا واقعا جوابی قانع کننده خواهد شنید
صد البته که خیر
با این پیش فرض شما راه تفکر را بر خود می بندید. کسی که مطمئن است جوابی
... نخواهد شنید، اگر جواب حق را هم بشنود، قبول نخواهد کرد
لطفا به مبانی آزاد اندیشی پایبند باشید.

با مثالی توضیح بدهم
مثال شما مع الفارق است، به عبارتی قابل تطبیق با بحث نیست
آیا با تغییر سیستم عامل شما مرتکب خلاف قانون می شوید؟

[پست 61]

نویسنده : عامل

تاریخ : 07:16 1396/03/02

سلام

بنده می گویم که آخوند ها مردم را بمباران تبلیغاتی می کنند و اجازه حضور شخص
!!، مرتد در جامعه نمی دهند و حصار اطراف ذهن و اندیشه مردم می کشند
بحث ارتداد مقتضای آیات و روایات است و یک حکم من درآوردی از طرف روحانیون
نیست.

در کتب روایی برای این منظور باب مستقل وجود دارد
نه تنها دین حصار دور ذهن کسی نکشیده که امر به تحقیق کرده و نتیجه آنرا هم
ملتزم می شود، به همین دلیل شخص مرتد اگر واقعا با تحقیق و تفکر به دین دیگری
رهنمون شود، نزد خداوند معذور است. اما شما مدام بحث آزادی تفکر و آزادی اعلام
و بیان ارتداد را عمدا یا شاید سهوا خلط می کنید و می خواهید نتیجه خود را
بگیرید.

ای کاش به جای تکرار مدعا به بررسی دلایل می پرداختید

مثل این است که بنده بگویم می خواهم کاری کنم که کودک در همان بچگی بی بند
بار، بار بیاید بعد شما بگویید، به شما اشکالی نیست که بچه بی بند و بار،
بزرگ می شود!!!، این تاثیری که کودک از شما گرفته جبری و غیر ارادی است و
بالاخره کودک شما در هر کجا دنیا بیاید محیط بر او تاثیر می گذارد، طوری نیست
...!!!!!! راحت باشید

!واقعا و انصافا این مثال قابل تطبیق بر بحث گذشته است؟

شما گفتید: چرا در جامعه علنا نقد دین صورت نمی گیرد؟

بنده عرض کردم: هیچ مکتب و نظامی خود زنی نمی کند و این مقتضای عقل و عمل
عقلاست.

اتفاقا اسلام نگفته باید به تقلید از حرف پدران یا حتی علما دین را بپذیری،
بلکه باید تحقیق کنی. انصافا این نحو از آزاد اندیشی را شما در کدام دین سراغ
دارید؟

حرف آخر: مهم نیست که شما در چه محیطی به دنیا آمده اید و البته مسلماً این محیط روی شما تاثیر خواهد گذاشت، از نظر اسلام مهم اینست که شما با کنار گذاشتن تمام تاثیرات محیطی به تحقیق در مورد راهی که سعادت و شقاوت شما را رقم می زند، بپردازید. نتیجه هر چه باشد، شخص معذور یا ماجور خواهد بود. اما این تحقیق در بستر جامعه اسلامی (بنا بر فرض ما) شکل گرفته و فارق از نتیجه (که در این فرض رسیدن به دینی غیر از اسلام است) شخص محقق باید ملتزم به قوانین اجتماعی حکومت باشد و به بهانه انتشار عقیده خود حق مخالفت با قانون را ندارد.

[پست 62]

(a.p) نویسنده : علی پارساپور

تاریخ : 08:18 1396/03/02

به عنوان مثال شخصی بعد از تفکر و تحقیق به این نتیجه رسید که باید مثل انسانهای اولیه بدون لباس و لخت در جامعه حاضر شود، آیا حاکم جامعه باید بگوید چون شما به این نتیجه رسیده ای پس هر طور می خواهی عمل کن؟ یا باید او را ملزم به رعایت قانون کند؟

بحث ما نبود قوانین عادلانه و لزوم وجود آن هاست
می گوییم، همه باید بتوانند حرف خود را بیان کنند، و مردم با بررسی، خود مسیرشان را انتخاب خواهند کرد
مثلاً آمریکا، که هم مسلمان و هم ندانم گرا و مسیحی با آرامش در کنار هم زندگی می کنند
ما چنین جامعه ای را می خواهیم
اسلام می گوید
من حق مطلقم
ما می گوییم، نه
حقیقت مطلق وجود ندارد
شما از تزلزل عقاید مسلمین می گوئید
ما می گوییم اگر دلایل قابل دفاع برای حقانیت اسلام وجود دارد مردم می پذیرند، اگر نه مسیرهای دیگر را انتخاب می کنند

بنابراین شخصی که با تحقیق به حقانیت دینی غیر از اسلام رسید، دو راه در پیش خواهد داشت:

1. با تبعیت از قانون، اعتقاد خود را علنی نکرده و در سینه نگه دارد.
2. برای محکوم نشدن به حکم ارتداد، مکان زندگی خود را تغییر داده و به دیار .هم کیشان خود برود.

فرض کنید از فردا دیگر در ایران حکومت اسلامی وجود نداشته، و یک حکومت مستبد مسیحی با کمک مزدوران شکل بگیرد
آیا تحمیل این موضوع به فرد مسلمان صحیح است

مطمئن است جوابی با این پیش فرض شما راه تفکر را بر خود می بندید. کسی که... نخواهد شنید، اگر جواب حق را هم بشنود، قبول نخواهد کرد

تازه مثل هم می شویم
شما می گویند اسلام ۱۰۰ درصد صحیح است
(ما هم گوشه هایی از آن را می پذیریم (حقیقت نسبت

.مثال شما مع الفارق است، به عبارتی قابل تطبیق با بحث نیست
آیا با تغییر سیستم عامل شما مرتکب خلاف قانون می شوید؟

سیستم عامل همان دین شماست و در مثال مناقشه نیست

[پست 63]

نویسنده : عامل

تاریخ : 18:24 1396/03/03

سلام

بحث ما نبود قوانین عادلانه و لزوم وجود آن هاست
با توجه به اینکه حکم ارتداد یک حکم الهی بوده و مقتضای آیات و روایات است(در
پست های گذشته اشاره شد که در یهودیت و مسیحیت نیز این حکم وجود داشته است.) ،
چه حکم و قانونی به عدالت نزدیک تر است؟ قانون الهی یا انسانی؟ و کدام قانون
گذار می تواند جوانب بیشتری را برای تشریح قانون در نظر بگیرد؟
علاوه بر اینکه محدود کردن بیان مقتضای عقل و عمل عقلاست. هرچند میزان این
محدودیت متفاوت است.
نکته: بین بحث ارتداد و آزادی بیان همانطور که قبلا هم اشاره شد، رابطه عموم
خصوص من وجه برقرار است. به عبارتی مفهوم و محدوده صدق این دو کلمه متفاوت
است و البته در برخی موارد تلاقی دارند

می گوئیم، همه باید بتوانند حرف خود را بیان کنند، و مردم با بررسی خود،
مسیرشان را انتخاب خواهند کرد
مثلا آمریکا، که هم مسلمان و هم ندانم گرا و مسیحی با آرامش در کنار هم زندگی
می کنند

ما چنین جامعه ای را می خواهیم
در بحث با جناب پارسا عرض شد که لزوم تحقیق برای انسان در مورد پیدا کردن
راه درست، ملازمه ای با اعلام مرتد ندارد. زیرا اولاً هر مرتدی برای ارتداد خود
دلایل را بیان نمی کند و ثانیاً با دسترس بودن منابع تمام ادیان و تفکرات مختلف
خصوصاً در فضای مجازی نیازی به اعلام مرتد نیست.
بنابراین راه تحقیق باز است.
ضمناً در ایران هم مذاهب و ادیان مختلف با آرامش کنار هم زندگی می کنند و هم
اکنون ما چنین جامعه ای داریم! بحث ارتداد و حکم آن ربطی به زندگی مسالمت
آمیز ادیان مختلف در کنار هم ندارد

حقیقت مطلق وجود ندارد

.بحث نسبی بودن حقیقت ربطی به این موضوع ندارد

البته نقد های زیادی به این تفکر وارد است، لطفاً در تاپیک دیگری به این بحث
بپردازید.

فرض کنید از فردا دیگر در ایران حکومت اسلامی وجود نداشته، و یک حکومت مستبد مسیحی با کمک مزدوران شکل بگیرد
آیا تحمیل این موضوع به فرد مسلمان صحیح است
فرض ارتداد جایی است که کسی مسلمان باشد و بخواهد دینش را تغییر دهد نه اینکه دینی برای دیگر ادیان محدودیت قائل شود
به عنوان مثال در ایران مگر حکم ارتداد را بر اقلیت های مذهبی جاری می کنند؟

=====

[پست 64]

نویسنده : پارسا مهر
تاریخ : 19:17 1396/03/03

با سلم...والا بنده سعی کردم که خیلی مودبانه نظرم رو بنویسم...ولی جنس موضوع طوری است که آدم را سهوا مجبور می کند کمی تند برود...بنده یک بار...دیگر نظرم را متین تر می نویسم

بحث ارتداد مقتضای آیات و روایات است و یک حکم من درآوردی از طرف روحانیون نیست.

اولا این که می فرمایید یک حکم من درآوردی از طرف روحانیون نیست...این نظر شخصی شماست...بنده هم می توانم یک حکم بدهم و بگویم به من وحی شده که همه مسلمانان را نابود کنم...شما اعتراض نمی کنید این چه حکم ناجوانمردانه ای است؟!؟! معلوم است که شما نمی پذیری...مگر هرکی به هرکی هست که هرکی آمد دلش خواست بگوید که من از خدا حکم دارم که فلان کنم...اینجوری که سنگ رو سنگ بند نمی شه...پس اینکه شما می فرمایید این حکم من در آورده نیست...فقط نظر شخصی شماست...به نظر ما که این حکم یک حکم مندرآوردی کسی هست با نام محمد یا حکم من درآوردی آخوندهاست...شما هروقت ثابت کردی که حکم خداست...ما هم قبول می کنیم...ولی ما که دلایل شما را قانع کننده نیافتیم و از نظر ما این دستورات من درآوردی است...گفتم سنگ روی سنگ بند نمی شود که هرکس از راه اومد یک حکم از جیبش در آورد و بگوید که این حکم از الله است...من می خوام فلان کنم بهمان کنم...به کسی هم ربطی ندارد...بنده فردا بگویم که حکم از الله دارم که مسلمانان را نابود کنم..شما بر می گردی می گویی، بیا ما را نابود کن، چون از الله و خدا حکم دارید؟

اما شما مدام بحث آزادی تفکر و آزادی اعلام و بیان ارتداد را عمدا یا شاید سهوا خلط می کنید و می خواهید نتیجه خود را بگیرید
استاد خود شما پذیرفتید که آزادی بیان بر آزادی اندیشه تاثیر می گذارد؟! خوب این تاثیر چگونه است...قبول ندارید که هر قدر آزادی بیان محدود شود، آزادی اندیشه هم تحت تاثیرش محصور می شود؟!؟!؟! شما به ما بگویید پس چطور پذیرفتید که آزادی بیان بر آزادی اندیشه تاثیر می گذارد...این اثر گذاری چگونه است...؟!!

شما گفتید: چرا در جامعه علنا نقد دین صورت نمی گیرد؟
بنده عرض کردم: هیچ مکتب و نظامی خود زنی نمی کند و این مقتضای عقل و عمل عقلاست.

خود زنی زمانی معنا می دهد که مثلا رهبر انقلاب بیاید از اسلام بد بگوید...این می شود خود زنی...ولی اگر رهبر به یک مرتد اجازه بدهد که در تلویزیون و مطبوعات آزادانه صحبت بکند، خود زنی نیست...بلکه شرایطی را فراهم آوردن برای...برآوردن این شعار است که اصول دین تحقیقی است

ما نمی گوئیم که حضرات مکارم شیرازی و امثال اینها خود زنی کنند و بیاید اسلام را بکوبند...بنده می گویم وقتی قرار است اصول دین تحقیقی باشد اجازه بدهند که مرتد کار خودش را بکند در تلویزیون و مطبوعات...آنها هم کار خودش را انجام بدهد در تلویزیون و مطبوعات...این را شما خود زنی می نامید

اتفاقا اسلام نگفته باید به تقلید از حرف پدران یا حتی علما دین را بپذیری، بلکه باید تحقیق کنی از شرایط و لوازم تحقیق این است که شخص یک طرفه به قاضی نرود، خوب چطور شما برای مرتد محدودیت قرار می دهید و شخص مرتد را زندانی و اعدام می کنید، بعد انتظار دارید که شخص محقق تحقیق سالم داشته باشد... شما خود به بنده می فرمایید یک طرفه به قاضی نروم... چطور راضی می شوید که محقق یک طرفه به قاضی برود... شخص محقق باید مرتدی را بشناسد برود آراء و عقایدش را بخواند یا نه!!!؟

از طرفی شخص مرتد می بیند که فرزندان ایران به خواب رفته اند و دست چپ و راستشان را نمی شناسند با یا علی و یا حسین بزرگ می شوند و تحقیق نکرده دین اسلام را قبول کرده و می ستایند... برخود لازم نمی بیند که برود شخص را بیدار کند و به او گوشزد کند که دین اسلام این نواقض را هم دارد...؟! این تناقضات عقلی هم دارد و این روش و منش درست است!!!؟! مرتد بر خود وظیفه می بیند و اصلا به قولی دوست دارد عشق می کند که برود شخص مسلمان را از خواب غفلت بیدار کند... شما چرا با این بیدار کردن اندیشه توسط مرتد مشکل دارید؟!؟! مرتد می بیند به چشم که فرد محقق دارد مغلطه می کند و اشتباه می کند، حالا اشکالی دارد که مرتد برود یقه ی محقق را بگیرد و بگوید ببین اینجا را اشتباه می کنی به... این دلیل به آن دلیل؟!؟! آگاه کردن دیگران بد است؟!؟! من تعجب می کنم

از نظر اسلام مهم اینست که شما با کنار گذاشتن تمام تأثیرات محیطی به تحقیق در مورد راهی که سعادت و شقاوت شما را رقم می زند، بپردازید خودتان اقرار دارید که تأثیرات محیطی مطرح است و شخص محقق باید سعی کند که تأثیرات محیطی را از خود دور کند و برود تحقیق کند... پس چرا خودتان تأثیرات محیطی را به نفع خود تغییر می دهید... خودتان محیط را خراب می کنید و بعد می گوئید که محقق باید تأثیرات محیطی را کنار بگذارد؟!... می آید محیط را عاری از منتقد می کنید؟! مرتد را زبانش را می بندید؟!؟! بعد می گوئید محقق تأثیرات محیطی را باید کنار بگذارد؟!!

در آخر یک نکته بگویم... بنده کاری به سیاست ندارد... حکم مراجع را نقد می کنم... شاید بگوئید که فلانی که نقد دین کرده اصلا زندانی نیست... بنده بازم تاکید دارم که او زندانی است... چون ما داریم حکم اسلام را بررسی می کنیم نه سیاست را... سیاست حکم می کند به خاطر بد نام نشدن اسلام کاری به دکنتر سروش ها نداشته باشیم... ولی این رفتار تأثیر در حکم مراجع نمیدهد... حکم مراجع همان است که بود... یعنی اعدام سلمان رشدی ها، اعدام سروش ها... حالا چرا اعدام نمی کنند چون شجاعتش را ندارد شاید... بالاخره بازی های سیاسی است دیگر... مهم این است... است که حکمی که در کتب مراجع نوشته، اعدام سروش هاست

[پست 65]
(a.p) نویسنده : علی پارساپور
تاریخ : 20:05 1396/03/03

چه حکم و قانونی به عدالت نزدیک تر است؟ قانون الهی یا انسانی؟

بستگی به قانونش دارد
لزومی به وجود آن نیست dna مثلا عده ی زن، که با آزمایش در ضمن الهی بودن قوانین باید به اثبات برسد

ثانیا با دسترس بودن منابع تمام ادیان و تفکرات مختلف خصوصا در فضای مجازی نیازی به اعلام مرتد نیست.

او می خواهد بقیه را به راهش دعوت کند، همان طور که روحانیت تریبون دارد، او می خواهد مردم را به حقوق بشر و صلح دعوت کند منتها با هزینه ی شخصی

.بنابراین راه تحقیق باز است

اکثر منابع فیلتر هستند

ضمنا در ایران هم مذاهب و ادیان مختلف با آرامش کنار هم زندگی می کنند و هم اکنون ما چنین جامعه ای داریم! بحث ارتداد و حکم آن ربطی به زندگی مسالمت آمیز ادیان مختلف در کنار هم ندارد.

آیا فرد بهایی در کنار مسلمانان آرامش دارد
آیا شخص با این تگکر را در قم راه داده و با او تجارت می کنید
آیا زنانی که لباسی مانند ساپورت می پوشند را تحمل می کنید

فرض ارتداد جایی است که کسی مسلمان باشد و بخواهد دینش را تغییر دهد نه اینکه دینی برای دیگر ادیان محدودیت قائل شود

منظورم از لحاظ ایجاد محدودیت برای بیان تفکرات اسلامی بود

به عنوان مثال در ایران مگر حکم ارتداد را بر اقلیت های مذهبی جاری می کنند؟

بله زمانی که شخص مسلمان جرات تغییر تفکر و بیان آن را پیدا کند

[پست 66]

نویسنده : پارسا مهر

تاریخ : 1396/03/04 00:46

خوب ما فرض می کنیم که اصلا حرف کارشناس درست است... بنا به منافع و مصالحی، بهتر است که حکم مرتد اجرا شود... بنده توی تاپیکی دیگری هم به استاد کریم این شبهه را عرض کردم... در یک نظام احسنی که یک عده خلق شده اند که با اختیار آزاد خود به تکامل برسند... باید جو و شرایط به این گونه باشد که شخص مختار با اراده ی آزاد خود بتواند سخنان مختلف با عقاید مختلف را بشنود و بهترینش را برگزیند و خواست به تکامل برسد و خواست به تباهی برسد... یعنی چیزی تقریبا مطابق با آیه معروفی که الان دقیقا الفاظش خاطر من نیست ولی مطمئنا شمای کارشناس متوجه اید کدام آیه را می گویم... دنیا به نحوی یک نظام احسن است که آدم هایش این حق را داشته باشند که سخنان مختلف را بشنوند و برترینش را برگزینند و با اراده ی آزاد راه درست را انتخاب کنند و به تکاملی که لیاقتش را دارند برسند... حالا وقتی ما فرض می گیریم که بنا به دلایلی نمی توانیم آزادی بیان به مرتد بدهیم، یعنی داریم می گوئیم این دنیا آن دنیای احسن، آن نظام احسن نیست و چیزی کم دارد، این دنیا برای برآوردن آن هدفی که بدان اشاره شد چیز هایی کم دارد... یک مایه هایی کم دارد تا نظام احسن شود... پس با این توضیح این حکم متضاد است با وجود الله، یعنی متضاد است با خالق که نظامی احسن خلق می کند... این نظام و دنیای احسن نیست... چون مایه هایی کم دارد که ما را مجبور می کند که حکم مرتد را اجرا کنیم، حکمی با هدف آفرینش در تضاد است... پس این حکم... به تنهایی اصلا وجود الله را زیر سوال می برد

[پست 67]

hessam78 : نویسنده

تاریخ : 02:03 1396/03/04

حال می آید منابع مختلف، به جز ویندوز را می بندید
سلام به همه دوستان و عزیزان
[برادر عزیز ویندوز که چه عرض کنم سیستم عامل در حد داس است] شوخی d:
در مورد آزادی بیان
نظر من کاملا واضح و ملموسه
ی روز بشینید پشت تلوزیون شبکه یک تا آخر را در طول یک روز مرور کنید
تعداد بزرگواران آخوند و حوزوی که در طول این شبکه ها آمده اند را بشمارید
بعد هم در طول انقلاب اسلامی برنامه های تلوزیون را مرور کنید تعداد نقد هایی
!که به قرآن و حضرت محمد ص در تلوزیون وارد شده است را هم ببینید
این مصداق کامل آزادی بیان و اندیشه اسلامی است
خود پیامبر به کشور ها حمله میکرد چرا که هدفش مردم و عامه بود نه ریش سفیدان
و موبدان زرتشتی بعد به ما میگویند که اول باید با حوزویان صحبت کنی (که در
(هر صورت اشتباه با فرد منکر هستش
!بعد هم چون افکار مسموم داری نمیتونی برای جامعه عرضه کنی
عزیز جان از کلاس پنجم ابتدایی تا به بالا هر کسی هر فردی پیدا شود که در این
کلاس ها و دانشگاه ها بگوید دو دو تا میشود 5 تا اگر دلیل منطقی و عقلی پشتش
نداشته باشد مورد استهزا و تمسخر قرار میگیرد و تره هم برای حرف هایش خرد
نمیکنند! و اذهان آنان هم متشوش نمیشود که دو دو تا چرا نشده 4 تا پس ای وای
من در طول عمرم اشتباه حساب کردم
حالا در جامعه اسلامی هم همین است! اگر انقدر دوستان به درستی دین مطمئن هستند
خوب بزارید این منکرین حرفشون رو بزنند دیگه! مردم که می فهمند اگر درست بود
!می پذیرند درست هم نبود نمی پذیرند
ترس نداره که عزیز من عجا معادله دو مجهولی نیست که هزار تو میسازند بعضی
دوستان
اصل عدالت و انصاف را رعایت کنیم مشکل حل میشود

[پست 68]

نویسنده : فاتح

تاریخ : 08:03 1396/03/04

حالا در جامعه اسلامی هم همین است! اگر انقدر دوستان به درستی دین مطمئن هستند
خوب بزارید این منکرین حرفشون رو بزنند دیگه! مردم که می فهمند اگر درست بود
!می پذیرند درست هم نبود نمی پذیرند

سلام علیکم

درسته دار و ندار این مملکت داره به تاراج میره ولی اینقدر هم مال مفت و علف
خرس نیست که به قول شما تبلیغ 2 دوتا 5 تا بشه آنهم از جیب ملت . اگر حرف
منطقی ای دارید که تا به الان نگفتید شبکه های ماهواره ای هستند که بتعداد
حداقل دو برابر شبکه های صدا و سیما همین 2 دوتا 5 تا را دارند شبانه روز
. تکرار میکنند و هزینه آنها را هم طرف مرتبت میدهد
شبکه هایی مثل شبکه یک هم که صبح تا شب بقول شما آخوند نشان میدهد هرگز به
اندازه آنها بیننده ندارند و نمیتوانند داشته باشند. خب اگر مساله قابل بیانی
. هست یک شبکه یا سایت هم کافی است

خوب ما فرض می کنیم که اصلا حرف کارشناس درست است... بنا به منافع و مصالحی، بهتر است که حکم مرتد اجرا شود... بنده توی تاپیکی دیگری هم به استاد کریم این شبهه را عرض کردم... در یک نظام احسنی که یک عده خلق شده اند که با اختیار آزاد خود به تکامل برسند باید جو و شرایط به این گونه باشد که شخص مختار با اراده ی آزاد خود بتواند سخنان مختلف با عقاید مختلف را بشنود و بهترینش را... برگزیند و خواست به تکامل برسد و خواست به تباهی برسد

بله این حرف شما کاملا منطقی است . خودشان بیایند مجوز تبلیغ به ارتداد بدهند و بعد یک عده بیایند محارب شوند و بعد حکومت بیاید این افراد را به همین جرم اعدامشان کند . ظاهرا هنوز گوینده تکلیفش را در برابر "خدائی اگر باشد" فکر میکند ادا نکرده دارد همچنان داستان میگوید .

[پست 69]

نویسنده : عامل

تاریخ : 12:54 1396/03/04

سلام

این که می فرمایید یک حکم من درآوردی از طرف روحانیون نیست... این نظر شخصی شماست... بنده هم می توانم یک حکم بدهم و بگویم به من وحی شده که همه مسلمانان را نابود کنم .

پارسا جان

شما اگر اسلام و پیامبر را قبول ندارید، چطور در مورد یک حکم اسلامی بحث می کنید؟!

رسالت و پیامبری نشانه دارد که اگر شخصی آن نشانه ها مانند معجزه و ... را داشت، حرفش مقبول است و گرنه کذاب خواهد بود .

در هر حال لطف کنید در فضای موضوع بحث کنید و از هر دری سخنی نفرمایید . ممنون

استاد خود شما پذیرفتید که آزادی بیان بر آزادی اندیشه تاثیر می گذارد؟! بنده گفتم ایندو بر هم تاثیر دارند، اما نگفتم اینها یکی هستند ولی با این وجود شما ایندو را به جای هم بکار می برید که این کار باعث مغالطه می شود .

ما نمی گوییم که حضرات مکارم شیرازی و امثال اینها خود زنی کنند و بیایند اسلام را بکوبند... بنده می گویم وقتی قرار است اصول دین تحقیقی باشد اجازه بدهند که مرتد کار خودش را بکند در تلویزیون و مطبوعات... آنها هم کار خودش را انجام بدهد در تلویزیون و مطبوعات... این را شما خود زنی می نامید دوست عزیز دادن تریبون به مرتد که همان ترویج ارتداد است، اگر این کار خود زنی نیست پس خود زنی چیست؟!

بارها گفته شد که لزوم تحقیق تلازمی با نقد و شبهه در مورد دین اسلام آنهم توسط حاکم اسلامی ندارد، این یک امر عقلانی است .

اتفاقا اسلام با گذاشتن این شرط که اصول دین تحقیقی است، برای ورود در دین سخت گرفته است، در حالی که دیگر ادیان اینطور نیستند و به فکر جذب حداکثری اند .

اما کسی که وارد شد به راحتی نمی تواند اعلام براءت کند و اگر بعدا به نتیجه دیگری رسید برای برخی مسائل اجتماعی تنها حق اعلام از او گرفته شده است .

از شرایط و لوازم تحقیق این است که شخص یک طرفه به قاضی نرود، خوب چطور شما برای مرتد محدودیت قرار می دهید و شخص مرتد را زندانی و اعدام می کنید، بعد...

انتظار دارید که شخص محقق تحقیق سالم داشته باشد شما ظاهرا در ذهن خود تمام مرتدان را متفکرانی نخبه و نابغه تصور می کنید! در حالی که ممکن است خیلی از آنها به دلیل سخت گیری دین و میل به راحتی از دین برگردند.

گذشته از این بحث که لزوما مرتدان دلایل عقلی و منطقی برای برگشت خود از دین ندارند، اصلا بحث آزادی اندیشه مربوط به تحقیق محقق از منابع است. او وظیفه دارد مثلا دو دین مسیحیت و اسلام را با توجه به کتابها و مثلا عقل پذیر بودن آنها مورد تحقیق قرار دهد و اگر نیازی به کتب نقد و بررسی اینها هم داشته باشد، به وفور در اینترنت و فضای مجازی یافت می شود... بنابراین تحقیق در مورد صحیت دین منوط به ملاقات شما با مرتد نیست

مرتد بر خود وظیفه می بیند و اصلا به قولی دوست دارد عشق می کند که برود شخص مسلمان را از خواب غفلت بیدار کند.

هر حکومتی قوانینی دارد که نمی توان آنها را عشقی زیر پا گذاشت... عجیب است که شما برای عمل مرتد هیچ دلیلی نمی آورید و ملتزم به عشقی و الکی بودن می !!! شوید، اما از ابتدای این تاپیک دنبال دلیل عقلی برای حکم ارتداد هستی

خودتان اقرار دارید که تاثیرات محیطی مطرح است و شخص محقق باید سعی کند که تاثیرات محیطی را از خود دور کند و برود تحقیق کند... پس چرا خودتان تاثیرات محیطی را به نفع خود تغییر می دهید... خودتان محیط را خراب می کنید و بعد می گوئید که محقق باید تاثیرات محیطی را کنار بگذارد؟!... می آید محیط را عاری از منتقد می کنید؟!... مرتد را زبانش را می بندید؟!...؟!...؟! بعد می گوئید محقق تاثیرات محیطی را باید کنار بگذارد؟!!

تاثیرات محیط یک امر اجتناب ناپذیرند، به عنوان مثال هیچ کس در یک شهر مذهبی انتظار وفور مراکز فساد و یا راهپیمایی علیه دین را ندارد. به همین دلیل انتظار نقد دین و اینکه هر کس دلش خواست به مخالفت با دین آنهم بصورت قولی و عملی بپردازد، نه تنها معقول نیست بلکه خلاف عقل است، چرا که هر موجودی علاقه به بقای خود دارد و هیچ گاه تیشه به ریشه خود نمی زند بنابراین کسی محیط را خراب نکرده! بلکه محیط چه خوب و چه بد بر انسان تاثیر می گذارد و هنر اینست که برای انتخاب راه درست، انسان خود را از این تاثیر جدا کند.

برای آخرین بار تذکر می دهم! بزرگوار منتقد با مرتد فرق دارد... اسلام جلوی انتقاد را نگرفته است که اگر اینطور بود ما این همه روایت در مورد دهریون و بی دین هایی که خدمت امام صادق و امام رضا (علیهما السلام) می رسیدند، نداشتیم. بنابراین انتقاد و بحث علمی نه تنها مذموم نیست که باعث اعتلای دین و مباحث علمی دین می شود.

[پست 70]

نویسنده : عامل

تاریخ : 1396/03/04 13:46

سلام

در ضمن الهی بودن قوانین باید به اثبات برسد

اثبات الهی بودن قوانین اسلام بر مبنای قبول رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و حجیت روایات است که اینجا محل این بحثها نیست. اما بر فرض اثبات الهی بودن قانون، از آنجایی که خالق اعلم از مخلوق است، در تمام موارد قانونش ارجح خواهد بود.

ندارد، شاید منظور شما تستهای بارداری باشد. dna ضمنا بحث عده خانمها ربطی به در هر حال علت اختصاصی عده، بارداری نیست تا با این تستها این حکم منتفی (باشد، بلکه یکی از حکمتهای آنست). (بین علت و حکمت فرق است

او می خواهد بقیه را به راهش دعوت کند، همان طور که روحانیت تریبون دارد، او می !! خواهد مردم را به حقوق بشر و صلح دعوت کند منتها با هزینه ی شخصی !! حقوق بشر و صلح؟ بحث تریبون و اقدام علیه خود، با جناب پارسا مفصل مطرح شد، لذا به همان پست .ها مراجعه فرمایید.

آیا فرد بهایی در کنار مسلمانان آرامش دارد
آیا شخص با این تگر را در قم راه داده و با او تجارت می کنید
آیا زنانی که لباسی مانند ساپورت می پوشند را تحمل می کنید
هم اکنون بهایی ها در شهرهای مختلف ایران در کنار مسلمانها زندگی می کنند و حکم معامله با آنها یک حکم فقهی است که خللی به آرامش زندگی آنها در ایران وارد نکرده و نمی کند.
لطفا بحث را از این شاخه به آن شاخه نکشید. حکم حجاب ربطی به این بحث ندارد.

[پست 71]
نویسنده : عامل
تاریخ : 14:12 1396/03/04

سلام مجدد

...خوب ما فرض می کنیم که اصلا حرف کارشناس درست است

:آیه مد نظر شما اینست:

الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ
الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ؛ بندگان من
آنهايند، که سخن را ميشنوند و به نيکوتر آن تابع ميشوند، آنها هدايت شده
(خدایند و آنها خردمندانند). (زمر: 18)

اما در مورد بیان شما:

مشکل این حرف اینست که شما اطلاع از حرفهای مختلف را منحصر در بیانات مرتد دانسته اید. در حالی که

اولا؛ در مورد مصداق حرف های مختلف بحث است که ایا منظور ادیان مختلف است؟ یا یک بحث عمومی است که اگر حرفهایی زده شود (در هر زمینه ای) صاحبان عقل بهترین

ثانیا؛ راه اطلاع بر حرف دیگران ممکن است شنیدن از یک مسیحی یا یهودی باشد نه کسی که دین خود را عوض کرده و به دیگر ادیان پیوسته است که البته برای شنیدن مثلا مسیحی الاصل ارجحیت دارد. و زمانی که انحصار از بین رفت استدلال منتج نخواهد بود.

ثالثا؛ بر فرض چنین تعارضی بین یک حکم و اصل وجود خدا، با چه مجوزی اصل وجود خدا را زیر سوال می برید؟! برهان شر که توسط برخی الهادی ها مطرح شده با تمام کر و فر خود، تنها یک وصف از اوصاف الهی را نشانه گرفته اما شما با یک حکم !! فقهی دارید اصل وجود خدا را نشانه میگیرید

.بزرگوار اگر حرف جدیدی ندارید لطفا بحث را به حاشیه نکشید

[پست 72]

نویسنده : hessam78

تاریخ : 14:22 1396/03/04

سلام علیکم

درسته دار و ندار این مملکت داره به تاراج میره ولی اینقدر هم مال مفت و علف خرس نیست که به قول شما تبلیغ 2 دوتا 5 تا بشه آنهم از جیب ملت . اگر حرف منطقی ای دارید که تا به الان نگفتید شبکه های ماهواره ای هستند که بتعداد حداقل دو برابر شبکه های صدا و سیما همین 2 دوتا 5 تا را دارند شبانه روز تکرار میکنند و هزینه آنها را هم طرف مرتبت میدهد . شبکه هایی مثل شبکه یک هم که صبح تا شب بقول شما آخوند نشان میدهد هرگز به اندازه آنها بیننده ندارند و نمیتوانند داشته باشند. خب اگر مساله قابل بیانی هست یک شبکه یا سایت هم کافی است . سلام فاتح جان

دقیقا برای همین میگویم که باید برگذار شود تا صلح و نگرشی آشتی جویانه بر دوستان مسلمان به وجود آید از جیب ملت هم نخواستیم، تلوزیون را خصوصی سازی کنند اشخاص با جیب خودشون برنامه میسازند یک زئوس بدبخت با چن تا کلیپ رو نتونستن تحمل کنن! هی خبر گذاری بزنن دستگیر شد!

من که نمیدانم اما شما که میگویید شبکه های ماهواره ای طرفدار بیشتری دارد خب پس نباید بازنگری شود؟

[پست 73]

نویسنده : عامل

تاریخ : 14:23 1396/03/04

سلام

اگر انقدر دوستان به درستی دین مطمئن هستند خوب بزارید این منکرین حرفشون رو بزنند دیگه! مردم که می فهمند اگر درست بود می پذیرند درست هم نبود نمی پذیرند!

اگر دین اسلام به مبانی خود اعتماد نداشت هیچ گاه اصول دین را تحقیقی نمی دانست و آزادی اندیشه را در این حد معتبر نمی دانست. اما بحث مرتد اگر از ابتدا با ما همراه بوده باشید با نقد فرق دارد. چرا که اولاً همه مرتدها اهل تحقیق و بیان دلایل برگشت خود از دین نیستند و چه بسا به دلیل سختی دین و میل به راحتی از دین برگشته باشند. ثانیاً منابع تحقیق در دسترس است و منحصر در بیان عده ای از مرتدان نیست. ثالثاً راه نقد همیشه باز بوده و هست و یکی از مصادیق بارزش همین سایت است. البته در گذشته نیز این بحث بین ائمه (علیهم السلام) و دهریون یا زنادقه مطرح بوده است .

بدین ترتیب بین آزادی اندیشه و تحقیق با آزادی بیان و از طرفی بین آزادی بیان با ارتداد فرق روشنی وجود دارد .

[پست 74]

نویسنده : علی پارساپور (a.p)

تاریخ : 15:18 1396/03/04

ندارد، شاید منظور شما تستهای بارداری باشد. dna ضمناً بحث عده خانمها ربطی به در هر حال علت اختصاصی عده، بارداری نیست تا با این تستها این حکم منتفی (باشد، بلکه یکی از حکمتهای آنست.(بین علت و حکمت فرق است

در صورت حاملگی و بعد تولد ، پدر فرزند مشخص می شود (در فرضی dna منظور از ذکر (که حکم عده نبود و ازدواج یک زن بلافاصله پس از طلاق صورت می گرفت

اتفاقا اسلام با گذاشتن این شرط که اصول دین تحقیقی است، برای ورود در دین سخت گرفته است، در حالی که دیگر ادیان اینطور نیستند و به فکر جذب حداکثری اند. اما کسی که وارد شد به راحتی نمی تواند اعلام براءت کند و اگر بعدا به نتیجه دیگری رسید برای برخی مسائل اجتماعی تنها حق اعلام از او گرفته شده است.

مشکل ما این است، آن دهريون از اول ایمانی به اسلام نداشته و برای بررسی و نقد و بحث در مورد حقانیتش با بزرگان دینی بحث می کردند ولی منی که در ۱۴سالگی منابع محدودی داشته ام، و با اینکه اصول دین تحقیقیست با منابع اندک و محیط کاملا اسلامی به خیال خودم بهترین انتخاب را کرده ام احساس این را دارم که کلاه سرم رفته است اگر دسترسی به اینترنت لمروز، اگر کتب امروز را داشته و استفاده می کردم شاید مسیرم طور دیگری می شد من محکوم به مسلمان نما بودن شده ام زمانی سرویس وبلاگ بلاگفا را بهترین می دانستم، ولی کم کم با سرویس های دیگر آشنا شده و الان با وردپرس کار کرده و آن را بهترین می دانم شما می گوئید در ورود به اسلام سخت گیریت در حالی که کذب محص است

به دختر ۹ساله که در حال عروسک بازیست می گوئید خدا الله است، پیامبرش محمد که با او قرآن آمد

در کتب درسی پر از این هاست

بعد آن بچه ی کوچک چگونه در کتب سایر تفکرات تحقیق کند

شما که می گوئید نقد، من از نقد کردن جبر مکتبی و بحث درباره ی آن می ترسم چون این کشور با نقد کننده مثل هیولا برخورد می شود چون فردا می گویند

ببین این فرد منتقد اسلام است

اینجا می گوئید الله خداست، محمد رسول و معجزه اش قرآن است و با این پیش شرط که برای خود گذاشته اید بحث می کنید

آقای کارشناس

بیایید قولی به هم بدهیم

اگر تا ۱۰۰۰سال دیگر هنوز هم ایران کشوری اسلامی بود و مردم یادی از این دین داشتند گناهان تمام مردم ایران تا آن زمان را والله به عهده می گیرم

اگر با علم آن روز قرآن را در ایران، مردم و حکومت هنوز معجزه می دانستند در جهنم پذیرای گناهان مردمانم هستم

و تا ابد خواهم سوخت

خواهشا واقع بین باشید

آیا کودک می تواند واقعا به سایر منابع دسترسی پیدا کند، خیر چون سایر منابع را محدود کرده اید

من پدر و مادرم مسلمان هستند

در ۸سال پیش اطلاعات امروز را نداشتم

مثالی بزنم

شما می گوئید با هر سرویس وبلاگ دهی ای خواستید کار کنید

بعد یکی را باز و بقیه را فیلتر می کنید

چگونه انتخابم درست باشد

شما سرتان را بچرخانید و جامعه را ببینید

با منتقد چگونه رفتار شده، مثال هایش در فضای مجازی موجود است

شرط درستی انتخاب، توانایی انتخابی دیگر است

در ضمن یک سوال@@

در این بحث دو مطلب حذف شده

یکی شعر چه فرقی می کند نام خدا چیست، من بود
مطلب دیگر کدام است

[پست 75]

نویسنده : پارسا مهر
تاریخ : 15:46 1396/03/04

فکر می کنم این آخرین پست بنده باشد.. والا بنده هرچه می گویم شما باز حرف خود
را می زنید و خیلی از عرایض بنده را اصلا نادیده می گیرید... مثلا

ما اگر اسلام و پیامبر را قبول ندارید، چطور در مورد یک حکم اسلامی بحث می
کنید؟! هرکس می خواهد حکمی را و قانونی را اجرا کند باید آن قانون و حکم بر
منطق و عقلانیت استوار باشد... وگرنه ظلم است... مثلا شما وارد کشوری می شوید، و
می بینید که شما را به خاطر رنگ پوستتان می خواهند اعدام کنند، شما اعتراض می
کنید که این چه حکم و قانون نا عادلانه ای است، مبنایش چیست، منطقیست، چیست،
استدلالش چیست... می گوید این ظلم است. اینجا هم همینطور، مرتد می گوید که به
چه حقی مرا می خواهید زندانی و اعدام کنید... منطقتان چیست، استدلالتان
چیست... شما اینجا چه می خواهید بگویید، می خواهید بگویید که این حکم حکم خدا
است، این قانون ظالمانه نیست به این حساب که خدا آن را فرمان داده؟؟؟؟ شخص
مرتد می گوید که این حکم که می گوید از جانب خداست فقط نظر شخصی
شماست... شما فقط به خاطر نظر شخصی خودتان می خواهید مرا مجازات کنید و اعدام
کنید؟؟؟؟ فقط به خاطر نظر شخصی؟؟؟؟ حالا شما می گوید نه نظر شخصی ما نیست. و
رسالت و پیامبری نشانه دارد که اگر شخصی آن نشانه ها مانند معجزه و... را
داشت، حرفش مقبول است و گرنه کذاب خواهد بود.

ولی این هم نظر شخصی شماست... این که معجزه نشانه ی پیامبری است تنها نظر شخصی
شماست... شخص مرتد که آن را قبول ندارد و آن را با دلیلی و برهان رد می
کند... خیلی عقلا که آن را قبول ندارند... این نظر شخصی شماست فقط... شخص مرتد حق
دارد در برابر این قانون بایستد و آن را رد کند و بگوید به این دلیل به این
دلیل غیر منطقی است

بنده عرض کردم... فرض کنید که بنده بیایم و بگویم که از جانب خدا به من وحی
شده، نشانش هم این است که توامم وزنه دویست کیلویی را بلند کنم... و خدا به من
وحی کرده که شما مسلمانان را نابود کنم... این نظر شخصی من، همانطور که نظر
شخصی شما این بود که از خدا وحی دارید که مرتد را اعدام کنید... شما
در برابر این قانون و حرف بنده می ایستید و نمی پذیرید که شخص مرتد شما را
نابود کند... ما هم همینکار را می کنیم... ما می گوئیم این نظر شخصی شماست که
حکم مرتد ساخته ی آوندها نیست... ما می گوئیم این قانون نا عادلانه است... شما
این حق را به ما نمی دهید و می گوئید نه، این قانون عادلانه است چون خدا
گفته؟؟؟؟ والا تعجب می کنم... این مباحث بدیهی هستند و نیازی به گفتن
ندارند...

در هر حال لطف کنید در فضای موضوع بحث کنید و از هر دری سخنی نفرمایید. ممنون
والا بنده از هر دری سخن نگفتم... این شما بودید که اول بار برای اینکه این
قانون را موجه نشان دهید فرمودید که این قانون که ساخته ی آوندها نیست... ما
هم این سخن شما را نقد کردیم و می کنیم و می گوئیم این که این قانون ساخته ی
آوند ها نیست و وحی الهی است یک نظر شخصی شماست... حالا بنده گیج شدم ما داریم
از هر دری سخن می گوئیم؟؟؟؟ ما فقط پاسخ فرمایش شما را دادیم

... ادامه دارد احتمالا، اگر گفتگو فایده هم می تواند داشته باشد

[پست 76]

نویسنده : فاتح

تاریخ : 19:09 1396/03/04

سلام فاتح جان

دقیقا برای همین میگویم که باید برگذار شود تا صلح و نگرشی آشتی جویانه بر دوستان مسلمان به وجود آید از جیب ملت هم نخواستیم، تلوزیون را خصوصی سازی نکنند اشخاص با جیب خودشون برنامه میسازند یک زئوس بدبخت با چن تا کلیپ رو نتونستن تحمل کنن! هی خبر گذاریا بزمن دستگیر شد!

من که نمیدانم اما شما که میگویید شبکه های ماهواره ای طرفدار بیشتری دارد خوب پس نباید بازنگری شود؟

سلام

سایت های خبری عادتشونه . عادت بدیه میدونم ، ولی نمیتونن دست بردارن . مگه گیر بدی رسما عذرخواهی کنن . و الا مدام از این زئوس داستان میسازند و مشتری جذب میکنند وکاسب میشوند .

در مورد بازنگری شبکه های صدا و سیما هم حتما به آنها توصیه میشود که با شما تماس بگیرند و بدون مشاوره با شما دست به کاری نزنند.

[پست 77]

(a.p)نویسنده : علی پارساپور

تاریخ : 19:17 1396/03/04

(چند نکته ی این بحث را بیان کنم (خلاصه ی بحث

منی که والدینم هنگام انعقاد نطفه مسلمان بوده اند فقط می توانم مسلمان بشوم و در صورت عدم برگزیدن اسلام، این موضوع را باید کتمان کنم، اگر نه به عنوان مرتد فطری در صورت منکر بودن کشته خواهم شد و برای فرد مونث حبس ابد در نظر گرفته شده تا بمیرد

یعنی فقط به خلطر مسلمان بودن یکی از والدینم حق آزادی انتخاب و بیان من نوعی، محدود شده است

مورد دوم

کارشناس به در دسترس بودن منابع مختلف اشاره کرده که اشتباه است

در یک روستایی که اینترنت نیست، یا هست ولی فرد نمی داند چگونه محدودیت منابع مختلف را دور بزند

و فقط یک قرآن و در صورت شیعه بودن همراهش نهج البلاغه و در سورت اهل تسنن بودن صحیحین در اختیار اوست تحقیق او به انتخاب درست و اصولی منتهی نخواهد شد پس لازم است کسانی که راه دیگری را برگزیده اند، تریبونداشنه تا شحص انتخاب کننده با تفکر بیشتر مسیرش را انتخاب کند

مشکل ما در جبر و نبود اختیار در انتخاب دین توسط مسلمان زاده و عدم اجازه ی بیان تغییر مسیر است

الان من اگر بگویم ایها الناس من دیگر مسلمان نیستم و پیامبر را انسان عادی و قرآن را نوشته ی پیامبر می دانم ، سریع کشته می شوم

پس مجبورم بگویم من مسلمانم، در واقعیت هم مسلمانم

با اینکه اصول دین تحقیقیست

یعنی، من مسلمان زاده فقط می توانم از بین شیعه و سنی بودن، یکی را برگزینم و یا تغییر مسیرم را بیان نسازم

با منابع اندک و محیط کاملاً اسلامی به خیال خودم بهترین انتخاب را کرده ام احساس این را دارم که کلاه سرم رفته است اگر دسترسی به اینترنت امروز، اگر کتب امروز را داشته و استفاده می کردم شاید (مسیرم طور دیگری می شد) البته انتخاب من مسلمان زاده به طور جبری محدود است

من در گذشته فکر می کردم واقعا خودم اسلام را انتخاب کردم، ولی در واقعیت چاره ای جز این انتخاب با منابع محدودم نداشتم و انتخابم را بهترین می دانستم

[پست 78]

نویسنده : hessam78

تاریخ : 05:59 1396/03/05

در مورد بازنگری شبکه های صدا و سیما هم حتماً به آنها توصیه میشود که با شما تماس بگیرند و بدون مشاوره با شما دست به کاری نزنند.

طیب الله انفسکم فاتح جان

حتماً هماهنگ کنید یک رونقی بدهم اساسی

جناب رهبر که خود مسئول را انتخاب میکنند نه نظارتی دارند (چنان که خودشان گفتند از همه برنامه ها راضی نیستیم) نه وقتی دارند که به این کارها برسند مسئولیت را به من دهند یا خصوصی سازی کنند

اول شبکه های مزخرف را میبندم بعد هم چند کانال بیشتر نمی گذارم کانال

فیلم، کارتون، خبر، قرآن، الحاد، سریال، آموزش، طنز، متفرقه و السلام

d: در آخر هم گل روی شما را نشان می دهم تا عصبانیتتان فروکش کند

[پست 79]

نویسنده : Reza-D

تاریخ : 17:21 1396/03/05

عزیز جان از کلاس پنجم ابتدایی تا به بالا هر کسی هر فردی پیدا شود که در این کلاس ها و دانشگاه ها بگوید دو دو تا میشود 5 تا اگر دلیل منطقی و عقلی پشتش نداشته باشد مورد استهزا و تمسخر قرار میگیرد و تره هم برای حرف هایش خرد نمیکنند! و اذهان آنان هم متشوش نمیشود

سلام

حسام جان یادت هست در تاپیکی بحث می کردیم و من گفتم قبول دارم در ایران

آزادی بیان به اندازه کافی وجود ندارد؟

همچنان هم سر حرفم هستم و در همین تاپیک هم نقدهایی به صحبت های کارشناس

محترم و سایر دوستان دارم

اما نکته ای هم هست

شاید حرفم را قبول نکنی ، اما هر چه دقت می کنم می بینم طرفداران اسلام حق

دارند

چون آنهایی که می خواهند بر رد نظرات اسلامی دلیل بیاورند ، بیشتر صحبت هایشان مغلطه است

الان مدام در این تاپیک دارد دم از آزادی بیان زده میشود. چیزی که غرب هم خیلی

آن را در بوق و کرنا کرده

! و گفته میشود چرا در ایران از همان ابتدا به کودکان اسلام آموزش داده میشود؟

و چرا اگر کسی بخواهد آموزش دیگری بدهد جلوی او گرفته میشود؟

:خب حسام جان شما فرمودید که

ی روز بشینید پشت تلوزیون شبکه یک تا آخر را در طول یک روز مرور کنید تعداد بزرگواران آخوند و حوزوی که در طول این شبکه ها آمده اند را بشمارید بعد هم در طول انقلاب اسلامی برنامه های تلوزیون را مرور کنید تعداد نقد هایی که به قرآن و حضرت محمد ص در تلوزیون وارد شده است را هم ببینید من برمیگردم به نقل قول ابتدایی که از شما کردم (درمورد دو دو تا 4 تا) و اینطور میگویم

شما با تبلیغات و فراهم کردن محیط ، به ذهن مردم القا کرده اید که دو دو تا میشود 4 تا حالا اگر کسی به این نتیجه برسد که دو دو تا میشود 5 تا ، کجا تریبون دارد تا حرفش را بزند؟ در تمام کتاب ها نوشته شده دو دو تا 4 تا. معلم ها همین را آموزش می دهند ،جامعه به همین باور رسیده و کودک همیشه از دیگران میشوند دو دو تا 4 تا ، برنامه های ریاضی میگویند دو دوتا 4 تا و

:این همه تبلیغات و ابزار پشت تبلیغ این تفکر وجود دارد آن وقت شما میگوئید

هر فردی پیدا شود که بگوید دو دو تا میشود 5 تا اگر دلیل منطقی و عقلی پشتش نداشته باشد !مورد استهزا و تمسخر قرار میگیرد و تره هم برای حرف هایش خرد نمیکند حرف از دلیل منطقی و عقلی می زنید درحالیکه راه را برای هرگونه تبادل نظر عقلی و منطقی بسته اید بعد هم می گوئید چنین شخصی مورد تمسخر قرار می گیرد بله معلوم است مورد تمسخر قرار می گیرد ، چون دار و دسته شما اجازه آزادی اندیشه به کسی که بگوید دو دو تا میشود 5 تا نخواهند داد

((این همان مغلطه ای است که مخالفان اسلام انجام می دهند))

[پست 80]

نویسنده : hessam78

تاریخ : 10:57 1396/03/06

سلام

حسام جان یادت هست در تاپیکی بحث می کردیم و من گفتم قبول دارم در ایران آزادی بیان به اندازه کافی وجود ندارد؟ سلام آقا رضا !پس خداوشکر

چون آنهایی که می خواهند بر رد نظرات اسلامی دلیل بیاورند ، بیشتر صحبت هایشان مغلطه استمت

متوجه این جمله شما هستم چون هر دو حالت را تجربه کردم زمانی که دین دار بودم میگفتم آتئیست ها مغلطه میکنند و زمانی که در تردید و بدون یقین گفتم دین داران مغلطه می کنند چون هر دو نتیجه گیری از پیش زمینه و داده های منتج شده که چنین نگرشی را استحصال می نماید

این جمله شما آقا رضای بزرگوار دوست داشتنی، مغلطه تعمیم ناروا یا شتاب زده دارد

الان مدام در این تاپیک دارد دم از آزادی بیان زده میشود. چیزی که غرب هم خیلی آن را در بوق و کرنا کرده جا داده اینجای نکته ای بگم
هی غرب غرب میکنیم مانند شاگردی که همش نگاهش به شاگرد ممتاز است که مثل او باشیم
خیر ما خودمان هستیم و دارای تمدن ما باید بهتر از این غرب تازه تولد یافته باشیم بسیار بهتر! غرب مشکلاتش فراوان است ولیکن در برخی زمینه ها رویکرد های خوبی دارد که من آن ها را در نظر دارم
در غرب اسلحه هم آزاد است مگر ما میگوییم چرا کشور سلاح را آزاد نمی کند؟

! و گفته میشود چرا در ایران از همان ابتدا به کودکان اسلام آموزش داده میشود؟
داو کینز یک جمله زیبایی دارد در این زمینه
کودکان وقتی به دنیا می آیند نمی گویم بهشان که چپ هستی یا راست محافظه کار هستی یا مارکسیسم، اگزیستانسیالیسم درست است یا غیره
یک تعریف ساده و آبیکی از دین را به او می دهیم (به این دلیل که در روانشناسی تائید شده که کودک بدون دین نمی تواند باشد در نگرش و رشد وی تاثیر نامطلوبی دارد) اما دیگر نمیدانم مفاهیم کدورت مانند اینکه بقیه باطل هستند کافران باید کشته شوند ... ندهیم همین

و چرا اگر کسی بخواهد آموزش دیگری بدهد جلوی او گرفته میشود؟
به همان دلیلی که آموزش تریاک کشیدن را به کودک نمیدهیم
اگر خوب باشد می دهیم! بر روی آن آموزش کار کنید جامعه آماری تهیه کنید اثرات مطلوبش را لیست فرمایید آن هم داده میشود

شما با تبلیغات و فراهم کردن محیط ، به ذهن مردم القا کرده اید که فقط اسلام حقه
حالا اگر کسی به این نتیجه برسد که فقط اسلام حق نیست ، کجا تریبون دارد تا حرفش را بزند؟
در تمام کتاب ها نوشته شده فقط اسلام حقه. معلم ها همین را آموزش می دهند ،جامعه به همین باور رسیده و کودک همیشه از دیگران میشنود فقط اسلام حقه ، برنامه های تلویزیونی میگویند فقط اسلام حقه و
اگر اشتباه نکنم جملات آبی رنگ شما جملاتی هستند که قبول دارید من در متنانتان تغییری می دهم و می پرسم این را قبول دارید؟
و در مورد سوالتان هم میگویم شما دلیل بیاورید پشتش به اندازه کافی بود آن را ارائه دهید! مگر در سمینار های علمی نظریاتی که بعضا کاملا مخالف هستند بیان نمیشود؟ طرفداران هر کدام هم فیض خود را میبرند

حرف از دلیل منطقی و عقلی می زنید درحالیکه راه را برای هرگونه تبادل نظر عقلی و منطقی بسته اید راه را نبستم اگر دلیلی هست و دارید بگویند

مانند راسل و وایتهد 4 صفحه تلاش کنند ثابت کنند دو دو تا میشود 5 تا یا ضربی
!را نشان دهند در عالم واقع که چنین شود

بعد هم می گوئید چنین شخصی مورد تمسخر قرار می گیرد
شما هم مسخره میکنید
سر صبح من را ببینید که به شما میگویم آقا رضا آقا رضا
دیشب به من الهام شده 3 پنج تا میشه 9 تا یا مسخره میکنید یا روانپزشک میبرید
مرا
این مثال را عرض کردم به این دلیل اگر مسلمانان از دو دو تای دینشان مطمئن
هستند که میشود 4 و خطایی در آن وجود ندارد از سایر نظرات مخالف باکی ندارند
چون نظریات بی دلیل و پشتوانه مسخره و محکوم به نابودی میشوند با تسامح

چون دار و دستهء شما اجازهء آزادی اندیشه به کسی که بگوید دو دو تا میشود 5
تا نخواهند داد

الحاد به ذات خود ندارد عیبی

d: هر عیبیست ز الحادی ماست

جدای از شوخی در میان آتئیست ها آگنوستیک ها و دئیست ها هر یک از افراد با
دیگری بسیار متفاوت است فرد دیگری می تواند اسلام را قبول نداشته باشد و نظرات
من را هم کاملا بی ارزش بداند
والا دار و دسته ما که چیزی ندارند تازه اگر هم باشد شما دوستان مذهبی ما را
فرد غیر منطقی و سفسطه و مغلطه کار اگر می دانید
فرضا بدون تشبیه به افراد ناباور یک فرد دیوانه به شما بخندد مگر ناراحت
میشوید؟ اگر فردی منطق درستی ندارد به دو دو تا 4 تای درست شما میخندد بگذارید
بخندد خوب

ی مورد دیگر هم خارج از تاپیک هست ولی ریز بگم ی کوچولو انحراف

امضاتون خیلی جالبه منو یاد جمله چرچیل میندازه نقل به مضمون برای اینکه به
بی ارزشی دموکراسی پی ببرید کافیتست با یک فرد معمولی نادان که رای میدهد

مقداری صحبت کنید

دموکراسی استبداد اکثریت بر اقلیت (متوجه عقلیت نشدم که منظورتون عقله؟) مورد
باطل آن این است که حق با اکثریت هیچ وقت نیست مانند جریان گالیله و داستان
های دیگر

اما شیوه حکومتی که ترجیح می دهید چیست؟ اگه وقت داشتین و دوست داشتین مایلیم
نظرتونو بدونم ممکن بود تو چت کاربری من نظرتونو بگید

[پست 81]

Reza-D : نویسنده

تاریخ : 16:48 1396/03/06

اگر اشتباه نکنم جملات آبی رنگ شما جملاتی هستند که قبول دارید
من در متنانتان تغییری می دهم و می پرسم این را قبول دارید؟
happy !! این جملات را به عنوان مغالطه نوشتم. چطور خودم قبول دارم؟

راه را نبستم اگر دلیلی هست و دارید بگویند

مگر در سمینار های علمی نظریاتی که بعضا کاملا مخالف هستند بیان نمیشود؟
طرفداران هر کدام هم فیض خود را میبرند
احسنت به شما

اگر کسی به یک موضوع ریاضی که دارد تدریس میشود ایراد دارد ، باید در جایش و
با اهلش مطرح کند
نه اینکه انتظار داشته باشد کل کتب مدارس و دانشگاه ها را بخاطر ایراد او جمع
کنند و بگویند بفرمائید ایرادهای خود را به مردم آموزش دهید

خب مگر استاد عامل چه گفتند؟
ایشان هم گفتند کسی که به مسائل دینی اشکالی را وارد می داند
می تواند بصورت علمی و با حضور کارشناسان ایرادهایش را مطرح کند و به مباحثه
بپردازد

همانطور که انتظار آن منتقد به ریاضی بی جا است
انتظار شما هم درمورد دین بی جا است

شیوه حکومتی که ترجیح می دهید چیست؟
اگه وقت داشتین و دوست داشتین مایلم نظرتونو درمورد امضا شما بدونم
اگر فرصتی پیدا کنم چشم

=====

[پست 82]
(a.p) نویسنده : علی پارساپور
تاریخ : 19:22 1396/03/06

اگر کسی به یک موضوع ریاضی که دارد تدریس میشود ایراد دارد ، باید در جایش و
با اهلش مطرح کند

خب مگر استاد عامل چه گفتند؟
ایشان هم گفتند کسی که به مسائل دینی اشکالی را وارد می داند
می تواند بصورت علمی و با حضور کارشناسان ایرادهایش را مطرح کند و به مباحثه
بپردازد

اولا با جبر مکتبی انتخاب من مسلمان زاده محدود و بر شیوه ی زندگی ام تاثیر
گذاشته است
لازمه ی انتخاب صحیح، دسترسی به تمام منابع و امکان برگشت و برگزیدن مسیر دیگر
است

اما هم منابع اینترنتی فیلتر و هم بعد انتخاب، امکان برگشت وجود ندارد
در ضمن در گذشته که اینترنتی نبود
دسترسی به منابع دیگر، تقریبا غیر ممکن بوده است
دختر ۹ساله، و پسر ۱۵ساله بنظرتان انتخاب صحیحی می تواند داشته باشد
در ضمن انتخاب فرزند یک مسلمان (نطفه ناشی از مسلمان) دو گزینه است اسلام یا
سکوت
در صورتی جبر مکتبی می توانست صحیح باشد که اولاً فرض وجود تفکرات بهتر دیگر
،نبود و هیچ ایرادی که منطقی باشد نیز تا به حال بر اسلام وارد نشده بود

=====

[پست 83]

hessam78 : نویسنده

تاریخ : 23:32 1396/03/06

اگر کسی به یک موضوع ریاضی که دارد تدریس میشود ایراد دارد ، باید در جایش و با اهلش مطرح کند!
در هر جایی که تدریس و تبلیغ ریاضی میشود می تواند کند!
کسی که اصل عدم قطعیت هایزنبرگ رو بخواد رد کنه نمیره کلاس دبیرستان ولی مسئله دین اینطور نیست چون در تلوزیون و همه جا وجود دارد و تبلیغ میشود و همانجا هم میبایستی رد شود هر جایی که دو دو تا میشود 4 تا باید بتوان گفت اگر دلیل و منطقی پشتش است دو دو تا میشود 5 تا و طرفدارانی هم دارد

!! این جملات را به عنوان مغالطه نوشتم . چطور خودم قبول دارم؟
درستی این پدیده جهان شمول و همگانی است و مثال نقضی وجود ندارد همانطور که شرودینگر توانست ثابت کند یک گربه هم زنده است و هم مرده! و یک پدیده ظاهرا در تضاد با عقل سلیم رو در فیزیک رواج بده شما هم می تونی دلیلاتون رو بیارید بفرمایید بنا به این دلیل اینکه چیزی را یک عده معدود درست می دانند دلیل بر درستی نیست در زمان گذشته حضرت محمد چرا نرفت با موبدان زرتشتی حرف بزند و صحبت کند و نتیجه برسد بعد در محافل و مردم بگوید؟
حمله کرد بخواطر گسترش دین؟ چیزی که اسلام حق خودش می دونه توانایی تبلیغ رو از دیگران سلب میکنه

[پست 84]

Reza-D : نویسنده

تاریخ : 19:10 1396/03/07

اولا با جبر مکتبی انتخاب من مسلمان زاده محدود و بر شیوه ی زندگی ام تاثیر گذاشته است
ما هم گفتیم که جبر خواه ناخواه وجود خواهد داشت
شما اگر در قوم عرب به دنیا بیائید یک سری رسوم برایتان با ارزش خواهد بود و اگر در قوم لر به دنیا بیائید یک سری رسوم دیگر در آمریکا به دنیا بیائید یک سری ارزش ها پررنگ تر است. در انگلستان یک سری دیگر ، در افغانستان یک سری دیگر ، در ایتالیا ، آفریقا و.... به همچنین

در ضمن در گذشته که اینترنتی نبود دسترسی به منابع دیگر، تقریبا غیر ممکن بوده است
در گذشته که اینترنت نبود دسترسی به خیلی چیزها غیرممکن یا بسیار دشوار بود جوری می فرمائید که انگار تا قبل از آمدن اینترنت تنها دسترسی به منابع خلاف اسلام محدود بوده
! و راه اندازی اینترنت تنها هدفش رفع همین یک مشکل بده است

دختر ۹ ساله، و پسر ۱۵ ساله بنظرتان انتخاب صحیحی می تواند داشته باشد
در مورد پایین بودن سن برای این تشخیص من هم با شما موافقم
اینکه میگوئیم دختر یا پسر تا این سن باید انتخاب کنند، به نظرم انتظار به
جایی نیست

اما سوالی از شما دارم امیدوارم منصفانه پاسه بفرمائید (حسام جان شما هم پاسخ
(بدهید ممنون میشوم)
چرا میگوئید یک دختر ۹ ساله و یک پسر ۱۵ ساله نمی تواند انتخاب درستی داشته
باشد؟
آیا غیر از این است که منظورتان این بوده که در این سن، اکثریت مطلق افراد
به آن پختگی برای تصمیم گیری نرسیده اند؟

پس چرا وقتی گفته میشود که نشر عقاید بین عوام (که به پختگی در مباحث علمی
نرسیده اند) غلط است، در مقابل این حرف جبهه می گیرید؟
چطور اگر موضوع نشر اسلام باشد، از عدم درک دختر و پسر نوجوان صحبت می کنید
اما وقتی موضوع در مورد نشر خلاف اسلام باشد، انتظار دارید همه چیز برای همگان
و بدون در نظر گرفتن سن و سال و میزان درک در دسترس باشد؟

در ضمن انتخاب فرزند یک مسلمان (نطفه ناشی از مسلمان) دو گزینه است اسلام یا
سکوت
سوال دیگری هم از شما دارم
اینکه میگوئید چرا بعضی سایت ها را فیلتر می کنند، دلیلش این است که آن سایت
ها معمولاً متکلم وحده هستند
یک کسی سایت می زند و همینطور اسلام را به باد انتقاد می گیرد. کجای این کار
شبهه بحث علمی است؟

اما آیا واقعاً بجز اسلام فقط یک گزینه وجود دارد و آن هم سکوت است؟
آیا شما برادر گرامی، جناب حسام، جناب پارسامهر و در تاپیک های دیگری
.....جنابان آبرنگ، آرمان دانشجو و
دین را به چالش نکشیده اید؟ سوال نپرسیده اید؟ عقاید خود را مطرح نکرده اید؟
چند تاپیک در همین سایت وجود دارد که تمامش پرسش از مذهبی هاست؟

آیا افراد نمی توانند همین گفتگوها را ببینند و انتخاب کنند که کدامیک بر حق
است؟
آیا سخنان شما فیلتر شده؟ آیا مباحث از روی سایت برداشته شده؟

[پست 85]

Reza-D : نویسنده

تاریخ : 1396/03/07 19:21

!در هر جایی که تدریس و تبلیغ ریاضی میشود می تواند کند
!کسی که اصل عدم قطعیت هایزنبرگ رو بخواد رد کنه نمیره کلاس دبیرستان
ولی مسئله دین اینطور نیست چون در تلوزیون و همه جا وجود دارد و تبلیغ میشود
و همانجا هم میبایستی رد شود
هر جایی که دو دو تا میشود 4 تا
باید بتوان گفت اگر دلیل و منطقی پشتش است دو دو تا میشود 5 تا و طرفدارانی
هم دارد
باز هم مغلظه می فرمائید حسام جان

شما چند دانشگاه می شناسید که در آن چندین درس که همه با هم در تضاد هستند در حال تدریس باشد؟

مغلطهء دیگر شما این است که مدام از واژهء "تبلیغ" استفاده می کنید دین مردم ایران اسلام است و برای مثال ، 5 نوبت نماز دارند و طبیعی است که اذان و نماز بطور روزانه پخش میشود یا فرضاً ولادت یا شهادت یکی از ائمه (ع) است و طبیعی است درموردش گفتگویی پخش شود این یک امر بدیهی و طبیعی است که هر کشوری با توجه به اعتقادات و باورهایش برنامه های مشخصی را از تلویزیون پخش میکند

همانطور که شرودینگر توانست ثابت کند یک گربه هم زنده است و هم مرده! و یک پدیده ظاهراً در تضاد با عقل سلیم رو در فیزیک رواج بده شما هم می تونی! دلیلاتون رو بیارید بفرمایید بنا به این دلیلبحث را می پیچانید کجا؟! مجا باید دلایلم را بیاورم؟ فرض کنید من الان با فلان موضوع فیزیک مخالفت دارم خب باید چطور عمل کنم؟ بروم در حضور اساتید فیزیک و این بحث را مطرح کنم یا بروم بین مردم عوام که اطلاع چندانی از فیزیک ندارند؟ به قول خود شما

!کسی که اصل عدم قطعیت هایزنبرگ رو بخواد رد کنه نمیره کلاس دبیرستان

[پست 86]

Reza-D : نویسنده

تاریخ : 19:30 1396/03/07

در زمان گذشته حضرت محمد چرا نرفت با موبدان زرتشتی حرف بزند و صحبت کند و نتیجه برسد بعد در محافل و مردم بگوید؟ مقایسهء زمان پیامبر(ص) با زمان امروز خیلی مقایسهء دقیقی نیست با این حال

اولاً که پیامبر(ص) در ابتدا که بعثت خود را علنی فرمودند ، مورد سوء قصد قرار گرفتند و ترس جان داشتند چرا که اتفاقاً مباحث خود را به گوش بزرگان عرب نیز رسانده بودند و آنها قصد کشتن ایشان را داشتند

ثانیاً در تاریخ پر است از مناظره های پیامبر(ص) و ائمه (ع) با بزرگان ادیان و اعتقادات دیگر

ثالثاً اینطور کلی گویی از یک واقعهء تاریخی شایستهء یک بحث منطقی نیست عین مطلب را بفرمائید تا بررسی شود

انتخاب

تبلیغ

دوستان عزیز ، نظر شما درمورد اجازه دادن به داعش برای تبلیغ و گسترش عقایدش چیست؟

[پست 87]

نویسنده : hessam78

تاریخ : 22:57 1396/03/07

چرا میگوئید یک دختر 9 ساله و یک پسر 15 ساله نمی تواند انتخاب درستی داشته باشد؟
سلام من والا مشکلی با انتخاب ندارم ولی باید آزاد بود هر زمان که انتخابم عوض کنم مثلا

اکثریت مطلق افراد به آن پختگی برای تصمیم گیری نرسیده اند زیاد به سن ربطی نداره ببینید؛ مثلا اسلام رو دین حق تصور کنیم چند میلیارد آدم به تصمیم درست نرسیده اند؟ چند میلیاردشون با داشتن دید نسبت به اسلام بازم انتخاب درستی نکردن؟
حتی من خودم دوستانی که دارم اونایی که سنشون بیشتر هست اصلا اهل تحقیق و شنیدن نظرات تو این زمینه نیستن ی مبحث میدی میگه ول کن حسام! فرضا که ثابت شه دروغ هم باشه چه ضرری کردیم مگه آخرش که میمیریم خلاص میشیم البته 9 سالگی دیگه خیلی زوده

پس چرا وقتی گفته میشود که نشر عقاید بین عوام (که به پختگی در مباحث علمی نرسیده اند) غلط است ، در مقابل این حرف جبهه می گیرید؟
خب آخه وقتی شما میگی به پختگی نرسیده خب دو طرفس من میگم قبول ما پخش نکنیم ولی شما چرا پخش میکنی؟

چطور اگر موضوع نشر اسلام باشد ، از عدم درک دختر و پسر نوجوان صحبت می کنید
من خودم نوجوانم که d:

انتظار دارید همه چیز برای همگان و بدون درنظر گرفتن سن و سال و میزان درک در دسترس باشد؟

خب هم تفکر آتئیستی هم اسلام رو دو تا ایدئولوژی در نظر بگیریم شما بر اساس نتایجی که داشتین این موضوع رو استحصالی کردین که اسلام حقه من خلاف نظر شما رو دستیافتم
شما میگی حرف من یا امثال من اشتباهه مردم پختگی ندارن خب قبول ، چرا حرف شما تبلیغ بشه با اینکه پختگی رو ندارن؟ موضوع فقط عدالت انسانی هستش شما به این نتیجه رسیدین که اسلام حقه و بقیه باطل و مثل داعش و مسموم حالا اگه من به این نتیجه برسم ادیان مسموم هستن نباید این تفکری که شما نسبت به ما دارید رو داشته باشم؟
پس اینجا پای عدالت به میان میاد و مساوات

شما چند دانشگاه می شناسید که در آن چندین درس که همه با هم در تضاد هستند در حال تدریس باشد؟
همین موضوع فرگشت و طراحی هوشمند! هم در دانشگاه هم سمینار

این یک امر بدیهی و طبیعی است که هر کشوری با توجه به اعتقادات و باورهای برنامه های مشخصی را از تلویزیون پخش میکند در کشور های لیبرال و آزاد هر کسی شبکه خود را دارد شما میگویید اذان و امثالهم باید پخش شود من اصلا مخالفی با این ندارم ولی در کنار اذان و آن چیز ها چرا مثلا سمینار های داو کینز پخش نشود؟ هم آنکس که مسلمان است اذان خود را میابد و هم آنکس که نظر دیگری دارد الان اگه داعش بر ایران حاکم بود حق نداشت با توضیحاتتون هم سر بریدن پخش کنه به علت تقویت روحیه جهادی و هم کارای خودشو؟ ی ملاکی باید باشه که دیالکتیک به وجود بیاد و از برخورد نظرات مخالف حق و واقعیت آشکار شه

فرض کنید من الان با فلان موضوع فیزیک مخالفت دارم من بحثم سر اشخاص نیست مثلا اجازه بدهند من بروم تلوزیون صحبت کنم همانطور که در ایران دین داران بزرگی هستن مخالفین بزرگی هم دارن شما اگه فیزیکتون خیلی خوب باشه نظریه میدین در سطح جهانی پخش میشه در حد پروفیسور سمیعی و امثالهم باشه حرفتون تو تلوزیون باید پخش شه در حد استاد دانشگاه باشه تو دانشگاه نظر میدین و الی آخر

خب باید چطور عمل کنم؟ بروم در حضور اساتید فیزیک و این بحث را مطرح کنم یا بروم بین مردم عوام که اطلاع چندانی از فیزیک ندارند؟ ببینید شما این استدالتون اول یقیه شما رو میگیره خب اگر مردم درک درستی ندارن شما چرا از تلوزیون پخش میکنی؟ برنامه دینی؟ یا! شما هم پخش نکن که مساوات رعایت شه، یا بقیه هم پخش کنن دیگه

:به قول خود شما
!!!!همونطور که کسی بخواد اصل عدم قطعیت هایزنبرگ رو ثابت کنه نمیره دبیرستان

[پست 88]
hessam78 : نویسنده
تاریخ : 1396/03/07 23:06

اولاً که پیامبر(ص) در ابتدا که بعثت خود را علنی فرمودند ، مورد سوء قصد قرار گرفتند و ترس جان داشتند همینطور الان افرادی که مخالفت خود را علنی میکنند

چرا که اتفاقاً مباحث خود را به گوش بزرگان عرب نیز رسانده بودند و آنها قصد کشتن ایشان را داشتند اتفاقاً این دوستان هم نظریات رو به گوش بزرگان دین رسوندن و بنا به حکم اشدا بر کفار و قوانین ارتداد قصد کشتن رو داشتن

ثانیاً در تاریخ پر است از مناظره های پیامبر(ص) و ائمه(ع) با بزرگان ادیان و اعتقادات دیگر و همینطور پر است از مناظرات افراد آتئیست با بزرگان و ادیان

ثالثاً اینطور کلی گویی از یک واقعهء تاریخی شایستهء یک بحث منطقی نیست
برای ملموس شدن میزنم
میگم حقی که شما برا خودتون میخواهید برای بنده هم لطفا بخواهید

دوستان عزیز ، نظر شما درمورد اجازه دادن به داعش برای تبلیغ و گسترش عقایدش
چیست؟

آقا رضا یک سوال

شما ی درصد همین الان فکر کن اسلام و دینی که اینجا حاکمه کاملاً باطل و تحجری
1400 سال پیش و عین داعش هستش و حضرت محمد ص هم دروغ گفته
شما فرضاً به این نتیجه می رسید که اسلام باطله چه راهکاری اتخاذ میکنید؟
میگید باید هم‌رنگ جماعت بشم؟ چون اکثراً داعشی هستن پس درسته؟
میگین نظرات مخالف عموم رسانی بشه که تفکر درست در میان عامه به جریان بیفته؟
یا راه حل های دیگه که خودتون بفرمایید
البته با این سیاست بین الملل و وضع معیشتی امکان سفر به کشور آزاد برای
شما تقریباً 0 است

[پست 89]

Freeman : نویسنده

تاریخ : 23:27 1396/03/07

دوستان عزیز ، نظر شما درمورد اجازه دادن به داعش برای تبلیغ و گسترش عقایدش
چیست؟

سلام به همه ی صاحب نظران این تاپیک، بنده در بحث نبودم اما برای این سؤال شما
نظری دارم:

اول از همه اینکه داعش و حامیانش با سواستفاده از قوانین و آزادی بیان در
اروپا متأسفانه مؤفق به تبلیغ و یارگیری شدند که نتایجش حتی دامن خود اروپا
رو هم گرفت، جدای از این بحث سؤال مهم تر اینکه چرا داعش نمی تونه در
کشورهای غیر اسلامی (اروپا یا هر جای دیگه) قدرتی که در عراق و سوریه داره
بدست بیاره ؟ با وجود سواستفاده ای هم که از فضای باز تبلیغات در آنجا کردند؟
پاسخش مشخصه اول از همه عقاید داعش مقبولیت قبلی و عمومی در اونجا نداره ! و
از طرفی هم مخالفان داعش می تونن روشن گری کنن

حالا میرسیم به قسمت دوم صحبتیم، چرا داعش توانست در عراق و سوریه این همه علیه
شیعه قدرت بگیره؟ یا در عربستان چرا متعصبین ضد شیعه این همه قدرت دارن و عوض
هم نمیشن؟ (اصلن کاری به غیر مسلمانان و بی دین ها هم فعلن ندارم فقط میخوام
(همین اختلافات موجود بین خود مسلمانان رو بررسی کنم)

پاسخ این علت به همون دوتا مورد برمی گرده! یعنی مقبولیت این عقاید از قبل، و
ممنوعیت تبلیغ دیگر عقاید در عربستان ، مثلن فرض کنید عربستان حکومتی داشت که
به عقاید دیگر آزادی و اجازه ی تبلیغ میداد و شیعیان می تونستن فعالیت کنن،
آیا مردم عربستان دیگر مثل امروز بودند؟! اصلن داعشی وجود داشت؟! چه بسا خیلی
ها شون هم شیعه میشدن! اما حکومت عربستان جز عقیده ی افراطی و وهابی خودش هیچ
!چیز دیگه رو قبول نداره

حالا شما این بحث رو تعمیم بدید به دیگر عقاید و زمان ها و مکان ها، که مورد و
مثال هم زیاد میشه زد در تاریخ
...مثل اعمال نازی ها در اروپا و غیره
ریشه ی داستان ولی برمی گرده به همین

[پست 90]

Reza-D : نویسنده

تاریخ : 23:47 1396/03/07

من خودم نوجوانم که
-@} و از نظر من یک نوجوان دوست داشتنی و عزیز
نقل قول ها زیاد شده و به نظرم اینطوری بحث ها قاطی میشوند

من یک توضیح کلی عرض میکنم
ببین حسام عزیز ، گاهی من مقدمهء درستی را بیان میکنم اما به نتیجه ای اشتباه
میرسم
مقدمهء شما در این مورد که فرضاً یک نوجوان بطور معمول آنقدر پخته نیست که
انتظار داشته باشیم دین انتخاب کند
یا امثال اینها مقدمه هایی است با منطق که میشود روی آن بحث کرد. حالا یا درست
خواهد بود یا اشتباه
ولی به هر حال ارزش بحث کردن و پرداخته شدن را دارد

اما اینکه انتظار داشته باشیم به هر عقیدهء مخالفی اجازهء صحبت در هر جا و
مکانی داده شود انتظار به جایی نیست
سال ها پیش مردم به "جمهوری اسلامی" رای دادند و قانون اساسی برای این کشور
تنظیم شده
موازینی برای آن تعریف شده و یک سری باورها و اعتقادات برای مردم و مسئولینش
ارزشمند شده است
لذا نباید صرفاً با احساسات تمام اینها را رد کرد

از طرف دیگر با بخشی از حرفهای شما موافق هستم. اینکه اجازه بدیم در چهارچوب
علمی حرف های مخالف شنیده شود
خب من با این نظر شما تا حد زیادی موافقم و شاید فقط در جزئیات و چگونگی ،
اختلاف نظر داشته باشیم
ولی انتظار دارم جانب انصاف را رعایت کنید (که البته در این تاپیک ندیدم نظر
(غیرمنصفانه بدهید)

در چند پست قبل گفتم که همین سایت اسک دین خود نمونه ای از آزادی بیان و
عقیده است:

آیا واقعاً بجز اسلام فقط یک گزینه وجود دارد و آن هم سکوت است؟
آیا شما برادر گرامی ، جناب حسام ، جناب پارسامهر و در تاپیک های دیگری
.....جنابان آبرنگ ، آرمان دانشجو و
دین را به چالش نکشیده اید؟ سوال نپرسیده اید؟ عقاید خود را مطرح نکرده اید؟
چند تاپیک در همین سایت وجود دارد که تمامش پرسش از مذهبی هاست؟

آیا افراد نمی توانند همین گفتگوها را ببینند و انتخاب کنند که کدامیک بر حق
است؟
آیا سخنان شما فیلتر شده؟ آیا مباحث از روی سایت برداشته شده؟
پس اینکه بیائیم جوری وانمود کنیم که هیچگونه آزادی وجود ندارد دور از انصاف
است
همین سایت روزانه صدها و بلکه هزاران بازدید کننده دارد و بحث ها هم بدون
هیچگونه فیلتر قابل بازدید است

پس تا اینجا چند نتیجهء کلی حاصل شد که در پست بعدی جمع بندیش را عرض میکنم

=====

[پست 91]

(a.p) نویسنده : علی پارساپور
تاریخ : 23:48 1396/03/07

ما هم گفتیم که جبر خواه ناخواه وجود خواهد داشت
شما اگر در قوم عرب به دنیا بیائید یک سری رسوم برایتان با ارزش خواهد بود
و اگر در قوم لر به دنیا بیائید یک سری رسوم دیگر
در آمریکا به دنیا بیائید یک سری ارزش ها پررنگ تر است. در انگلستان یک سری
دیگر ، در افغانستان یک سری دیگر ، در ایتالیا ، آفریقا و.... به همچنین

بله جبر وجود دارد

مثلا انسان به طور جبری با اکسیژن و آب زنده است

مثالی بزنم

ما مجبوریم غذا بخوریم

اما نوعش را خود انتخاب می کنیم

باید آب بنوشیم ولی خودمان در نوشیدن آب تصفیه شده یا آب رود خانه مختاریم

می توانیم به جای آب چایی، یا قهوه بنوشیم

ژنتیک من نوعی هم جبريست

قسمتی از فرهنگ هم جبريست

اما هر دو می توانند بهتر شوند

در گذشته و در حال حاضر افراد جامعه با ازدواج های فامیلی فرزندان ضعیف به
وجود آورده اند

اما می توان با مشاوره ی ژنتیک قبل از ازدواج فرزندان سالم تری داشته باشیم

در صورت ازدواج فامیلی، به طور جبری کیفیت زندگی فرزند را کم نموده ایم

یا در مورد فرهنگ، زمانی بانوان حق تحصیل نداشتند اما در حال حاضر به دانشگاه

می روند

فرض کنید به شما در جهانی که در حال تغییر و بهبود است بگویند تا آخر عمرت به

خاطر تفکر والدینت باید به طور خاصی فکر کنی آیا این صحیح است

اگر نخواستی ساکت باش

حرفی هم درباره ی تغییر تفکرت بیان کنی عقاب در انتظار توست

درمورد پایین بودن سن برای این تشخیص من هم با شما موافقم

اینکه میگوئیم دختر یا پسر تا این سن باید انتخاب کنند ، به نظرم انتظار به
جایی نیست

اما سوالی از شما دارم امیدوارم منصفانه پاسه بفرمائید

چرا میگوئید یک دختر 9 ساله و یک پسر 15 ساله نمی تواند انتخاب درستی داشته
باشد؟

آیا غیر از این است که منظورتان این بوده که در این سن ، اکثریت مطلق افراد
به آن پختگی برای تصمیم گیری نرسیده اند؟

پس چرا وقتی گفته میشود که نشر عقاید بین عوام (که به پختگی در مباحث علمی

نرسیده اند) غلط است ، در مقابل این حرف جبهه می گیرید؟

چطور اگر موضوع نشر اسلام باشد ، از عدم درک دختر و پسر نوجوان صحبت می کنید

اما وقتی موضوع درمورد نشر خلاف اسلام باشد ، انتظار دارید همه چیز برای همگان

و بدون در نظر گرفتن سن و سال و میزان درک در دسترس باشد؟

باید توجه داشت باشید، اکثریت مردم هنگام برگزیدن عقیده ای

همچون اسلام، علم اجمالی ای در مورد آن از طریق منابع مختلف بدست می آورند

ولی مشکل در عدم دسترسی به تمام منابع است

نگاه کنید در گذشته، من از سرویس وبلاگ بلاگفا استفاده می کردم، از انتخابم دست

و میهن بلاگ، تا رسیدم به وردپرس VCP کشیده و بعد

یعنی اگر انتخابی می کنید باید توانست از آن برگشت
یعنی منی که در ۱۴ سالگی با منابع محدودم اسلام را برگزیدم
باید حق برگزیدن راه دیگر را داشته باشم ولی ندارم
مشکل این است که اگر انتخاب شد راه برگشت نیست
باید جبر مکتبی برداشته شود و هرکس عقیده ای دارد بتواند ابراز نماید

سوال دیگری هم از شما دارم
اینکه میگوئید چرا بعضی سایت ها را فیلتر می کنند ، دلیلش این است که آن سایت
ها معمولاً متکلم وحده هستند
یک کسی سایت می زند و همینطور اسلام را به باد انتقاد می گیرد. کجای این کار
شبیه بحث علمی است؟

،چرا بحث علمی
همانطور که مردم برای انتخاب دین اسلام به طور تخصصی
ادبیات عرب، فقه، اصول، کلام را فرا نمی گیرند بین منابع مختلف می گردند و با عقل
و با مشورت مسیری را انتخاب می کنند
و پشتیبانان به انتخابشان، توانایی برگزیدن و انتخابی دیگر باید باشد
که متأسفانه در اسلام چنین نیست
البته این مشکل با جدایی دین از سیاست و اجازه ی بیان نظرات و نقد ها حل می
شود

اما آیا واقعاً بجز اسلام فقط یک گزینه وجود دارد و آن هم سکوت است؟
آیا شما برادر گرامی ، جناب حسام ، جناب پارسامهر و در تاپیک های دیگری
.....جنابان آبرنگ ، آرمان دانشجو و
دین را به چالش نکشیده اید؟ سوال نپرسیده اید؟ عقاید خود را مطرح نکرده اید؟
چند تاپیک در همین سایت وجود دارد که تمامش پرسش از مذهبی هاست؟

من و امثال من
حق خود را به اجرا گذاشته ایم
این دین ادعای بهترین بودن را دارد
باید کلی نگاه کرد
ببینید ایران وطن ماست
در عمل ما حق داریم بدانیم
چرا اسلام بر ما حاکم است
آزادی در اندیشه که ، برایمان میسر نیست، چرا
چون برای رشد در صورتی که پول نداری
راه حل
تحصیل یا کار آزاد (مثلا کارگری) است
برای تحصیل از نوع دولتی (روزانه) نباید منتقد باشی، اگر نه برخورد می شود
شما می گوئید اسلام را به چالش کشیدید این برایتان کافیست
نه کافی نیست
این مباحث در صورتی ارزش دارند، که بالفرض وقتی من منتقد قرآنم جوابی
نگرفتم (جوابی قانع کننده ندادند) باید بتوانم تغییر مسیر و دلایلش را بیان
نمایم
ولی اجازه نمی دهند
شما اگر انتقادی به چرایی اعمال رهبر نمایید چه می شود
حالتان گرفته می شود
باید همه بتوانند نظراتشان را مانند روحانیت در تریبون بیان کنند
چرا با شخص منتقد مثل مزاحم رفتار پی شود
در حال حاضر اکثراً با ترس برخورد ظالمانه سکوت می کنند

چون معتقد به اسلام تفکرش را بهترین و خلافتش را تحمل نمی کند

آیا افراد نمی توانند همین گفتگوها را ببینند و انتخاب کنند که کدامیک بر حق است؟

خیر، زیرا اگر فرزند یک مسلمان باشی در عمل جز اسلام یا سکوت انتخاب دیگری نداری و در غیر این صورت (فرزند مسلمان نباشی) با انتخاب اسلام حق تغییرش را نخواهی داشت

آیا سخنان شما فیلتر شده؟ آیا مباحث از روی سایت برداشته شده؟

من با ملاحظه و با ترس و لرز نظرم را در اینجا بیان نموده ام
شما به گمانم می دانید که اوضاع چگونه است
در ضمن

این سایت با پول ملت است و چنین حقی ندارند، و اگر هم بکنند دست ما با فناوری باز و منتقد با مسیری دشوار حرفش را می زند البته بدون دلخواه امثال مدیران سایتی مثل اسک دین

[پست 92]

نویسنده : و طاها

تاریخ : 23:49 1396/03/07

ظاهرا حکم اعدام مرتد، مبنای قرآنی دقیق و محکمی ندارد و ریشه اصلی این حکم از روایات نشئت می گیرد.

از طرفی حکم اعدام مرتد، ظاهرا از احکام ضروری دین نیست و نیازمند اجتهاد است. پس نمی توان فردی که منکر چنین حکمی است را مرتد دانست.

از طرفی باید دید این حکم اعدام بر اساس روایات متواتر به دست آمده یا اخبار واحد؟

از سوی دیگر باید به این مطلب فکر کرد که اگر مجتهدی به حکمی شرعی غیر ضروری دین، دست یافت. آیا حق دارد آن را بر سایر مسلمانان پیاده کند؟ به عبارتی آیا مسلمانان حق دارند اجتهادهای خود را به دیگران تحمیل کنند؟ یا اینکه هر مسلمانی باید به اجتهاد مسلمانان دیگر احترام بگذارد؟

باز باید توجه کرد که آیا حکم شرعی که ظنی است (به خاطر اینکه اخبار واحد ظنی هستند) به ما این اجازه را میدهد که با استناد به آن، جان یک نفر را بگیریم؟ و اینکه می گویند با وجود شبهه نباید حدود را اجرا کرد، می تواند در این بحث جایی داشته باشد؟

و باز باید بررسی کنیم که اگر اجتهادها نتوانند به یکدیگر زور بگویند پس باید قانون را چگونه وضع کرد که اجتهادها نتوانند تحمیلی و جبری باشند؟ آیا باید اقلیت تابع اکثریت باشند؟ یا اکثریت حافظ جان اقلیت باشند اگر چه خلاف اجتهاد آنها (اعدام مرتد) باشد؟

از آن طرف مسلمانان می توانند راههایی برای رهایی مرتدین از اعدام مطرح کنند

مثلا منکر حکم اعدام در اسلام شوند و خود را به عنوان یک اجتهاد در میان مسلمانان مطرح کنند.

. این ها یک سطح از مسئله است

اما در سطحی دیگر خود این افرادی که می گویند ما آزاد نیستیم مرتد شویم و دین خودمان را ترویج کنیم. آیا حاضر می شوند ادیانی که فکر می کنند باطل هستند، دست به ترویج بزنند؟ مثلاً مسیحیان را فرض کنید آیا حق می دهند که داعش و وهابیت و بودا و ... در میان مسیحیان دست به ترویج اعتقادات خودشان بزنند؟ اگر چنین حقی نمی دهند پس باید انصاف بدهند که مسلمانان به این مسئله اولی هستند زیرا مبنای اعتقادات و جهان بینی مسلمانان اصلاً با کفر و باطل سازگار نیست. اگر مسیحیت چهره رحمانی دارد اسلام هم چهره رحمانی دارد و هم جهاد و ... شهادت

بله ممکن است مسیحیت اشکالش به اصل قضیه نباشد. یعنی قبول کند که نباید ... دینهای باطل تبلیغ کنند اما به نوع مجازات اشکال داشته باشد مثلاً بگویند مرتد را نباید اعدام کرد ... باید از تبعید و زندان و جزای ... نقدی و ... استفاده کرد نه اعدام که این بحث دیگری میشود ... و سوال میشود که چرا جزای ارتداد اعدام است؟ آیا این جزا تناسبی با آن جرم دارد؟

شاید مرتدین بگویند دعوت و تبلیغ باید برای هر تفکری آزاد باشد و فرقی میان داعش و القاعده و پروتستان و بودا و وهابی و سنی و شیعه نیست ... شاید آنها بگویند درست است که ما می دانیم فلان دین و فلان دین باطل هستند اما حق نداریم ... جلوی تبلیغ آنها را بگیریم اما معلوم نیست که دلیل آنها چیست؟ چرا دینی که می دانند باطل است را آزاد می گذارند؟ عقل و وجدان اجازه نمی دهد جلوی دین های باطل را آزاد بگذاریم شاید آنها خودشان به باطل بودن ادیان دیگر و حق بودن دین خودشان، ایمان ندارند ... و به همین خاطر حاضر می شوند هر باطلی رشد کرده و خود را تبلیغ کند ... شاید هم دلیل دیگری دارند که باید خودشان توضیح دهند مثلاً شاید می ترسند از حقیقت دفاع کنند ... مثلاً می گویند اگر من جلوی دیگران را بگیریم و آنها هم جلوی من را بگیرند، درگیری و نزاع میشود پس بهتر است بگذاریم آنها با باطل خودشان خوش باشند و ما با حق خودمان ... در واقع جان و امنیت خود را مقدم بر اعتقادات خود می دانند و به عبارت دیگر اعتقادات آنها ... واقعا اعتقادات نیست

البته این ترس می تواند پا را فراتر بگذارد ... مثلاً بگویند هر کس دین خودش را داشته باشد و کسی با کسی نزاع نکند مگر ادیانی که قصد دارند ادیان دیگری که به نظرشان باطل است را سرکوب کنند در اینجا عموماً ادیانی مثل اسلام که روحیه جهادی دارند و باطل را بر نمی ... تابند، مورد حمله قرار می گیرند زیرا این ادیان (مثل اسلام) به باطلی که شناخته اند، حق آزادی نمی دهند .. اما ادیان دیگر به باطلی که شناخته اند، حق آزادی می دهند

پس کسانی که مخالف برخورد با باطل هستند باید بگویند چرا مخالف اند؟ شاید به باطل بودن سایر ادیان و حق بودن خودشان ایمان ندارند و می ترسند ... برای نابودی باطل هزینه کنند

[پست 93]

Reza-D : نویسنده

تاریخ : 23:55 1396/03/07

.....

به نظرم بیشترین مطلبی که مد نظر شما و دوستان دیگر است، تبلیغ علنی است برای سایر ادیان و اعتقادات

خب من با این موضوع تا حدودی موافقم. مثلاً الان گفته میشود که یکی از نگرانی ها این است که ممکن است این عقاید برای افراد کم سواد تبلیغ بشود من قبول دارم ، اما به نظرم میشود یک کانال برای هدایت این موضوع در نظر گرفت

مثلاً بیائیم اعلام کنیم که فلان سایت برای افرادی که مخالف با اسلام هستند وجود دارد

افراد می توانند در این سایت با کارشناسان مناظره کنند و نتایج هم برای عموم قابل دسترس است

ولی اگر کسی خارج از این چهارچوب فعالیتی انجام بدهد آن وقت با او برخورد میشود

[پست 94]

Reza-D : نویسنده

تاریخ : 1396/03/08 00:04

فرض کنید به شما در جهانی که در حال تغییر و بهبود است بگویند تا آخر عمرت به خاطر تفکر والدینت

باید به طور خاصی فکر کنی آیا این صحیح است

نه صحیح نیست

اما فکر میکنم منظور مرا از جبر دقیق برداشت نکردید

به همان نسبتی که ممکن است شما فکر کنید والدینتان دارند اشتباه می کنند

آنها نیز احتمالاً عقیده خواهند داشت که شما اشتباه میکنید

آیا هیچ راهنمایی به فرزندتان نمی کنید؟

هیچکدام از چیزهایی که بلد هستید را به او یاد نمی دهید؟

مثالی برای شما می زنم. وقتی کودک 7 ساله میشود ما او را به مدرسه می بریم ، درست است؟

حالا فرض کنید فرزند شما 20 ساله میشود و به شما میگوید چرا مرا به مدرسه

بردید؟ من می خواستم وارد بازار بشوم اما شما مرا به زور به سمت درس کشانید

چه پاسخی برای فرزندتان دارید؟

و مهمتر اینکه راهکار شما برای اینکه از این به بعد کودکی بعد از رشد به

والدینش اعتراض نکند ، چه خواهد بود؟

[پست 95]

hessam78 : نویسنده

تاریخ : 1396/03/08 00:06

و از نظر من یک نوجوان دوست داشتنی و عزیز

لطف دارید

آیا واقعاً بجز اسلام فقط یک گزینه وجود دارد و آن هم سکوت است؟

آیا شما برادر گرامی ، جناب حسام ، جناب پارسامهر و در تاپیک های دیگری

.....جنابان آبرنگ ، آرمان دانشجو و

دین را به چالش نکشیده اید؟ سوال نپرسیده اید؟ عقاید خود را مطرح نکرده اید؟

چند تاپیک در همین سایت وجود دارد که تمامش پرسش از مذهبی هاست؟

!خب این دیگه شیر تخلیه هستش

الان شما اصلاً جواب ندین! سایت های پاسخگویی رو ببندین منم هیچ مخالفتی ندارم ولی از درون متلاشی میشه! از درون انفجار رخ می ده من اتفاقاً میگم ببندین که دیگه کار راحت تر شه! چون مطمئناً درصد افراد آتئیسی که جواب قانع کننده بگیرن بسیار کمه
همونطور مثل شاه که هر چقدر خوب بود استبدادش حکومتش رو فنا داد

پس اینکه بیائیم جوری وانمود کنیم که هیچگونه آزادی وجود ندارد دور از انصاف است
مقدار کمی از آزادی وجود دارد! که آن هم بخاطر سیاست برد خودشان است اگه آن را ببندن به حد احتراق می رسد

آیا افراد نمی توانند همین گفتگوها را ببینند و انتخاب کنند که کدامیک بر حق است؟
آقا رضای دوست داشتنی
من هم همینو میگم
شما تو تلوزیون 10 عالم بزرگ شیعی بیاورید 2 تا آتئیست بزرگ اصن تعداد عالم های شیعی بیشتر من قبول دارم
مناظره کنند با هم! وقت داشته باشن شواهد رو عرضه کنند

[پست 96]
Reza-D : نویسنده
تاریخ : 00:17 1396/03/08

چرا داعش نمی تونه در کشورهای غیر اسلامی (اروپا یا هر جای دیگه) قدرتی که در عراق و سوریه داره بدست بیاره؟ با وجود سواستفاده ای هم که از فضای باز تبلیغات در آنجا کردند؟ پاسخ مشخصه اول از همه عقاید داعش مقبولیت قبلی و عمومی در اونجا نداره! و از طرفی هم مخالفان داعش می تونن روشن گری کنن سوال من چیز دیگری بود ولی شما بحث ثانوی را مطرح فرمودید بنده پرسیدم نظرتان درمورد اجازه دادن به داعش برای تبلیغ نظراتش چیست؟

اما پاسخ شما
فرمودید چرا داعش نتوانست در کشورهای غیراسلامی قدرتی به دست بیاورد؟ این موضوع نیاز به ریشه یابی و بررسی دارد که اصلاً داعش از کجا سرچشمه گرفته و چه کسانی پشت آن قرار دارند
آیا برای آنها نیازی وجود داشته که بخواهند جنگ را به اروپا بکشانند؟ مهمترین ادعای داعش مبارزه با شیعیان است و بدیهی است که به سمت شیعیان هجوم بیاورند

با این توضیحات می خواهید این را بگوئید که چون در کشورهای اروپایی آزادی بیان هست، این زادی بیان می تواند جلوی خیلی از مسائل را بگیرد یا بهتر است بگوئیم جلوی دورو بازی و ریاکاری را بگیرد چون پای عموم به میان میاید

بله تا حدی با شما موافقم و نمونه ای عرض میکنم
مثلاً در بیشتر کشورها این خود مردم بودند که از نمایندگانشان خواستند تا اطلاعاتشان را بطور شفاف بیان کنند یا در دسترس قرار بدهند

و چون آزادی بیان بود ، این کمپین ها شکل رسمی به خود گرفت و در نتیجه الان بصورت یک الزام برای مسئولین درآمده است به عبارتی شده یک پلیس مجازی که ناظر بر کار خیلی از مسئولان است اما در ایران اگر شما اسم کمپین بیاوری سریع برچسب محارب میخوری و... خلاصه بیخیال بشوی بهتر است!

ولی برادر عزیز ، مگر چندین کشور از جمله آمریکا و انگلستان به عراق حمله نکردند به بهانه وجود سلاح هسته ای؟ مگر بعد از کشتن صدها هزار انسان ، خیلی ریلکس نیامدند و گفتند: "بخشید !!!" اشتباه شده بود خب بفرمائید افکار عمومی و آزادی بیان چرا نتوانست جلوی این اتفاق تلخ را بگیرد؟

[پست 97]

Reza-D : نویسنده

تاریخ : 1396/03/08 00:34

مقدار کمی از آزادی وجود دارد موافق نیستم فرض کنیم شما می خواهید عده ای را به تفکر خود دعوت کنید و البته انسان منصفی هم هستید به آنها بگوئید تشریف بیاورند در همین سایت و مناظرات را بخوانند و نتیجه گیری کنند (البته بدون القاء نظر خب؟ مشکلش چیست؟ جلوی شما گرفته میشود؟ اصلاً کسی می فهمد شما چنین کاری کرده اید؟

اما یک نکته هم عرض کنم برادر عزیز ببین حسام جان ، همانطور که گفتم هر کشوری قوانین و مقررات خودش را دارد تعریف آزادی در ایران با تعریف آزادی در عربستان با تعریف آزادی در فرانسه و... متفاوت است

مثلاً شراب خوردن در کشورهای غربی در صورتی که باعث بروز مشکل بشود ممنوع (است) (مثلاً رانندگی در حال مستی ولی در ایران خود شراب ممنوع است. حتی خرید و فروشش پس شما برای بیان بایدها و نبایدهای اجتماعی ، به قوانین آن کشور و باورهای مردم آنجا نیز نگاه بیندازید نه اینکه صرفاً یک سری حرف بصورت تئوری مطرح کنید ، و سایر مسائل را نادیده بگیرید

مناظره کنند با هم! وقت داشته باشن شواهد رو عرضه کنند موافقم این حرف را سال ها پیش شهید مطهری گفته بودند که به مارکسیست ها (آن زمان این عقیده طرفدارانی داشت) تریبون آزاد بدهید آنها عقایدشان را میگویند ، ما هم میگوئیم. جوانان خودشان انتخاب کنند

[پست 98]

hessam78 : نویسنده

تاریخ : 1396/03/08 00:41

موافقم

این حرف را سال ها پیش شهید مطهری گفته بودند که به مارکسیست ها (آن زمان این عقیده طرفدارانی داشت) تریبون آزاد بدهید آنها عقایدشان را میگویند ، ما هم میگوئیم. جوانان خودشان انتخاب کنند خب من دیگه با نظرات شما در این قسمت مخالفتی ندارم عمده مشکل من بر سر همین تلوزیون و تریبون ها و عرضه شواهد هستش که شما هم قبول دارید

جناب مطهری این جمله شان بسیار درست است

ولی در عمل در سال 67 فردی که اگر از او می پرسیدند مارکس کیست مارکسیست چیست! هیچی نمیدانست اما در بغل یک کتاب کاپیتال داشت اعدامش قطعی بود

در شعار ها هم بسیاری از مواقع خوب حرف میزنند مانند سخنرانی رهبر که گفتندهرکسی با بنده مخالفتی کند نباید برخورد شود! ولی در عمل

[پست 99]

Freeman : نویسنده

تاریخ : 1396/03/08 01:12

سوال من چیز دیگری بود ولی شما بحث ثانوی را مطرح فرمودید بنده پرسیدم نظرتان درمورد اجازه دادن به داعش برای تبلیغ نظراتش چیست؟

اما پاسخ شما

فرمودید چرا داعش نتوانست در کشورهای غیراسلامی قدرتی به دست بیاورد؟ این موضوع نیاز به ریشه یابی و بررسی دارد که اصلاً داعش از کجا سرچشمه گرفته و چه کسانی پشت آن قرار دارند آیا برای آنها نیازی وجود داشته که بخواهند جنگ را به اروپا بکشانند؟ مهمترین ادعای داعش مبارزه با شیعیان است و بدیهی است که به سمت شیعیان هجوم بیاورند

با این توضیحات می خواهید این را بگوئید که چون در کشورهای اروپایی آزادی بیان هست ، این زادی بیان می تواند جلوی خیلی از مسائل را بگیرد یا بهتر است بگوئیم جلوی دورو بازی و ریاکاری را بگیرد چون پای عموم به میان میاید

بله تا حدی با شما موافقم و نمونه ای عرض میکنم مثلاً در بیشتر کشورها این خود مردم بودند که از نمایندگانشان خواستند تا اطلاعاتشان را بطور شفاف بیان کنند یا در دسترس قرار بدهند و چون آزادی بیان بود ، این کمپین ها شکل رسمی به خود گرفت و در نتیجه الان بصورت یک الزام برای مسئولین درآمده است به عبارتی شده یک پلیس مجازی که ناظر بر کار خیلی از مسئولان است اما در ایران اگر شما اسم کمپین بیاوری سریع برچسب محارب میخوری و... خلاصه !بیخیال بشوی بهتر است

ولی برادر عزیز ، مگر چندین کشور از جمله آمریکا و انگلستان به عراق حمله نکردند به بهانه وجود سلاح هسته ای؟

مگر بعد از کشتن صدها هزار انسان ، خیلی ریلکس نیامدند و گفتند: "بیخشید !!!" اشتباه شده بود

خب بفرمائید افکار عمومی و آزادی بیان چرا نتوانست جلوی این اتفاق تلخ را بگیرد؟

خوش حالم که حداقل بخشی از فواید آزادی بیان غربی رو پذیرفتید، قطعن این تاپیک بحث سیاست های پشت پرده درباره ی تشکیل داعش نیست، اما در هر حالتی که

حساب کنید اون دو عامل داخلی (یعنی مقبولیت قبلی و عمومی و مسئول بودن حکومت و سیاست داخلی کشوری مثل عربستان) قابل انکار نیست و باید همه ی جوانب رو نگاه کرد و داعش هم با سوارشدن بر روی عقاید خود مردم به این مرحله رسید ولی صحبت شما این بود که در دفاع از عدم آزادی یا حالا تبلیغ عقاید (هر اسمی که دوست دارید بذارید) از داعش به عنوان مثال نقض استفاده کردید، ولی آیا هر گردی، گردو هست؟! و اینکه آیا شخص قاتلی که در زندان هست با شخصی صرفن بخاطر بدشانسی و بدهکاری در زندان هست، یکی هستند؟! بگوییم هر دوی این ها حق حیات ندارند؟ در حالی که هر دو هم زندان هستند!

مثال دیگر اگر هیتلر و نازی ها پیروز جنگ جهانی دوم بودند داعش که هیچ، حتی گروهی که در خیال شون هم فکر یک ده هزارم داعش رو هم داشتند اصلن به وجود نمی اومدن، اما آیا این علت باید باعث بشه که بگیم هیتلر و نازی ها چقدر خوب بودن؟ دست شون هم درد نکنه جنایت کردن!

یا الان در کره ی شمالی که حکومتی دیکتاتور و بی رحم داره و مردم شون کمترین امکانات زندگی مدرن رو هم ندارند و کلی فقیر و گرسنه هم داره، داعش هیچ نفوذ و قدرت تبلیغاتی در اونجا نداره! پس باید بگیم حکومت کره ی شمالی برترین حکومت تاریخ بشریت هست!

صحبتم اینه که یک مثال جزئی که کلی علت دیگه ای هم داره نمی شه ازش نتیجه گیری کلی گرفت

[پست 100]

Reza-D : نویسنده

تاریخ : 01:26 1396/03/08

خوش حالم که حداقل بخشی از فواید آزادی بیان غربی رو پذیرفتید
نپذیرفتم. از قبل اعتقاد داشتم

ولی صحبت شما این بود که در دفاع از عدم آزادی یا حالا تبلیغ عقاید (هر اسمی که دوست دارید بذارید) از داعش به عنوان مثال نقض استفاده کردید، ولی آیا هر گردی، گردو هست؟! احسنت به شما
خب بفرمائید چه کسی تعیین میکند کدام گرد، گردو است و کدام نیست؟
ببینید براد، حرف من این است که شما و بنده و دیگران، هیچ چاره ای نداریم
مگر اینکه در لحظه، به عقیده ای پایبند باشیم
و از طرفی در یک جامعه نیز چاره و گریزی از این نیست که قوانینی حاکم باشد

وقتی داعش می خواهد مثلاً در آلمان تبلیغ کند، جلوی آنها گرفته میشود
حال این موضوع دو سمت دارد

یک طرف داعش که خود را بر حق می داند
طرف دیگر دولت آلمان که خود را بر حق می داند

شما خود را بجای داعش (البته به دور از شخصیت شما) بگذارید - 1.
از نظر یک داعشی این خلاف آزادی بیان است که به او اجازه تبلیغ اعتقاداتش را
نمی دهند

این بار خود را بجای مسئول کشور آلمان بگذارید - 2.
از نظر شما اعتقادات داعش خطرناک است و نباید نشر داده شود

خب شما حق را به چه کسی می دهید و چرا؟

فقط حق را به هر کسی که خواستید بدهید ، قبل از آن خودتان را بجای طرف مقابل بگذارید

[پست 101]

نویسنده : Freeman

تاریخ : 01:33 1396/03/08

خب شما حق را به چه کسی می دهید و چرا؟
فقط حق را به هر کسی که خواستید بدهید ، قبل از آن خودتان را بجای طرف مقابل بگذارید

مشخصه حق با دولت آلمان و مخالفان داعش هست
اونی که آدم کش و ظالم هست بر حق نیست و نباید تبلیغ کنه همون طور حزب نازی در اروپا بعد جنگ جهانی دوم بطور کامل ممنوع شد چون که تبلیغ به وحشی گری و آدم کشی می کردن
اون داعشی هم مثل یک (زامبی) هست دیگه ذهنش مسموم شده خودمون هم جای اون بذاریم فرقی به حال قضیه نداره
اما مهم تر از همه اینه که چرا اون فرد داعشی به وجود اومده؟! در واقع بحث اصلی اینه که موضوع تاپیک و اینجا نیست

[پست 102]

نویسنده : Reza-D

تاریخ : 02:03 1396/03/08

مشخصه حق با دولت آلمان و مخالفان داعش هست
اونی که آدم کش و ظالم هست بر حق نیست و نباید تبلیغ کنه
خب قرار شد خود را بجای آن داعشی قرار بدهید و از دید او نگاه کنید در این صورت می بینید که از نظر شما (بجای آن داعشی) این موضوع یعنی اینکه شما بپذیرید که آدم کش و ظالم هستید!
!از نظر شما آدم کشی بد است ، درحالیکه از نظر داعشی ها خوب است

به همین نسبت از نظر یک جامعه دینی فرضاً همجنس بازی بد است در حالیکه ممکن است در جامعه دیگری همجنس بازی خوب باشد یا لاقبل بد نباشد

حالا چه کسی تعیین کرده که حق با کدام طرف است؟
اینجا چاره ای جز این نیست که برای خود یک معیار داشته باشیم همان جامعه ای که میگوید آزادی بیان محترم است (مثلاً آلمان) ، اگر گروهی مثل داعش با معیارهایش در تعارض باشد ، دیگر به آنها آزادی نخواهد داد پس چطور اگر یک جامعه اسلامی ، اگر آزادی افراد مخالف با معیارهایش را بگیرد ، به او خرده می گیرند؟

برادر عزیز ، چیزی به اسم آزادی مطلق دروغی بیش نیست و صرفاً جنبه تبلیغاتی دارد

تفاوت عمده ما مسلمانان هم با آنها فقط یک چیز است
اینکه معیار ما قوانین الهی است و معیار آنها قوانین بشری وگرنه بلا استثنا مردم موظف هستند از یک قانون پیروی کنند ، ولو با آن مخالف باشند

[پست 103]

(a.p) نویسنده : علی پارساپور
تاریخ : 09:48 1396/03/08

نه صحیح نیست

اما فکر میکنم منظور مرا از جبر دقیق برداشت نکردید
به همان نسبتی که ممکن است شما فکر کنید والدینتان دارند اشتباه می کنند
آنها نیز احتمالاً عقیده خواهند داشت که شما اشتباه میکنید

آیا هیچ راهنمایی به فرزندتان نمی کنید؟
هیچکدام از چیزهایی که بلد هستید را به او یاد نمی دهید؟
مثالی برای شما می زنم. وقتی کودک 7 ساله میشود ما او را به مدرسه می بریم ،
درست است؟

حالا فرض کنید فرزند شما 20 ساله میشود و به شما میگوید چرا مرا به مدرسه
بردید؟ من می خواستم وارد بازار بشوم اما شما مرا به زور به سمت درس کشانید

چه پاسخی برای فرزندتان دارید؟
و مهمتر اینکه راهکار شما برای اینکه از این به بعد کودکی بعد از رشد به
والدینش اعتراض نکند ، چه خواهد بود؟

به او خواهم گفت ،فرزندم هنوزم دیر نشده
اگر دنبال کار آزاد هستی ما از تو برای تغییر مسیرت حمایت کرده و به
انتخابت احترام می گذاریم
در ضمن میزانی از تحصیلات قانوناً برای همه اجباریست
و نمی توان فرد بی خواندن و نوشتن دنبال کاری برود
منتها در میزان تحصیل که تا دیپلم یا لیسانس ادامه دهد فرد مختار است

حالا چه کسی تعیین کرده که حق با کدام طرف است؟
اینجا چاره ای جز این نیست که برای خود یک معیار داشته باشیم
همان جامعه ای که میگوید آزادی بیان محترم است (مثلاً آلمان) ، اگر گروهی مثل
داعش با معیارهایش در تعارض باشد ، دیگر به آنها آزادی نخواهد داد
پس چطور اگر یک جامعه اسلامی ، اگر آزادی افراد مخالف با معیارهایش را
بگیرد ، به او خرده می گیرند؟

اولاً از لحاظ عقلی اجبار افراد در محدود کردن انتخاب بین چند گزینه ی محدود
برای تفکر قطعاً صحیح نیست
جامعه ای رشد می کند که اجازه ی تعامل و نقد را بدهد

موادی از اعلامیه ی جهانی حقوق بشر

ماده ۱

تمام اینای بشر آزاد زاده شده و در حرمت و حقوق با هم برابرند. عقلانیت و
وجدان به آنها ارزانی شده و لازم است تا با یکدیگر عادلانه و برادرانه رفتار
کنند.

خلاصه ی ماده ۲

همه انسانها بی هیچ تمایزی از هر سان که باشند، اعم از نژاد، رنگ، جنسیت،
زبان، مذهب، عقاید سیاسی
از حقوق یکسان برخوردارند ...

ماده ۵ @

رحمی و آزار، یا تحت مجازات غیرانسانی و یا بایست مورد شکنجه یا بی‌کس نمی‌هیچ رفتاری قرارگیرد که منجر به تنزل مقام انسانی وی گردد اما الان من مسلمان زادن بگویم راه پدرانم را نخواهم رفت عقاب خواهم شد## ماده ۶

هر انسانی سزاوار و محق است تا همه جا در برابر قانون به عنوان یک شخص به رسمیت شناخته شود.

اگر فردی مرتد مثلا از نوع فطری شود دیگر قانون فعلی ایران از او حمایت نمی‌کند ماده ۷@@

همه در برابر قانون برابرند و همگان سزاوار آن اند تا بدون هیچ تبعیضی به طور برابر در پناه قانون باشند. همه انسانها محق به پاسداری و حمایت در برابر باشند. همه باید در برابر هر گونه هرگونه تبعیض که ناقض این «اعلامیه» است، می عمل تحریک آمیزی که منجر به چنین تبعیضاتی شود، حفظ شوند.

آیا رهبر با من شهروند در برابر قانون برابریم، یا او خود را بالاتر از قانون ## می داند

ماده ۹

هیچ احدی نباید مورد توقیف، حبس یا تبعید خودسرانه قرار گیرد.

ماده ۱۰

هر انسانی سزاوار و محق به دسترسی کامل و برابر به دادرسی آشکار و عادلانه توسط دادگاهی بیطرف و مستقل است تا در برابر هر گونه اتهام جزایی علیه وی، به حقوق و تکالیف وی رسیدگی کند.

ماده ۱۲

بایست در قلمرو خصوصی، خانواده، محل زندگی یا مکاتبات شخصی، تحت هیچ احدی نمی کس نباید مداخله و مزاحمت خودسرانه قرار گیرد. به همین سیاق شرافت و آبروی هیچ مورد تعرض قرار گیرد. هر کسی سزاوار و محق به حفاظت قضایی و قانونی در برابر چنین مداخلات و تعرضاتی است.

ماده ۱۶

مردان و زنان بالغ، بدون هیچ گونه محدودیتی به حیث نژاد، ملیت، یا دین حق ای بنیان نهند. همه سزاوار و محق دارند که با یکدیگر زناشویی کنند و خانواده به داشتن حقوقی برابر در زمان عقد زناشویی، در طول زمان زندگی مشترک و هنگام فسخ آن هستند.

بایست صورت بندها مگر تنها با آزادی و رضایت کامل همسران که عقد ازدواج نمی خواهان ازدواجند.

خانواده یک واحد گروهی طبیعی و زیربنایی برای جامعه است و سزاوار است تا به وسیله جامعه و «حکومت» نگاهداری شود.

ماده ۱۸@@

هر انسانی محق به داشتن آزادی اندیشه، وجدان و دین است؛ این حق شامل آزادی دگراندیشی، تغییر مذهب، و آزادی علنی [و آشکار کردن آئین و ابراز عقیده، چه به صورت تنها، چه به صورت جمعی یا به اتفاق دیگران، در قالب آموزش، اجرای مناسک، عبادت و دیده بانی آن در محیط عمومی و یا خصوصی است و هیچ فردی حق اهانت و تعرض به فرد دیگری به لحاظ تمایز و اختلاف اندیشه ندارد.

مشکل ما در توانایی تغییر انتخاب و عوض کردن مسیر است که اجازه نمی دهند##

ماده ۱۹

هر انسانی محق به آزادی عقیده و بیان است؛ و این حق شامل آزادی داشتن باور و ای بدون [نگرانی] از مداخله [و مزاحمت]، و حق جستجو، دریافت و انتشار عقیده ای بدون ملاحظات مرزی است اطلاعات و افکار از طریق هر رسانه.

ماده ۲۰

هر انسانی محق به آزادی گردهمایی و تشکیل انجمنهای مسالمت آمیز است بایست مجبور به شرکت در هیچ انجمنی شودکس نمی‌هیچ

ماده ۲۱

هر شخصی حق دارد که در مدیریت دولت کشور خود، مستقیماً یا به واسطه انتخاب آزادانه نمایندگانی شرکت جوید.

هر شخصی حق دسترسی برابر به خدمات عمومی در کشور خویش را دارد. بایست در ای می‌بایست اساس حاکمیت دولت باشد؛ چنین اراده اراده مردم می‌انتخاباتی حقیقی و ادواری اعمال گردد که مطابق حق رأی عمومی باشد که حقی بایست به صورت مخفی یا به جهانی و برابر برای همه است. رأی‌گیری از افراد می‌ای مشابه برگزار شود که آزادی رأی را تأمین کندطریقه.

ماده ۲۲

هر کسی به عنوان عضوی از جامعه حق دارد از امنیت اجتماعی برخوردار بوده و از المللی با سازماندهی منابع هر مملکت، حقوق راه کوشش در سطح ملی و همیاری بین سلب ناپذیر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش را برای حفظ حیثیت و رشد آزادانه شخصیت خویش، به دست آورد.

ماده ۲۵

هر انسانی سزاوار یک زندگی با استانداردهای قابل قبول برای تأمین سلامتی و های پزشکی و رفاه خود و خانواده اش، از جمله تأمین خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت های بیکاری، بیماری، نقص خدمات اجتماعی ضروری است و همچنین حق دارد که در زمان عضو، بیوگی، سالمندی و فقدان منابع تأمین معاش، تحت هر شرایطی که از حدود مند گردد اختیار وی خارج است، از تأمین اجتماعی بهره دوره مادری و دوره کودکی سزاوار توجه و مراقبت ویژه است. همه کودکان، اعم از آن که با پیوند زناشویی یا خارج از پیوند زناشویی به دنیا بیایند، بایست از حمایت اجتماعی یکسان برخوردار شوندمی.

ماده ۲۶

های بایست، دست کم در دروه آموزش و پرورش حق همگان است. آموزش و پرورش می بایست ابتدایی و پایه، رایگان در اختیار همگان قرار گیرد. آموزش ابتدایی می بایست قابل دسترس برای همه مردم بوده ای نیز می‌اجباری باشد. آموزش فنی و حرفه و دستیابی به آموزش عالی به شکلی برابر برای تمامی افراد و بر پایه های فردی صورت پذیردشایستگی.

بایست در جهت رشد همه جانبه شخصیت انسان و تقویت رعایت آموزش و پرورش می های اساسی باشد. آموزش و پرورش باید به گسترش حسن تفاهم، حقوق بشر و آزادی های نژادی یا دینی و نیز به دگرپذیری [تسامح] و دوستی میان تمامی ملتها و گروه های «ملل متحد» در راه حفظ صلح یاری رساندبرنامه پدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش برای فرزندان خود برتری دارند.

ماده ۲۷

هر شخصی حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی اجتماع خویش همکاری کند، از های مختلف هنرها برخوردار گردد و در پیشرفت علمی سهم گشته و از منافع آن گونه مند شودبهره.

هر شخصی به عنوان آفرینشگر، حق حفاظت از منافع مادی و معنوی حاصل از تولیدات علمی، ادبی یا هنری خویش را داراست.

[پست 104]

Freeman : نویسنده

تاریخ : 10:13 1396/03/08

خب قرار شد خود را بجای آن داعشی قرار بدهید و از دید او نگاه کنید
در این صورت می بینید که از نظر شما (بجای آن داعشی) این موضوع یعنی اینکه
شما بپذیرید که آدم کش و ظالم هستید
!از نظر شما آدم کشی بد است ، درحالیکه از نظر داعشی ها خوب است

دوست عزیز بنده هم در همین راستا مثال های دیگه ای زدم، خب هر گروه و حکومتی
شاید حتی با اطمینان بیشتر از شما هم به راهش ایمان داره، بنابراین شما آیا
به داعش حق میدید که این کارها رو انجام میدن ؟ (آخه اونا هم الهی می دونن
گروه خودشون رو) یا حکومت عربستان باید از نظر شما به حق باشه چون اولن اسلامی
هست و دوم هم به کارشون ایمان دارن
با استدلال شما همه ی حکومت های جهان درست هستند و مشروعیت دارن مثل کره شمالی
و یا اسرائیل چون همه ی اینا ایمان دارن به درستی شون
خب عملن همیشه معیار قرار داد چون هر کس فقط نظر خودش رو قبول داره
اما بهترین راه حل بررسی تاریخ و عوامل هست و ببینیم که هر کدام از این عقاید
چه تأثیری بر جهان و زندگی بشر گذاشتند ، مثبت یا منفی، سعادت بشر رو به
...ارمغان آوردند یا بدبختی و خانمان سوزی و غیره
فقط یک نکته بگم مقبولیت همجنس گرایی در اونجا در راستای حمایت از افرادی هست
که طبیعی به این مسأله دچار شدند ژنتیکی و مادرزادی که خب در طول تاریخ همون
غرب خیلی بد با این افراد برخورد میکردن آتش میزدنشون و غیره ولی بعدن که علم
پیشرفت کرد فهمیدن که خیلی از این افراد بی گناه هستن مثل یک انسان مریض یا
معلول خب حق حیات دارن (چون در حیوانات هم دیده شد و گفتن طبیعی هست) کسی که
ذات شون اونجوریه دست خودش نیست رو باید چی کار کرد بنظرتون؟! بعدش اجازه ی
اذیت و آزار دیگران رو که به بهشون نمیدن فقط می گن بین خودشون حق حیات دارن
وگرنه اونا که نمیخوان بیان مردم خودشون رو همجنس گرا کنن یعنی عقل شون که
کم نیست چون اینجوری نسل شون منقرض میشه! در حالی که تازه به دنبال افزایش
جمعیت خودشون هستن

[پست 105]

Reza-D : نویسنده

تاریخ : 1396/03/08 18:42

به او خواهم گفت ،فرزندم هنوزم دیر نشده
اگر دنبال کار آزاد هستی ما از تو برای تغییر مسیرت حمایت کرده و به انتخابت
احترام می گذاریم
در ضمن میزانی از تحصیلات قانونا برای همه اجباریست
و نمی توان فرد بی خواندن و نوشتن دنبال کاری برود
منتها در میزان تحصیل که تا دیپلم یا لیسانس ادامه دهد فرد مختار است
تشکر از اینکه هیچ پاسخی به پرسش من ندادید
انتظار دیگری هم نداشتم

اولا از لحاظ عقلی اجبار افراد در محدود کردن انتخاب بین چند گزینه ی محدود
برای تفکر قطعا صحیح نیست
جامعه ای رشد می کند که اجازه ی تعامل و نقد را بدهد
با احترام ، این پاسختان از قبلی هم بی ارتباط تر بود

دوست عزیز ، من دو سوال ساده پرسیدم

این همه صغری کبری چیدید که چه بشود؟
دو جمله پاسخ سوال ها را بدهید ، نیازی هم به این همه تایپ کردنِ بیهوده و
مدح حقوق بشر نیست

[پست 106]

Reza-D : نویسنده

تاریخ : 18:53 1396/03/08

دوست عزیز بنده هم در همین راستا مثال های دیگه ای زدم، خب هر گروه و حکومتی
شاید حتی با اطمینان بیشتر از شما هم به راهش ایمان داره، بنابراین شما آیا
به داعش حق میدید که این کارها رو انجام میدن؟ (آخه اونا هم الهی می دونن
گروه خودشون رو) یا حکومت عربستان باید از نظر شما به حق باشه چون اولن اسلامی
هست و دوم هم به کارشون ایمان دارن
با استدلال شما همه ی حکومت های جهان درست هستند و مشروعیت دارن مثل کره شمالی
و یا اسرائیل چون همه ی اینا ایمان دارن به درستی شون
happy عزیز ، فکر میکنم این سوال من بوده Freeman

فقط یک نکته بگم مقبولیت همجنس گرایی در اونجا در راستای حمایت از افرادی هست
که طبیعی به این مسأله دچار شدند ژنتیکی و مادرزادی
به هیچ وجه اینطور نیست
این نوع حمایت که در دین اسلام نیز وجود دارد برادر
حمایت غرب از آزادی جنسی است ربطی هم به اینکه فرد چه موقع دچار این موضوع
شده ندارد

[پست 107]

Freeman : نویسنده

تاریخ : 19:18 1396/03/08

happy عزیز ، فکر میکنم این سوال من بوده Freeman

به هیچ وجه اینطور نیست
این نوع حمایت که در دین اسلام نیز وجود دارد برادر
حمایت غرب از آزادی جنسی است ربطی هم به اینکه فرد چه موقع دچار این موضوع
شده ندارد

اون بخش در واقع به استدلال شما برمیگرده
پاسخ شما رو بنده دادم، که اول از همه داعش یه استثنا هست اصلن اگه حتی یک
داعشی که آدم نکشته و جنایت نکرده صرفن عقاید افراطی داره حاضر بشه مثل یک
انسان متمدن بشه، شما حاضری باهاش مناظره کنی؟
خب اگه به آدم بر درستی عقیده خود مطمئن باشه نگرانی از آشنایی با عقاید و
!مناظره با اون ها نداره
پیشنهاد شما برای گفت و آزادی اندیشه ها (تا جایی که کار به ظلم و جنایت
نکشه) چیه؟

اما درباره ی بخش دوم، خوب به آزادی جنسی رو اونا قبول دارن اما در توجیه به رسمیت شناختن همجنس گرایی به اون مسئله که گفتم اشاره می کنن و می گن برای جلوگیری از ضایع شدن حقوق همچین انسان هایی این رو می پذیریم (من مقاله های زیادی از غربی ها در این زمینه خوندم منظور شما از اینکه در اسلام حمایت از این افراد وجود داره چیه دقیقن؟ چه مدل حمایتی؟ چون من برای اولین بار، از شما میشنوم که همچین انسان هایی در یک (دین) اسلام حمایت میشن و اصلن به رسمیت شناخته میشن

[پست 108]

Reza-D : نویسنده

تاریخ : 21:02 1396/03/08

(من برای اولین بار، از شما میشنوم که همچین انسان هایی در یک دین (اسلام) حمایت میشن و اصلن به رسمیت شناخته میشن شما فرمودید افرادی که بطور طبیعی و مادرزادی اینطور خلق میشوند بله در مورد چنین افرادی دین از آنها حمایت میکند و راهکارهایی برای آنها در دین وجود دارد

: این مطلب را ببینید

<http://www.askdin.com/showthread.php?t=51843&p=738607&viewfull=1#post738607>

7

پیشنهاد شما برای گفت و آزادی اندیشه ها (تا جایی که کار به ظلم و جنایت نکشه) چیه؟

در پاسخ به جناب حسام تا حدودی نظرم را عرض کردم

اما دوست عزیز ، بحث اصلی ما چیز دیگری بود. بدون شک من هم با اندیشه هایی مانند داعش مخالف هستم

منتهی منظور من این بود که توجه شما را به بحث "معیار" جلب کنم

همانطور که دیدید ، هیچ گریزی از تعیین معیار و قانون وجود ندارد

فرض کنیم شما یک انسان کاملاً آزاد اندیش هستید و به شما اختیار داده شده که رهبری یک کشور را به عهده بگیرید

آیا خواهید گفت هر کسی هر کاری دلش خواست انجام بدهد؟ یا یک سری قوانین وضع می کنید؟

خب حالا نکته اینجاست که شما برای اینکه قوانینی را تعریف کنید ، باید یک سری "از اعمال را "خوب" بدانید و یک سری از اعمال را "بد

از طرفی باید یک سری افراد را برای قرارگیری در راس امور "شایسته" بدانید و "افراد دیگری را "غیرشایسته

در نتیجه آنهایی که طرفدار قوانینی هستند که از نظر شما "بد" است

و یا کسانی که شما آنها را "غیرشایسته" می دانید

می توانند ادعا کنند که شما ناقض آزادی های عمومی هستید و آزادی آنها را سلب کرده اید

لذا جملاتی مانند همه آزادند ، همه حق بیان حرفهای خود را دارند ، همه حقانتخاب دارند و

این حرفها در تفکرات مختلف شدت و ضعف دارد ، اما هرگز به حد مطلق نمی رسد

و به فرض هم که بطور مطلق واقعیت پیدا کند ، تنها به هرج و مرج منجر خواهد شد

حالا برگردیم به همان بحث داعش
داعش به این دلیل که اعمالش بسیار پلید و کاملاً قابل شناسایی است ، خطاب "بد"
(دادن به آن هم راحت است (هر چند روی همین هم میشود بحث کرد
اما همیشه اینطور نیست که عقاید مختلف را به این راحتی بتوان "بد" یا "خوب"
تعریف کرد ، چرا که چندین بُعد دارند

مطلبی دارید بفرومائید تا صحبتیم را ادامه دهم

[پست 109]

Freeman : نویسنده

تاریخ : 21:11 1396/03/08

شما فرمودید افرادی که بطور طبیعی و مادرزادی اینطور خلق میشوند
بله در مورد چنین افرادی دین از آنها حمایت میکند و راهکارهایی برای آنها در
دین وجود دارد

:این مطلب را ببینید

<http://www.askdin.com/showthread.php?t=51843&p=738607&viewfull=1#post738607>

ستم

منتهی منظور من این بود که توجه شما را به بحث "معیار" جلب کنم

همانطور که دیدید ، هیچ گریزی از تعیین معیار و قانون وجود ندارد
فرض کنیم شما یک انسان کاملاً آزاد اندیش هستید و به شما اختیار داده شده که
رهبری یک کشور را به عهده بگیرید
آیا خواهید گفت هر کسی هر کاری دلش خواست انجام بدهد؟ یا یک سری قوانین وضع
می کنید؟

خب حالا نکته اینجاست که شما برای اینکه قوانینی را تعریف کنید ، باید یک سری
"از اعمال را "خوب" بدانید و یک سری از اعمال را "بد"
از طرفی باید یک سری افراد را برای قرارگیری در راس امور "شایسته" بدانید و
"افراد دیگری را "غیرشایسته"
در نتیجه آنهایی که طرفدار قوانینی هستند که از نظر شما "بد" است
و یا کسانی که شما آنها را "غیرشایسته" می دانید
می توانند ادعا کنند که شما ناقض آزادی های عمومی هستید و آزادی آنها را سلب
کرده اید

مرسی ، اون تاپیک رو حتمن مطالعه میکنم که گفتید دین (اسلام در اینجا ، چون
مسیحیت و بقیه رو مطمئنم نسبت به همچین انسان هایی بی رحمی شدید نشون دادن در
تاریخ) همچین افرادی رو هم حمایت می کنه چی هست
اما در زمینه ی این معیارها بنده قبل تر هم گفتم باید ببینیم که این عقاید و
اندیشه ها چه تأثیری بر انسان ها و زندگی ها داشتند بعد قضاوت کنیم، مثلن چرا
همه ی ما بر بد بودن داعش یک نظر داریم؟ چون نتایج کار و عقایدش رو دیدیم و
ثابت شده بهمون در حالی شاید اوایل تأسیس این گروه بی تفاوت هم بودیم
حالا باید ببینیم کدام عقاید و اندیشه ها به بشریت خدمت کردند در طول تاریخ و
زمان حال

[پست 110]

Reza-D : نویسنده

تاریخ : 21:38 1396/03/08

چرا همه ی ما بر بد بودن داعش یک نظر داریم؟

نکته همینجاست

بر چه مبنایی میگوئید ، "همه" بر بد بودن داعش اتفاق نظر دارند؟

آیا افرادی که عضو داعش هستند ، خودشان را بد می دانند؟

طرفداران آنها چطور؟ حامیان آنها چه؟

غیر از داعش نیز همینطور است

من و شما میگوئیم مواد مخدر بد است و قاچاقچی مواد مخدر هم بد است

اما معتادین به مواد چه نظری دارند؟ قاچاقچی ها چطور؟

کلاهبردارها

آدم دزدها

سارق های مسلح

زورگیرهای خیابانی

و.....

"اینجا پای اولین راهنمای انسان به میان میاید: "عقل"

من و شمایی که با آن اعمال مخال هستیم ، از همین "عقل" برای فهم تفاوت خوب و

بد استفاده می کنیم

همچنین آن دسته از مردم دنیا که با این نوع رفتارها مخالف هستند ، آنها نیز

با عقلشان مسیر را پیدا کرده اند

:حالا به این نکته توجه بفرمائید

یک سری خوبی ها و بدی ها تعریفش بین عموم مردم (آنهايي که عاقلانه می اندیشند)

مشترک است

مثلاً تجاوزگری یا قتل یا سرقت را تمام افراد عاقل بد می دانند

پس ریشهء اختلاف کجاست؟

:ریشهء اختلافات در دو چیز است

الف) تعریف این اشتراکات چگونه است؟ مثلاً میگوئیم سرقت بد است ، اما تعریف من

و شما از سرقت چیست؟

ب) آنجا که در خوب یا بد بودن اعمال اختلاف نظر پیش میاید. مثلاً مسلمان میگوید

شراب بد است ، و یک غیرمسلمان (که انسان بدی هم نیست) میگوید خوب است

باز اگر مطلبی دارید بفرمائید

[پست 111]

Freeman : نویسنده

تاریخ : 22:02 1396/03/08

نکته همینجاست

بر چه مبنایی میگوئید ، "همه" بر بد بودن داعش اتفاق نظر دارند؟

آیا افرادی که عضو داعش هستند ، خودشان را بد می دانند؟

طرفداران آنها چطور؟ حامیان آنها چه؟

پس ریشهء اختلاف کجاست؟

:ریشهء اختلافات در دو چیز است

الف) تعریف این اشتراکات چگونه است؟ مثلاً میگوئیم سرقت بد است ، اما تعریف من و شما از سرقت چیست؟

ب) آنجا که در خوب یا بد بودن اعمال اختلاف نظر پیش میاید. مثلاً مسلمان میگوید شراب بد است ، و یک غیرمسلمان (که انسان بدی هم نیست) میگوید خوب است

باز اگر مطلبی دارید بفرمائید

ببینید منظورم از همه مشخص خود داعش نیست

منظورم همه (یعنی از شیعه و مسیحی گرفته تا یک اروپایی نژاد پرست هم با داعش مخالفه!) و عقل سالم هست

درباره ی بخش دوم هم خب وقتی به من و انسان های دیگه آسیب نمی رسونه اصلن ربطی نداره نظر دیگران آزاد هستن هر جور که میخوان زندگی کنن مثلن بعضی حشرات و سوسک هم میخورن! ولی وقتی به دیگران آسیب نمیرسونن خب بخورن ، ولی مثلن همون شراب و نوشیدنی الکلی تا وقتی که طرف بخواد برای خودش بخوره ربطی نداره به قانون (غرب و جاهای دیگه رو میگم) ولی همون شخص اگه موقع رانندگی مست باشه چون به دیگران آسیب میزنه و یا در اثر مستی آسیب های دیگه ای برسونه، قانون به شدت باهاش برخورد می کنه

آسیب هم منظورم آسیب جسمی و جدی هست نه اینکه مثلن من طرف یه تیم فوتبال هستم بگم وقتی تیم رقیب طرفداری خودشون رو می کنن این به روحیه و سلیقه ی من توهین! می کنه پس مجرم هستند

[پست 112]

Reza-D : نویسنده

تاریخ : 22:22 1396/03/08

مثلن همون شراب

بله متوجه شدم. چشم ، همین را توضیح خواهم داد (البته من نظر خودم را عرض میکنم)

فقط قبل از آن دو سوال از شما دارم ، اینها را پاسخ بدهید بعد بنده صحبتتم را جمع بندی میکنم

1. من می خواهم مواد مخدر بفروشم -

مردم می توانند بخرند و می توانند نخرند ، یعنی به زور به کسی نمی فروشم افراد معتاد هم می توانند برونند در خانه مواد مصرف کنند بدون اینکه به دیگران آسیب بزنند

پس چرا در تمام جوامع با قاچاق مواد مخدر برخورد میشود؟

2. در کشوری مثل آمریکا فروش اسلحه آزاد است -

نظر شما در این مورد چیست؟

[پست 113]

Freeman : نویسنده

تاریخ : 22:34 1396/03/08

بله متوجه شدم. چشم ، همین را توضیح خواهم داد (البته من نظر خودم را عرض میکنم)

فقط قبل از آن دو سوال از شما دارم ، اینها را پاسخ بدهید بعد بنده صحبتیم را جمع بندی میکنم

1. من می خواهم مواد مخدر بفروشم -
مردم می توانند بخرند و می توانند نخرند ، یعنی به زور به کسی نمی فروشم
افراد معتاد هم می توانند بروند در خانه مواد مصرف کنند بدون اینکه به دیگران آسیب بزنند
پس چرا در تمام جوامع با قاچاق مواد مخدر برخورد میشود؟

2. در کشوری مثل آمریکا فروش اسلحه آزاد است -
نظر شما در این مورد چیست؟

خب این هم نسبی هست به قول خودتون خیلی جاها همون مواد مخدر هم آزاد هست اما دلیل اصلی اینکه که مضرات پزشکی اش بصورت مطلق ثابت میشه ، از طرفی شخص معتاد در نهایت به دیگران آسیب میزنه آزادی اسلحه رو خیلی از آمریکایی ها هم مخالفن ولی چون برمیگرده به تاریخچه شون و سود کارخونه های اسلحه سازی ممنوع نشده

[پست 114]

Reza-D : نویسنده

تاریخ : 00:25 1396/03/09

خب این هم نسبی هست به قول خودتون خیلی جاها همون مواد مخدر هم آزاد هست اما دلیل اصلی اینکه که مضرات پزشکی اش بصورت مطلق ثابت میشه ، از طرفی شخص معتاد در نهایت به دیگران آسیب میزنه

آزادی اسلحه رو خیلی از آمریکایی ها هم مخالفن ولی چون برمیگرده به تاریخچه شون و سود کارخونه های اسلحه سازی ممنوع نشده
تشکر

خب برادر عزیز همانطور که خود شما هم قبلاً گفتید ، ممکن است یک فرد مست با اتوموبیل به کسی بزند یا ممکن است یک فرد مست با چاقو به دیگران حمله کند پس همین امکان برای مست نیز وجود دارد که به دیگران آسیب بزند اما می بینید که رویکرد جوامع درمورد مست و معتاد می تواند متفاوت باشد

درمورد منافع اسلحه سازی هم که اشاره کردید ، همین نشان می دهد که قوانین در هر جایی می توانند در راستای منافع گروهی خاص قرار بگیرند

اما جدای از دومیورد بالا نکته خیلی هم ، بحث اختلاف نظر شماست با آن قوانین من کاری ندارم که قضاوت شما درست بوده یا اشتباه ، ولی به هر حال نظر شما نظری متفاوت بوده

یادتان هست که گفتم درمورد داعش چون ظلم آنها خیلی آشکار است ، تفکیک خوب و بدش زیاد دشوار نیست
خب حالا بفرمائید چطور میشود بحث خطر مست و خطر معتاد را به "خوب" یا "بد" تقسیم کرد؟

یا در بحث اجازه خرید و فروش اسلحه ، باید حرف قانونگذاران آمریکا را بپذیریم یا حرف شما را؟
کدامیک بر حق هستید؟ کدام خوب هستید و کدام بد؟

[پست 115]

Freeman : نویسنده

تاریخ : 00:50 1396/03/09

تشکر

خب برادر عزیز همانطور که خود شما هم قبلاً گفتید ، ممکن است یک فرد مست با اتوموبیل به کسی بزند یا ممکن است یک فرد مست با چاقو به دیگران حمله کند پس همین امکان برای مست نیز وجود دارد که به دیگران آسیب بزند اما می بینید که رویکرد جوامع درمورد مست و معتاد می تواند متفاوت باشد

درمورد منافع اسلحه سازی هم که اشاره کردید ، همین نشان می دهد که قوانین در هر جایی می توانند در راستای منافع گروهی خاص قرار بگیرند

اما جدای از دومورد بالا

نکتهء خیلی هم ، بحث اختلاف نظر شماسست با آن قوانین من کاری ندارم که قضاوت شما درست بوده یا اشتباه ، ولی به هر حال نظر شما نظری متفاوت بوده

یادتان هست که گفتم درمورد داعش چون ظلم آنها خیلی آشکار است ، تفکیک خوب و بدش زیاد دشوار نیست خب حالا بفرمائید چطور میشود بحث خطر مست و خطر معتاد را به "خوب" یا "بد" تقسیم کرد؟

یا در بحث اجازهء خرید و فروش اسلحه ، باید حرف قانونگذاران آمریکا را بپذیریم یا حرف شما را؟ کدامیک بر حق هستید؟ کدام خوب هستید و کدام بد؟

خب درباره ی تفاوت نگاه به شراب و مواد مخدر قطعن به این دلیل هست که شراب خاصیتی هایی داره و مثل مواد مخدر تأثیر گذار نیست در واقع مواد مخدر 100 درصد ضرر هست (مسائل اجتماعی هم خیلی مهمه مثلن در افغانستان شراب بد ولی مواد مخدر خیلی خوبه ویا مثلن در اروپا اینطور نیست برعکسه) اما خب قانون هم با فرد مست که آسیب میزنه مقابله می کنه در همون کشورها و فرقی نداره که شما مست شراب باشی آسیب بزنی یا معتاد به مواد مخدر، ولی خطر خوب یا بد نداریم ! اما میشه مثلن هر کس طوری رفتار کنه که برای دیگران خطر ایجاد نشه مثل همون !خوردن حشرات و غذا های عجیب و غریب که مثال زدیم

درباره ی منافع گروه خاص در قانون گذاری کاملن درسته این قضیه! در آمریکا هم همین طوره قانون گذاران هم حتی اگه آزادی اسلحه رو درست ندونن ولی قوانین فدرال و سود کارخانه ها ی اسلحه سازی این اجازه رو نمیده که لغو کنن فروش اسلحه رو (که اوباما میخواست این کار رو انجام بده ولی نتونست) اما در کشورهایی اروپایی باز اوضاع قانون و قانون گذاران خیلی بهتره شاید بخاطر (فرهنگی که دارن (نظر شخصی

ولی جدای از این بحث ها، بنده گفتم که باید نتیجه ی این روش ها و عقاید رو ببینیم که آیا سعادت بشری رو به همراه آوردند یا بدبختی و بدی و خانمان سوزی شما قبول داری در مجموع اندیشه های غربی نسبت به عقاید دیگر (حتی مثل کمونیسم) خدمت بیشتری به بشر و خوشبختی و سعادت انسان ها کرده اند یا خیر

[پست 116]

Reza-D : نویسنده

تاریخ : 01:11 1396/03/09

مسائل اجتماعی هم خیلی مهمه مثلن در افغانستان شراب بد ولی مواد مخدر خیلی خوبه ویا مثلن در اروپا اینطور نیست برعکسه ببینید برادر عزیز ، من فعلاً دنبال تعریف خوب و بد مثال هایی که گفته میشود نیستم اگر هم اشاره ای میکنم صرفاً برای مدیریت گفتگویمان است

تمام سعی من در این گفتگو این است که جملهء بالا که از شما نقل کردم مورد دقت قرار بگیرد بحث این تاپیک این است که چرا جبر مکتبی وجود دارد و بنده هم می خواهم این را عرض کنم که این جبر اولاً فقط مکتبی نیست بلکه در خیلی مسائل جبرهایی وجود دارد ثانیاً در همه جای دنیا وجود دارد و نمیشود گفت فقط مختص به ایران یا کشور دیگری است

باید نتیجه ی این روش ها و عقاید رو ببینیم که آیا سعادت بشری رو به همراه آوردند یا بدبختی و بدی و خانمان سوزی! تمام داستان از همینجا آغاز میشود اینکه تعریف من از سعادت با تعریف شما متفاوت است تعریف آمریکا از سعادت با تعریف فرانسه متفاوت است تعریف شیعیان از سعادت با تعریف مسیحیان متفاوت است تعریف بی خدایان از سعادت با تعریف خداباوران متفاوت است

آن مثال ها را برای همین آوردم خاطرتان هست که گفتم با بحث هایی که رد و بدل شده ، به اولین رهبر یعنی "عقل" می رسیم؟ اختلاف مهم دینداران با مخالفان آنها بر سر همین است. اینکه مخالفان دین ، عقل را کافی می دانند اما دین باوران ، اعتقاد دارند که عقل بشر لازم است اما کافی نیست

حرف دین باوران این است که یک سری مسائل را عقل می تواند تشخیص بدهد ، اما در جاهای دیگری به بن بست میخورد لذا ما به رهبری خداوند نیاز داریم تا در کنار عقل ، ما را هدایت کند

در اندیشه مخالفان دین بطور معمول فقط یک حق است که مهم است و آن حق الناس (حقوق بشر) است اما در دین ، سه نوع حق مطرح است. حق الناس ، حق النفس و حق الله

به دلیل همین اختلاف دیدگاه است که مخالفان دین میگویند شراب زمانی "بد" میشود که به دیگران آسیب بزند اما دین میگوید اگر شراب برای خودت نیز آسیب زا باشد "بد" است ، ولو اینکه به دیگران آسیب نزنند

تا اینجا اگر مطلبی دارید بفرمائید

[پست 117]

Reza-D : نویسنده

تاریخ : 01:13 1396/03/09

شما قبول داری در مجموع اندیشه های غربی نسبت به عقاید دیگر (حتی مثل (کمونیسم خدمت بیشتری به بشر و خوشبختی و سعادت انسان ها کرده اند یا خیر به نظرم در کنار پاسخ به مطالب پست قبلی بنده ، این بخش از صحبتتان را هم اگر ملموس تر توضیح بدهید برای پیشبرد بحث مفید باشد

[پست 118]

نویسنده : Freeman

تاریخ : 01:20 1396/03/09

یه سؤال، اگر از بین مثلن 20 نفر که هر دو نفر شون یه عقیده دارن یعنی 10 تا گروه به فرض که همگی هم ایمان کامل دارن، یک گروه حاکم بشه بعد به جون هم بیافتن بهتره یا اینکه نفر 21 که انسان بی طرف هست بیاد طوری مدیریت کنه که هر کدوم از این گروهها بدون خون ریزی زندگی شون رو بکنه؟ منطق کدوم رو میپذیره؟

[پست 119]

نویسنده : Reza-D

تاریخ : 01:24 1396/03/09

یه سؤال، اگر از بین مثلن 20 نفر که هر دو نفر شون یه عقیده دارن یعنی 10 تا گروه به فرض که همگی هم ایمان کامل دارن، یک گروه حاکم بشه بعد به جون هم بیافتن بهتره یا اینکه نفر 21 که انسان بی طرف هست بیاد طوری مدیریت کنه که هر کدوم از این گروهها بدون خون ریزی زندگی شون رو بکنه؟ منطق کدوم رو میپذیره؟
با این شکل که شما توضیح دادید ، اینکه نفر 21 مدیریت کند منطقی تر است

[پست 120]

نویسنده : Freeman

تاریخ : 01:28 1396/03/09

به نظرم در کنار پاسخ به مطالب پست قبلی بنده ، این بخش از صحبتتان را هم اگر ملموس تر توضیح بدهید برای پیشبرد بحث مفید باشد

منظورم همون نتایج اندیشه هاست به هر حال اونا آزادی دارند بدون اینکه مشکلی با هم داشته باشن، رفاه دارن ، هر شخصی امنیت داره، آینده ی روشن دارن ، امید کسی هم بخواد اندیشه ی دیگه ای داشته باشه مشکلی نیست اما از این ور خیلی از کشورها جنگ هست و خودشون هم دیگه رو می کشن سر اختلافات مذهبی و قومی و غیره (البته الان رو میگم نه گذشته که کلی هم جنگ و اختلاف داشتن همین کشور های پیشرفته) بیشتر هم اروپا منظورمه چون آمریکا سابقه ی زیاد خوبی نداره در بحث ظلم به انسان ها

[پست 121]

نویسنده : Freeman

تاریخ : 01:30 1396/03/09

با این شکل که شما توضیح دادید ، اینکه نفر 21 مدیریت کند منطقی تر است
آفرین
این در اصل منطقی ترین روش حکومت داری بشر هست که بهش رسیده بعد از انقلاب
فرانسه و درگیری هایی که پیش میاد به این فرمول میرسن
و الآن می بینید که موفق شدن در خیلی از زمینه ها
ویرایش: حالا بنظر شما اگه همچین قانونی بود هیچ وقت چیزی مثل داعش به وجود می
اومد؟

[پست 122]

Reza-D : نویسنده

تاریخ : 12:26 1396/03/09

شما قبول داری در مجموع اندیشه های غربی نسبت به عقاید دیگر (حتی مثل
(کمونیسم
خدمت بیشتری به بشر و خوشبختی و سعادت انسان ها کرده اند یا خیر

منظورم همون نتایج اندیشه هاست به هر حال اونا آزادی دارند بدون اینکه مشکلی
با هم داشته باشن، رفاه دارن ، هر شخصی امنیت داره، آینده ی روشن دارن ، امید
...به زندگی و

کسی هم بخواد اندیشه ی دیگه ای داشته باشه مشکلی نیست اما از این ور خیلی از
کشورها جنگ هست و خودشون هم دیگه رو می کشن سر اختلافات مذهبی و قومی و غیره

البته الآن رو میگویم نه گذشته که کلی هم جنگ و اختلاف داشتن همین کشور های
پیشرفته

بیشتر هم اروپا منظورمه چون آمریکا سابقه ی زیاد خوبی نداره در بحث ظلم به
انسان ها

سلام مجدد ، وقت شما به خیر

!خب برادر شما هرچایش بد بوده را میگوئید البته منظورم این نبوده

مثل اینکه من بگویم قبول دارید شیر خیلی حیوان بی آزاری است؟

!البته کاری به دندان هایش و پنجه هایش و دردنده بودنش ندارم

(صرفاً مثال بود و مثال دقیقی هم نیست)

برادر عزیز ، می فرمائید منظورم بیشتر اروپا است نه آمریکا

خب بفرمائید اصلاً آمریکا چگونه شکل گرفته؟

مگر غیر از این است که اروپایی ها وارد آن شدند و سرخپوست ها را قتل عام

کردند و بعدها شد ایالات متحده؟

آپارتاید و به بردگی گرفتن سیاه پوستان کار چه کسی بود؟

استعمار کشورهای مثل هندوستان ، اسکاتلند ، ایرلند و.... کار انگلستان بوده

استعمار الجزایر ، مراکش ، تونس و.... کار فرانسه بوده

.....استعمار آمریکای جنوبی توسط پرتغال ، استعمارگری اسپانیا ، هلند و

و در همین سال های اخیر

حمله به افغانستان که منجر به مرگ بیش از 10,000 نفر شد

حمله به عراق که منجر به کشته شدن بیش از صدها هزار نفر شد

می فرمائید حقوق بشر و آزادی بیان

خب بفرمائید حق وتو در سازمان ملل چیست و چرا به چند کشور داده شده است؟

مگر نه اینکه تمام مردم باید در سازمان ملل و در دید حقوق بشر مساوی باشند؟
پس چرا آمریکا ، چین ، نگلستان ، روسیه و فرانسه حق دارند آرای مثبت کشورهای
دیگر را وتو کنند؟

آمریکا ، اسرائیل ، فرانسه و.... خودشان سلاح هسته ای دارند
اما به ما که می رسد ما را تحریم می کنند و میگویند برای امنیت جهان نگران
هستیم!

ایران حدود 40 سال است که به عنوان مهد شیعه شناخته میشود
بفرمائید به چند کشور حمله کرده ایم؟
چقدر باعث کشتار در جهان شده ایم؟

در پست بعد هم درمورد امنیت و آسایشی که فرمودید مطالبی عرض میکنم
فقط اشاره کنم که به هیچ عنوان قصد ندارم ایرادهای خودمان را سرپوش بگذارم و
خوبی های غرب را نادیده بگیرم
انشالله در پست سوم به آن هم می پردازم. فقط درخواستی دارم از شما ، اینکه
تا پایان پست سوم پاسخی ندهید و اجازه دهید صحبت تمام شود
بعد که صحبت تمام شد خودم به شما اطلاع می دهم. تشکر

[پست 123]

Reza-D : نویسنده

تاریخ : 1396/03/09 13:19

اونا آزادی دارند بدون اینکه مشکلی با هم داشته باشن، رفاه دارن ، هر شخصی
امنیت داره ، آینده ی روشن دارن ، امید به زندگی
این آمار را مشاهده بفرمائید. چون بحث بر روی اروپا بوده من هم کشورهای
اروپایی را نام می برم
در این آمار ، هر چه رتبهء کشوری بالاتر باشد یعنی وضعیت آن کشور بدتر است

تعداد سرقت:

- 11 - بلژیک
- 12 - اسپانیا
- 13 - پرتغال
- 18 - آمریکا
- 20 - ایتالیا
- 28 - کانادا
- 29 - سوئد

لینک: <http://www.nationmaster.com/country-info/stats/Crime/Robberies>

تعداد تجاوز:

- 1. - آمریکا
- 6 - فرانسه
- 7 - آلمان
- 11 - سوئد
- 13 - روسیه
- 15 - ایتالیا

لينك: <http://www.nationmaster.com/country-info/stats/Crime/Violent-crime/Rapes>

درصد قربانيان جنایت

- 3 - انگلستان
- 4 - هلند
- 5 - سوئد
- 6 - ایتالیا
- 7 - کانادا
- 10 - دانمارک
- 12 - فرانسه
- 15 - آمریکا

لينك: <http://www.nationmaster.com/country-info/stats/Crime/Total-crime-victims>

تعداد جرم به نسبت هر 1000 نفر

1. - ایسلند
2. - سوئد
- 4 - انگلستان
- 6 - فنلاند
- 7 - بلژیک
- 8 - دانمارک
- 9 - هلند
- 10 - کانادا
- 11 - آلمان
- 12 - نروژ
- 13 - اتریش
- 14 - فرانسه

لينك: <http://www.nationmaster.com/country-info/stats/Crime/Total-crimes-per-1000>

:آمار جرم و جنایت بطور کلی

1. - آمریکا
2. - انگلستان
3. - آلمان
4. - فرانسه
5. - روسیه
6. - ژاپن
- 8 - کانادا
- 9 - ایتالیا

لينك: <http://www.nationmaster.com/country-info/stats/Crime/Total-crimes>

[پست 124]

Reza-D : نویسنده

تاریخ : 1396/03/09 13:34

از این ور خیلی از کشورها جنگ هست و خودشون هم دیگه رو می کشن سر اختلافات مذهبی و قومی و غیره بله قبول دارم مهمترین دلیلش هم فرهنگ پایینی است که در کشورهای ضعیف تر وجود دارد البته بخشی از همین فرهنگ پایین باعث و بانی آن همان قدرت های خارجی هستند که نمی خواهند دیگران به پیشرفت های آنها برسند اما باز نمی شود از بی توجهی خود این مردم و مسئولین در این نوع کشورها غافل شد

بدون شك در اروپا و تفكراتشان خوبي هاي زيادي وجود دارد كه ما مي توانيم ياد بگيريم و به كار ببريم حضرت علي(ع) مي فرمايند ، حكمت را ياد بگيرد ، حتي اگر از زبان كافر بيرون آمده باشد پس هيچ ايرادي ندارد كه ما اگر ديديم عيبي داريم ولي در مقابل اروپايي ها حسن هايي دارند ، از آنها ياد بگيريم

:براي مثال

نظم و ترتيبی که آنها در کارها دارند واقعاً عالی است. هر کاری سر ساعت مشخص انجام میشود و مبانی آن از پیش مشخص است در حالیکه در ایران بیشتر کارها بی نظم و بدون مشخص بودن چگونگی ، انجام میشوند. همینطوری دور همی

در اروپا تعهد و نظارت را بطور عملي استفاده مي کنند. مثلاً بدترین اتوموبیل اروپا ، چندین سر و گردن از بهترین اتوموبیل ایران با کیفیت تر است اینجا باید اتوموبیل با تکنولوژی 30 سال پیش را با قیمت اتوموبیل های 30 سال آینده بخری!

انتخاب رشته و شغل در اروپا نه اینکه مطلقاً عالی باشد ، اما خیلی بیشتر از ایران سر و ته دارد در ایران شما به مکانیک علاقه داری ، رشته دانداری می خوانی ، در نهایت هم !!سوپرمارکت میزنی !!

مدیریت و بازار رقابتی باعث شده که حق انتخاب برای مشتری محترم باشد و احترام به حقوق مشتری معنای عملي داشته باشد در ایران فلان جنس را در یک خیابان با قیمت 1000 تومان می بینی ، همان جنس را !!دو خیابان بالاتر با قیمت 5000 تومان

[پست 125]

(a.p) نویسنده : علی پارساپور
تاریخ : 1396/03/09 17:14

هر چه رتبه کشوری بالاتر باشد یعنی وضعیت آن کشور بدتر است

حداقل آن ها می دانند که با خود چند،چندند آیا آمار جرم و جنایت در کشور ایران با این جمعیت عظیم در دسترس است،خیر !!اگر بود شگفت زده می شدید و رتبه ی ما در رتبه های برتر بود

آپارتاید و به بردگی گرفتن سیاه پوستان کار چه کسی بود؟

برخی کشور های غربی

استعمار کشورهای مثل هندوستان ، اسکاتلند ، ایرلند و..... کار انگلستان بوده
استعمار الجزایر ، مراکش ، تونس و..... کار فرانسه بوده
.....استعمار آمریکای جنوبی توسط پرتغال ، استعمارگری اسپانیا ، هلند و
و در همین سال های اخیر
حمله به افغانستان که منجر به مرگ بیش از 10,000 نفر شد
حمله به عراق که منجر به کشته شدن بیش از صدها هزار نفر شد

بله عبرت از اشتباهات گذشته ضروریست
در طول جنگ های بشر بیش از سه میلیارد انسان کشته شده اند، زخمی ها، خسارات و...
که اگر حساب شود ارقام وحشتناکی می شود
ما در فکر حال هستیم
در گذشته شاهان بی لیاقت قاجار سرزمین های وسیعی را از خاکمان جدا و مانع
پیشرفت ما بودند
در گذشته آمریکا، ژاپن را بمباران اتمی کرد
جنگ های اول و دوم جهانی باعث مرگ ده ها میلیون نفر شد
در نسل کشی های چند قرن اخیر میلیون ها نفر به خاک و خون کشیده شده اند
آیا باید فقط گذشته را دید و حسرت خورد
نه باید حرکت کرد
باید بهتر شد
همین کاری که در آلمان و ژاپن شکست خورده در جنگ جهانی شاهدش بودیم
چرا می گوئیم آزادی بیان و آزادی پس از بیان
چون در آمریکایی با آن همه مشکلات، یک قاضی فدرال دستور نفر اول کشور را به
(دلیل خلاف قانون بودن تعلیق می کند) دستور اجرایی مهاجرتی
وقتی اجازه ی بیان مطالبات و نقد داده شود
وقتی همه اجازه داشته باشند با آزادی از تفکرات منطقیشان دفاع کنند مشکلات حل
می شود
حرف ما این است
چطور اجازه ی پخش صدها هزار جلد کتاب، محتوا را با پول ملت به نفع اسلام می
دهید اجازه ی نقدش را هم با بودجه ی شخصی بدهید
وقتی تریبون برای تبلیغ اسلام می دهید اجازه ی نقد آن تبلیغ را هم بدهید ملت
شعور انتخاب درست از غلط را دارند

می فرمائید حقوق بشر و آزادی بیان
خب بفرمائید حق وتو در سازمان ملل چیست و چرا به چند کشور داده شده است؟
مگر نه اینکه تمام مردم باید در سازمان ملل و در دید حقوق بشر مساوی باشند؟
پس چرا آمریکا ، چین ، انگلستان ، روسیه و فرانسه حق دارند آرای مثبت کشورهای
دیگر را وتو کنند؟

درست می گوئید، نباید این حق را داشته باشند و تلاش هایی هم در مورد برداشته
شدن آن شده است

آمریکا ، اسرائیل ، فرانسه و..... خودشان سلاح هسته ای دارند
اما به ما که می رسد ما را تحریم می کنند و میگویند برای امنیت جهان نگران
!هستیم

تر، بر ایران حاکم شود

فرض کنید رهبری مستبد

و مانند کره ی شمالی بخواهد مردم را به کمک مزدورانش در ایران سرکیسه و به بردگی بکشاند و اگر گفته شود بالای چشمت ابروست بگویند متحدانتان را با موشک هسته ای می زنم بعد در اسلام گفته شده ما حقیم و دیگران ناحق اگر لازم شود برای حفظ تفکراتشان از بسیاری از موارد خواهند گذشت حداقل نظامی بر کشورهای دیگر حاکم است مثلاً معاهده ی آسمان های باز به این لینک بروید https://fa.m.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D8%B9%D8%A7%D9%87%D8%AF%D9%87_%D8%A2%D8%B3%D9%85%D8%A7%D9%86%E2%80%8C%D9%87%D8%A7%DB%8C_%D8%A8%D8%A7%D8%B2

[پست 126]

نویسنده : Reza-D

تاریخ : 17:58 1396/03/09

حداقل آن ها می دانند که با خود چند، چندند اینک کسی می داند با خود چند چند است ، تغییری در وضعیتش ایجاد نمی کند

آیا آمار جرم و جنایت در کشور ایران با این جمعیت عظیم در دسترس است، خیر در همان سایت وجود دارد و اتفاقاً در برخی موارد مثل تعداد زندانی آمار ایران مناسب نیست در این آمار ، از نظر تعداد زندانی ایران رتبه 10 جهان را دارد <http://www.nationmaster.com/country-info/stats/Crime/Prisoners>: لینک

البته باید به نسبت تعداد زندانی تعداد کل جمعیت را هم محاسبه کرد ولی به هر حال این تعداد زندانی می توانست خیلی کمتر باشد

زیاد بودن زندانی در ایران نشان از ضعف در دستگاه های مختلف مقننه ، قضایی و اجرایی دارد چون نشان می دهد اولاً قوانین ایران ضعف هایی دارد که باعث میشود افراد بتوانند آنها را دور بزنند از طرفی تعداد جرائم زیاد باشد که شاید بعضی از آنها واقعاً نیاز به زندان (.... ندارند) مانند برخی جرائم چک و ثانیاً در اجرا نیز با نظارت مطلوب ، فاصله داریم و هنوز جا برای پرداختن به این موضوع به شدت وجود دارد

!! اگر بود شگفت زده می شدید و رتبه ی ما در رتبه های برتر بود من هم قبول دارم که بخشی از قضاوت ها در مورد آسایش و آرامش یک کشور ، آنچه است که احساس و مشاهده میشود وقتی که من در ایران صبح بیدار میشوم می بینم جنس ها سه برابر شده اما حقوق من همان حقوق سابق است یا می بینم به راحتی در ادارات و سازمان ها پارتی بازی میشود و کلاً مثل آب خوردن میشود در ایران دو دره بازی درآورد

از طرفی یک نفر که در اروپا زندگی می کند از نظم ، برنامه ریزی ، دقت در اجرای قوانین و توجه آنها به خواست مردم میگوید معلوم است که آنجا را بهتر از ایران خواهم دانست. من حرف شما را بطور کامل رد نمی کنم

ولی علی عزیز ، با وجود تمام مشکلاتی که من و شما به عنوان دو هموطن درگیر آنها هستیم ، انتظار می رود مستند و با ارائه آمار صحبت کنیم

بله عبرت از اشتباهات گذشته ضروریست
من مثال امروزی برای شما اوردم دوست عزیز
عراق و افغانستان آیا موضوعی در گذشته هستند؟
حق و تو اتفاقی در گذشته است؟
تحریم کشورهای ضعیف مربوط به گذشته است؟
به تاراج بردن ثروت کشورهای آفریقایی در گذشته اتفاق افتاده؟

فرض کنید رهبری مستبد تر، بر ایران حاکم شود
و مانند کره ی شمالی بخواهد مردم را به کمک مزدورانش در ایران سرکیسه و به بردگی بکشاند
و اگر گفته شود بالای چشمت ابروست بگوید متحدانتان را با موشک هسته ای می زنم
این سوال را پاسخ دهید لطفاً
:کدامیک از این دو برای استفاده از سلاح هسته ای خطرناکتر است

(الف)

کشوری که تا کنون به هیچ جا حمله نکرده ، وجود سلاح هسته ای برای او اثبات نشده و فقط احتمالش را داده اند و نهایتاً فرضی مانند فرض شما برایش محتمل دانسته شده

(ب)

کشوری که در چند سال گذشته به چندین کشور حملهء نظامی کرده (ویتنام ، عراق ، افغانستان) ، برای حملاتش هیچ اجازه ای از سازمان ملل نگرفته مشخص شده که ادعایش برای حمله دروغ بوده (دروغ وجود سلاح در عراق که بعدها معلوم شد دروغ بوده و مسئولین آمریکا و انگلیس گفتند ببخشید اشتباه شده !!) بود
و مهمتر اینکه نه تنها سلاح هسته ای دارد ، بلکه دو بار از آن استفاده کرده (است (هیروشیما و ناکازاکی

چون در آمریکایی با آن همه مشکلات ، یک قاضی فدرال دستور نفر اول کشور را به (دلیل خلاف قانون بودن تعلیق می کند(دستور اجرایی مهاجرتی وقتی اجازه ی بیان مطالبات و نقد داده شود وقتی همه اجازه داشته باشند با آزادی از تفکرات منطقیشان دفاع کنند مشکلات حل می شود
این حرف را قبول دارم. تقریباً بطور کامل البته چند نکته هم هست که بعداً عرض میکنم

[پست 127]

نویسنده : عامل

تاریخ : 18:54 1396/03/09

سلام علي اقا

بابت تاخير عذر مي خواهم

آيا کودک مي تواند واقعا به ساير منابع دسترسي پيدا کند،خير چون ساير منابع را محدود کرده ايد

هر کس در هر سني به اندازه خودش مي فهمد و ممکن است اعتقاد او از ابتدای تولد تا زمان مرگ بارها تغيير کند. مهم اينست که از ابتدا حق طلب باشد. اينکه عرض شد اسلام در ورود سخت گيري کرده با توجه به شرط بودن تحقيق فردي، عقلي، روشن است. اما اين به معنای تبليغ نکردن خود نيست. اگر اسلام را با ديگر ادیان در اين زمينه مقايسه کنيد، روشن مي شود که ديگر ادیان علاوه بر اينکه خود را در قلمرو خویش تبليغ مي کنند، حرفي از تحقيق براي کشف درستي نمي زنند. در حالی که اسلام کشف درستي عقايد را وظيفه هر کس گذاشته است.

در اين بحث دو مطلب حذف شده

يکي شعر چه فرقی می کند نام خدا چیست

مطالب حذف شده يا بي ارتباط با موضوع بوده و يا جنبه توهين داشته است.

در جهنم پذيراي گناهان مردمانم هستم

مَنْ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ
عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ الْأُخْرَىٰ وَمَا كُنَّا مُعْتَدِينَ
حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا؛ هر کس هدايت يافت، فقط به سود خودش هدايت مي يابد و
هر کس گمراه شد، فقط به زيان خودش گمراه ميشود. و هيچ بردارنده بار گناهی بار
گناه ديگری را به دوش خود بر نمیدارد و ما بدون اينکه پیامبری را [برای هدايت
(واتمام حجت به سوی مردم) بفرستيم، عذاب کننده [آنان] نبوديم. (اسراء: 15)

[پست 128]

نویسنده : عامل

تاریخ : 19:16 1396/03/09

سلام

...ببخشيد که دير پاسخ دادم

شخص مرتد می گوید که اين حکم که می گوئيد از جانب خداست فقط نظر شخصی شماست... شما فقط به خاطر نظر شخصی خودتان می خواهيد مرا مجازات کنيد و اعدام کنيد؟؟؟ فقط به خاطر نظر شخصی؟؟؟؟
!!!نظر شخصی؟

تعريف شما از نظر شخصی چیست؟

آيا مطلبي که حدود يك و نيم ميليارد مسلمان قبول دارند، نظري شخصی است؟

آيا مي توان چنين مطلبي را برداشت شخصی دانست؟

اما اينکه کسی اسلام را قبول ندارد روشن است که لزومي براي نقد تک تک احکام آن ندارد.

بنده عرض کردم... فرض کنيد که بنده بيايم و بگويم که از جانب خدا به من وحی شده، نشانش هم اين است که توانم وزنه دويست كيلویی را بلند کنم... و خدا به من

وحی کرده که شما مسلمانان را نابود کنم... این نظر شخصی من، همانطور که نظر... شخصی شما این بود که که از خدا وحی دارید که که مرتد را اعدام کنید... معجزه با برداشتن دویست کیلو وزنه خیلی فرق داره
اگر شما دلایل صحت رسالت را قبول ندارید، در جای خود قابل بحث است. اما فرض ما جایی است که این حکم، حکمی الهی است

ما هم این سخن شما را نقد کردیم و می کنیم و می گوئیم این که این قانون ساخته... ی آخوند ها نیست و وحی الهی است یک نظر شخصی شماست
شما حتی یک نقد یا اثبات برای من درآوردی بودن این حکم ارائه نکردید و تنها مدعای خود را تکرار فرمودید.
اگر دلیلی دارید بفرمایید

[پست 129]

(a.p) نویسنده : علی پارساپور

تاریخ : 19:44 1396/03/09

کدامیک از این دو برای استفاده از سلاح هسته ای خطرناکتر است

در کل وجود سلاح کشتار جمعی خطرناک است

گزینه ی , ب

آمریکا

ولی در نظر داشته باشید

آمریکا و قدرت های جهانی بخاطر فشار افکار ملل، درصدد کاهش این نوع سلاح ها و کنترل آن هستند

[/quote]

در قانون اساسی

از ادیان

اسلام، زرتشتی، یهودی و مسیحی حمایت شده

چرا نباید من مسلمان زاده بتوانم مسیحی شده و عقایدم را ابراز نمایم

مگر راه پدران را بی، چون و چرا رفتن جهالت نیست

پس چرا جبر مکتبی وجود دارد

فرزند مسلمان

بین اسلام و سکوت مخیر است

چرا

چون که می گویند قوانینی خاص در همه جا بر اساس فرهنگ و تفکرات وجود دارد

ما حرفمان روی قوانین عادلانه است

در گذشته

رعایا برتری پادشاه را عادلانه می خواندند

حال گفته می شود که عادلانه نیست

در زمانی برده حقی نداشت

الان برده داری در حال برچیده شدن است

در گذشته زنان حق رای نداشتند ولی الان مقام اول یک کشور می شوند

چرا مواردی مثل جبر مکتبی که با دنیای امروز در تضاد است در اسلام وجود دارد

بنظرم تاریخ قضاوت خواهد کرد

اگر ۱۰۰ یا دویست، یا بالاتر یا تا زمان وجود نوع بشر قرآن به عنوان کتابی آسمانی

که معجزه ی خداست مطرح بود سخنان کارشناس درست است و من نوعی جهنمی

ولی مشکل اینجاست در همین حال حاضر هم منابع خوبی در نقد و بررسی این کتاب

دست به دست می چرخد

[پست 130]

Reza-D : نویسنده

تاریخ : 20:53 1396/03/09

چون که می گویند قوانینی خاص در همه جا بر اساس فرهنگ و تفکرات وجود دارد ما حرفمان روی قوانین عادلانه است چرا مواردی مثل جبر مکتبی که با دنیای امروز در تضاد است در اسلام وجود دارد! براد عزیز ، دنیای امروز دقیقاً یعنی چه؟ الان در مباحثی که باشما چند نفر دوست عزیز داشته ام ، مدام میگوئید دنیای (امروز ، فرهنگ جهان ، دموکراسی (مستقیم یا غیرمستقیم اما وقتی بنده میایم و مبنای اینها را به چالش می کشم می فرمائید ما کاری با آنها نداریم

لذا درخواست من این است که ابتدا مبنای خود را مشخص کنید شما حق برای همگان را دارید با دنیای امروز تعریف می کنید یا با عقایدی که خودتان دارید؟

اگر با دنیای امروز است ، که باید به ایرادهای همین دنیای امروزی هم پاسخ بدهید و نگوئید ما کاری با آنها نداریم و اگر بر مبنای عقاید خودتان است ، لطفاً دیگر از دنیای امروز شاهد نیاورید بلکه مبانی خودتان را تبیین بفرمائید تا ببینیم قابلیت اجرا دارد یا خیر

من در چند پست قبل سوالی از شما پرسیدم اما پاسخی ندادید اگر به دنبال یافتن حقیقت هستید ، پس اجازه بدهید که بحث به سمت مطلوب حرکت کند از شما پرسیدم اگر فرزند شما اعتراض کند که چرا مرا در 7 سالگی به مدرسه بردید چه پاسخی می دهید؟ همچنین راهکار شما برای آنکه این اتفاق تکرار نشود چیست؟

من کاری ندارم که مدرسه رفتن درست است یا نه همچنین کاری ندارم که بعدها در این انتخاب پشت فرزندتان خواهید بود یا نه سوال همان است که عرض کردم . دلیل فرزند شما هم این است که دلش می خواهد

[پست 131]

(a.p)نویسنده : علی پارساپور

تاریخ : 22:06 1396/03/09

لذا درخواست من این است که ابتدا مبنای خود را مشخص کنید شما حق برای همگان را دارید با دنیای امروز تعریف می کنید یا با عقایدی که خودتان دارید؟

خود بنده به حقوق بشر و حرکت به سمت عدالت، پایبندم من خودم می دانم روزانه بیش از بیست هزار نفر از گرسنگی می میرند میلیون ها کودک در جهان در فقر به سر می برند من خودم به دنبال بهتر شدن جهانم در بسیاری از موارد اوضاع جهان بهبود می یابد در گذشته مردم از اخبار و اتفاقات دیر با خیر می شدند الان یک اتفاق را همه می فهمند فرزندان نسل های بعدی بشر، آینده سازان خواهد بود و با این تفکرات (حقوق بشر و عدالت) رشد می یابند و باز هم جهان بهتر می شود

از شما پرسیدم اگر فرزند شما اعتراض کند که چرا مرا در 7 سالگی به مدرسه بردید چه پاسخی می دهید؟

به عنوان والدینش می گوئیم برای اینکه در آینده موفق بشوی و بتوانی در جامعه رشد کنی و خواندن و نوشتن بیاموزی، تو را به مدرسه فرستادیم

همچنین راهکار شما برای آنکه این اتفاق تکرار نشود چیست؟ این مورد اگر ما و فرزندمان دوباره به عقب برگردیم، باز هم تکرار خواهد شد به صورت اجباری

سوالی بپرسم
فرزندی به والدینش بگوید چرا مرا به دنیا آوردید
به او چه باید گفت
(تو مجبوری زندگی کنی، یا بمیری (خودکشی
اما کیفیت زندگی فرد در دست خود اوست
کیفیت و کمیت، درس خواندن هم برعهده ی اوست
نظری یا فنی، دانشگاه و رشته ها به انتخاب خود فرد است

[پست 132]

(a.p) نویسنده : علی پارساپور
تاریخ : 10:33 1396/03/10

در این دو لینک استدلال دوستان بر چرایی لزوم سکوت مسلمان زاده در صورت انتخاب دینی غیر اسلام آمده است
<http://www.pasokhgoo.ir/node/72175>

و
<http://pasokhgoo.ir/node/49702>

اما ایرادات را به این استدلال به طور خلاصه بیان می نمایم
(جبر مکتبی باعث می شود افراد انتخابی محدود، داشته باشند (بین اسلام یا سکوت#
لازمه ی تحقیق صحیح دسترسی به منابع مختلف است، ولی متأسفانه منابع از دسترس @
خارج شده اند
اگر جامعه ی مسلمان به مرور دارای افراد (مسلمان زاده های) زیادی باشد که @
سکوت کرده اند این عامل به مرور موجب رشد ظلم و تحمیل استبداد بر افراد
خواهد بود
در صورتی که نوع حکومتی تغییر یابد و دیگر مسلمانان حکومت نکنند باعث می شود #
مسلمان زاده هایی که تغییر مسیرشان را به خاطر تغییر وضعیت ابراز می دارند با
احتمال عقاب و حرکت های خودسرانه مواجه شوند
این که امکان داشتن تریبون از مرتدین گرفته شده خود باعث سرکوب عقاید است#
و موجب انتخاب های غلط می شود

[پست 133]

Reza-D : نویسنده
تاریخ : 11:39 1396/03/10

به عنوان والدینش می گوئیم
برای اینکه در آینده موفق بشوی و بتوانی در جامعه رشد کنی
و خواندن و نوشتن بیاموزی، تو را به مدرسه فرستادیم
سلام

ببخشید دیر پاسخ دادم
خب برادر عزیز ، مگر مکتب چیزی به غیر از یک سری آموزه هاست؟
شما به عنوان بزرگتر آن فرزند ، تشخیص داده اید که آنچه برای فرزندان می
خواهید خیر است و به درد آینده اش میخورد
لذا بدون اینکه نظرش را بپرسید اینها را به او آموزش داده اید

ولی به بحث مکتب که می رسید (جبر مکتبی) جوری عنوان می کنید که گویی مکتب یک
نوع لباس است
البته منظورم خود لباس فیزیکی است نه مفهوم لباس ، که در آن صورت قطعاً مکتب
و تفکر هر فرد ، به نوعی پوشش و لباس آن فرد است
بعد میگوئید چرا من حق ندارم بین این چند نوع لباس ، آنچه مورد نظرم هست را
!انتخاب کنم؟

یک مسلمان که به آموزه های مکتب خودش باور دارد ، آنها را وسیله ای برای
پیشرفت فرزندش می داند
همانطور که شما آموزش های مدرسه را وسیله ای برای پیشرفت او می دانید
پس کاملاً طبیعی است که از ابتدا آنچه را که فکر می کنند درست است به فرزندشان
یاد بدهند

حال سوالی دیگر
آیا شما همانطور که فرزندان را به سمت کارهای خوب مثل تحصیل ، تشویق میکنید
به همین شکل او را از کارهای بد و غلط مثل مصرف مواد مخدر دور نمی کنید؟

خب حالا فرض کنید کسی بیاید تا پیک بزند و از شما بپرسد که چرا اجبار می کنید؟
چرا نمی گذارید مواد مخدر هم آزادانه تبلیغ شود تا فرزند شما خودش انتخاب
کند؟
شما به این پرسش چه پاسخی می دهید؟
(این را پاسخ بدهید بعد به سایر نکاتی که فرمودید می پردازم)

[پست 134]
(a.p) نویسنده : علی پارساپور
تاریخ : 12:59 1396/03/10

شما به عنوان بزرگتر آن فرزند ، تشخیص داده اید که آنچه برای فرزندان می
خواهید خیر است و به درد آینده اش میخورد
لذا بدون اینکه نظرش را بپرسید اینها را به او آموزش داده اید

یک مسلمان که به آموزه های مکتب خودش باور دارد ، آنها را وسیله ای برای
پیشرفت فرزندش می داند
همانطور که شما آموزش های مدرسه را وسیله ای برای پیشرفت او می دانید
پس کاملاً طبیعی است که از ابتدا آنچه را که فکر می کنند درست است به فرزندشان
یاد بدهند

بله درس خواندن مانند آموزش آموزه ها و ارزش های خانوادگی اگرچه ضرورت دارد
ولی تفاوتی در ادامه ی تحصیل با آموزش ارزش ها وجود دارد
فرزند من خودش می تواند ریاضی یا تجربی یا انسانی خواندنش را در دبیرستان
مشخص کند

خودش بعد تحصیلات دبیرستان مختار به ادامه یا عدم ادامه ی تحصیل در دانشگاه و رشته ی دلخواهش است ولی در آموزش ارزش های اسلامی چند انتخاب محدود آن هم نه برای چند سال از عمر، بلکه حتی تا زمان پیریست

حال سوالی دیگر

آیا شما همانطور که فرزندان را به سمت کارهای خوب مثل تحصیل ، تشویق میکنید به همین شکل او را از کارهای بد و غلط مثل مصرف مواد مخدر دور نمی کنید؟

خب حالا فرض کنید کسی بیاید تاپیکی بزند و از شما بپرسد که چرا اجبار می کنید؟ چرا نمی گذارید مواد مخدر هم آزادانه تبلیغ شود تا فرزند شما خودش انتخاب کند؟

شما به این پرسش چه پاسخی می دهید؟

اولا به طور جد با مواد های مخدر همچون شیشه برخورد خواهم کرد و برای ایجاد کننده ی تاپیک از مضرات و مفاسد مواد مخدر می گویم و بسته به سن فرزندم مجبور به کنترل و تربیت او هستم اگر ببینم فرزند حتی ۱۸ساله ام بخواهد سمت مواد برود با او برخورد می کنم اما دیگر کنترلی بر فرزند ۳۰ساله ام که دارای خانواده است نخواهم داشت به جز نصیحتش

[پست 135]

Reza-D : نویسنده

تاریخ : 1396/03/10 13:32

@};- ابتدا تشکر میکنم که سوالات مرا با حوصله و بدون تعصب پاسخ می دهید

اولا به طور جد با مواد های مخدر همچون شیشه برخورد خواهم کرد و برای ایجاد کننده ی تاپیک از مضرات و مفاسد مواد مخدر می گویم و بسته به سن فرزندم مجبور به کنترل و تربیت او هستم اگر ببینم فرزند حتی ۱۸ساله ام بخواهد سمت مواد برود با او برخورد می کنم اما دیگر کنترلی بر فرزند ۳۰ساله ام که دارای خانواده است نخواهم داشت به جز نصیحتش

مسلمانان هم همین کار را میکنند

آنها هم نمی خواهند فرزندان شان و اطرافیانشان و کسانی که دوستشان دارند ، به سمت چیزهایی بروند که از نظر آنها "بد" است همچنین اجازه نمی دهند کسی بیاید و آن مسائل بد را تبلیغ کند

گفتید که فرضاً از سی سالگی دیگر کنترلی روی فرزندان ندارید و شاید به سمت مواد مخدر هم برود خب این همان چیزی است که اسلام میگوید. اینکه یک مسلمان وقتی بزرگ شد و قدرت انتخاب پیدا کرد می تواند و بلکه وظیفه دارد که راه درست را انتخاب کند و اجباری بر او نیست

علی عزیز ، اگر آن فرزند شما به انتخاب خودش به سمت مواد مخدر رفت ، آیا اجازه می دهید بیاید و آن را برای فرزندان دیگران تبلیغ کند؟ باز هم این همان کاری است که اسلام انجام می دهد. یعنی میگوید اگر تو خودت تشخیص دادی که راه دیگری بروی ، اختیار با خودت است اما اجازه نداری دیگران را هم به همان راه دعوت کنی

خب تا اینجا که عقیده هر دوی ما شبیه به هم است. پس اختلاف نظر ما در چیست؟
"در تعریف مصداق خوب و بد
احتمالاً مطالب بنده را که خواندید با خود گفتید "بد" بودن مواد مخدر امری
بدیهی است و طبیعی است که اجازه تبلیغ ندهم
نکته همینجاست برادر. کفر هم از نظر مسلمانان بطور بدیهی بد است
همانطور که از نظر آنها خوردن شراب بد است ، دزدی بد است ، دروغ بد است
و.....
لذا تبلیغ برای انی مسائلی که از نظر آنها بد است را هم جایز نمی دانند

در آموزش ارزش های اسلامی چند انتخاب محدود داریم
آن هم نه برای چند سال از عمر ، بلکه حتی تا زمان پیریست
عرض کردم که دارید به مکتب به عنوان یک کالا و وسیله فیزیکی نگاه میکنید
در واقع شما هر کدام از مکاتب فکری را یک چیز مجزا در نظر گرفته اید درحالیکه
اینطور نیست

مثلاً اسلام میگوید دزدی بد است
آیا اگر مسلمانی مسیحی شد ، دیگر میگوید دزدی خوب است؟
اصلاً ما همان تفکر آزاد اندیش شما را ملاک قرار می دهیم (تفکری که گفتید با
(استبداد کشورهای ابرقدرت هم مخالف است
در تفکر شما که فارق از هر دین است ، آیا دزدی عملی ناپسند نیست؟

می خواهم بگویم اتفاقاً اشتراکات نه تنها کم نیست بلکه بسیار زیاد است
حال با در نظر گرفتن این اشتراکات ، به بخش دیگری از صحبت شما برادر گرامی می
پردازم

[پست 136]
(a.p) نویسنده : علی پارساپور
تاریخ : 1396/03/10 14:37

مسلمانان هم همین کار را میکنند
آنها هم نمی خواهند فرزندانشان و اطرافیانشان و کسانی که دوستشان دارند ، به
سمت چیزهایی بروند که از نظر آنها "بد" است
همچنین اجازه نمی دهند کسی بیاید و آن مسائل بد را تبلیغ کند

گفتید که فرضاً از سی سالگی دیگر کنترلی روی فرزندتان ندارید و شاید به سمت
مواد مخدر هم برود
خب این همان چیزی است که اسلام میگوید. اینکه یک مسلمان وقتی بزرگ شد و قدرت
انتخاب پیدا کرد
می تواند و بلکه وظیفه دارد که راه درست را انتخاب کند و اجباری بر او نیست

اگر آن فرزند شما به انتخاب خودش به سمت مواد مخدر رفت ، آیا اجازه می دهید
بیاید و آن را برای فرزندتان دیگران تبلیغ کند؟
باز هم این همان کاری است که اسلام انجام می دهد. یعنی میگوید اگر تو خودت
تشخیص دادی که راه دیگری بروی ، اختیار با خودت است
اما اجازه نداری دیگران را هم به همان راه دعوت کنی

آزادی در انتخاب تفکر با مواد مخدر متفاوت است
عقلا و بزرگان جهان، بر آزادی در تفکرات منطقی و بیان آن ها تاکید دارند

و اینکه اگر جبر مکتبی باشد
به بهانه ی مقابله با تفکرات غیر اسلامی سبب سرکوب می شوند
در ضمن ایرادات وارده بر اسلام را نمی شود نادیده گرفت
اگر روسای قوا را ببینید
دو نفرشان برادرند
اندک سالاری سم است
وقتی اجازه ی بیان همه ی تفکرات باشد و بقیه هم تریبون داشته باشند وضعیت
بهتر خواهد شد

مثلاً اسلام میگوید دزدی بد است
آیا اگر مسلمانی مسیحی شد ، دیگر میگوید خوب است؟
اصلاً ما همان تفکر آزاد اندیش شما را ملاک قرار می دهیم (تفکری که گفتید با
(استبداد کشورهای ابرقدرت هم مخالف است)
در تفکر شما که فارق از هر دین است ، آیا دزدی عملی ناپسند نیست؟

می خواهم بگویم اتفاقاً اشتراکات نه تنها کم نیست بلکه بسیار زیاد است

بله درست می گویند صداقت، ادای امانت، اخلاق خوش پسندیده است
و مشترکات هم فراوان
ولی استبداد، و عقب ماندگی های فکری برخی کار را خراب نموده است، و باز هم می
(گویم اسلام ۱۰۰ درصد نیست و به یقین تنها حقیقت نیست(حقیقت نسبیست

[پست 137]

(a.p) نویسنده : علی پارساپور
تاریخ : 1396/03/10 15:03

در ضمن موافق مواد می تواند در حضور افراد به دفاع و سایرین به نقد مصرف
بپردازند
و افراد خود مختارند و شعور انتخاب دارند
اما فروش مواد ،مانند فروش اسلحه ی غیر مجاز جرم انگاری شده
ولی در این تفکراتی که مشترکاتشان فراوان است
چه فرقی می کند مسلمان باشید یا مسیحی این اجبار از کجا ناشی و چرا اجرا شده
است

این یعنی دکان باز کردن و انحصار طلبی تا منافع عده ای تامین شود
اسلام مگر حق نیست
چرا مانع از قرار گرفتن منابع منتقد اسلام حتی بین تحصیل کرده ها می شوند
لااقل اکثرشان اهل تحقیقند و شعور کافی در انتخاب درست از غلط را دارند
مسلمانان گمان درستی می کنند
در بین خودشان تفکرات فراوان است
بزرگ ترینشان
مذاهب اربعه ی اهل تسنن و شیعه هستند
چرا لاقل منابع اهل تسنن برای تحقیق سایرین باز نیست و محدود شده است
چرا شیعه ای اهل تسنن بشود با او بد برخورد خواهد شد

[پست 138]

(a.p) نویسنده : علی پارساپور
تاریخ : 1396/03/10 16:31

آیا سکوت مسلمان زاده در صورت تغییر مسیر موجب دورویی نمی شود
هنگام ثبت نام در آزمون ارشد دین را می پرسند باید بگویی اسلام (در سایت سنجش)
و بسیاری از موارد دیگر
اگر نه می گویند چرا تغییر مسیر دادی و پاسخ این پرسش یعنی تبلیغ
را مطرح می کنم چند نقل قول@@
(در قسمتی از مدت تحصیل (در این اواخر) (ترم ۷
اول در کرسی بیان مشکلات صنفی
(یکی از سخنرانان (دارای سمت رسمی) گفت فیلم نگیر آقا (به یکی از دانشجو ها
و گفت اگر فیلم بگیری به جای اینکه بگویم در دستشویی تار عنکبوت هست می گم
بلبله
و جای دیگر سر کلاس یکی از اساتید از مجبور به دو رو شدن و شیوه ی رفتار
دوگانه در محیط کار و رفتار دیگر در محیط های خصوصی نالید بحث هم از مشکلات و
ناامیدی نسبت به حل آن و لزوم رفع آن ها شروع شد
بار ها شاهد رفتار دوگانه بوده ام در جمع طوری گفتن و در جای خصوصی تر حرف
دیگر
این جو اشتباه است

[پست 139]

(a.p) نویسنده : علی پارساپور

تاریخ : 16:55 1396/03/10

جمعیت مسلمانان در کشور های جهان

https://fa.m.wikipedia.org/wiki/%D9%81%D9%87%D8%B1%D8%B3%D8%AA_%DA%A9%D8%B4%D9%88%D8%B1%D9%87%D8%A7_%D8%A8%D8%B1_%D9%BE%D8%A7%DB%8C%D9%87_%D8%AC%D9%85%D8%B9%DB%8C%D8%AA_%D9%85%D8%B3%D9%84%D9%85%D8%A7%D9%86

اهمیت دین در کشور ها

https://fa.m.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D9%87%D9%85%DB%8C%D8%AA_%D8%AF%DB%8C%D9%86_%D8%A8%D8%B1_%D9%BE%D8%A7%DB%8C%D9%87_%DA%A9%D8%B4%D9%88%D8%B1

حالا چرا مسلمانان مثلا در آمریکا مسجد دارند
و چرا مردم جذب این دین نشده اند و یا به جان هم نمی افتند
زیرا آنجا نقد و بررسی و بیان عقاید آزاد است
کسی به خاطر تغییر عقاید عقاب نمی شود
کسی را به خاطر ریش استخدام نمی کنند
نظم برقرار است

[پست 140]

Reza-D : نویسنده

تاریخ : 18:39 1396/03/10

ایرادات وارده بر اسلام را نمی شود نادیده گرفت

اگر روسای قوا را ببینید

دو نفرشان برادرند

اندک سالاری سم است

وقتی اجازه ی بیان همه ی تفکرات باشد و بقیه هم تریبون داشته باشند وضعیت

بهتر خواهد شد

تمام بدبختی ما از همین جاست برادر

اینکه کسی به اسم اسلام کاری انجام بدهد که مردم آن را به پای اسلام بنویسند

من کاری به مثالی که زدید ندارم. شاید آن عمل درست باشد شاید نباشد و در جای

خودش میشود بحث کرد

حرفم این است که آنچه شما امروز دارید می بینید اسلام نیست آزادی بیانی که شما و خیلی از افراد دیگر دارند جاهای دیگر دنبالش می گردند ، در خود اسلام دستور مؤکد است از آنجایی که تا الان بحثی خلاف منطق از شما ندیدم ، امیدوارم این حرفهایم را پای شعار دادن های توخالی نگذارید

برادر عزیز ، خدا می داند خیلی از مسائلی که امروز غرب و دموکراسی از آنها دم می زند ، سال ها پیش اسلام گفته بود اینکه مسئولین باید به مردم پاسخگو باشند ، هر کسی حق داشته باشد بدون ترسانتقاد کند و

خود من زمانی که نوجوان بودم ، دوست داشتم رنگ های شاد و زیبا بپوشم و البته این موضوع لزوماً به معنای جلف بودن و هرزه بودن نیست اما از هر کسی می پرسیدم میگفت مسلمان باید لباس تیره بپوشد! رنگ های روشن توی برخی مساجد که می رفتم از بوی عرق و لباس های نشسته حالم به هم میخورد آن زمان با خودم می گفتم خوش به حال این اروپایی ها که آزاد هستند و می توانند لباس رنگی و شیک بپوشند

تا اینکه یک بار تصمیم گرفتم خودم درمورد اسلام تحقیق کنم و بنا را بر حرفهای عوام نگذارم با تعجب دیدم که نه تنها در اسلام دستوری برای پوشیدن رنگ های تیره نیست ، !!بلکه مکروه است رنگ های مورد تایید اسلام رنگ هایی هستند مانند سفید و زرد پیامبر(ص) وقتی از جایی عبور می کردند بوی عطرشان همه جا را فرا می گرفت

یا مثلاً شنیده اید که مدام به مردم میگویند ساده زیست باشید ، علی(ع) هم ساده زیست بودند در حالیکه پیامبر(ص) می فرمایند خداوند دوست دارد تاثیر نعمتش را در بنده اش ببیند یا در جای دیگری می فرمایند یکی از سعادت های انسان داشتن خانه بزرگ است

یعنی شیک پوش باشید ، غذای خوب بخورید ، ماشین خوب شوار بشوید ، خانه خوب داشته باشید :تنها چیزی که اسلام از ما می خواهد فقط دو چیز است
1. پول جای چیزهای بیهوده ندهید -
2. به آنهایی که دست و بالشان تنگ است هم کمک کنید -

انصافاً کجای این تفکر با تفکر عقلا در تضاد است؟
به شخصه اعتقاد دارم اگر اسلام حقیقی و نه این اسلام من درآوردی ، به دنیا عرضه شود بیشتر افراد متمایل به آن خواهند شد. مگر کسی که دنبال منافع شخصی باشد

[پست 141]

Reza-D : نویسنده

تاریخ : 1396/03/10 18:47

در ضمن موافق مواد می تواند در حضور افراد به دفاع و سائیرین به نقد مصرف پردازند و افراد خود مختارند و شعور انتخاب دارند

اما فروش مواد ،مانند فروش اسلحه ی غیر مجاز جرم انگاری شده ولی در این تفکراتی که مشترکاتشان فراوان است چه فرقی می کند مسلمان باشید یا مسیحی این اجبار از کجا ناشی و چرا اجرا شده است

این یعنی دکان باز کردن و انحصار طلبی تا منافع عده ای تامین شود اسلام مگر حق نیست چرا مانع از قرار گرفتن منابع منتقد اسلام حتی بین تحصیل کرده ها می شوند لاقلاً اکثرشان اهل تحقیقند و شعور کافی در انتخاب درست از غلط را دارند مسلمانان گمان درستی می کنند در بین خودشان تفکرات فراوان است بزرگ ترینشان

مذاهب اربعه ی اهل تسنن و شیعه هستند چرا لاقلاً منابع اهل تسنن برای تحقیق سایرین باز نیست و محدود شده است چرا شیعه ای اهل تسنن بشود با او بد برخورد خواهد شد با این بخش از حرفهای شما کاملاً موافقم و دلیلش را هم خود شما گفتید چون آزادی بیان و اینکه هر کسی حق داشته باشد ایرادها را بیان کند باعث خواهد شد که دکان یک عده بسته شود!

دلیل دیگرش هم ترسی است که متاسفانه از قشر جوان وجود دارد! همش می ترسیم نکند الان جوانان بروند توی اینترنت فیلم س.ک.سی ببینند.....نکند الان بروند ضد انقلاب بشوند! نکند علیه نظام اقدام کنند! و

متاسفانه ما به جوانان خود اعتماد نداریم و از ابتدای انقلاب سعی کرده ایم جوانان را با برخوردهای سلبی کنترل کنیم در آن اوایل که اوضاع خیلی بی ریخت بود! برخوردها بسیار شدید بود. میشود گفت! طالبانیسم تلطیف شده

الان شرایط تا حد زیادی بهتر شده ، اما آن بذر تنفر که از دینداران در فکر مردم نهادینه شده به این راحتی از بین نمی رود مردم همچنان دینداری را مساوی با تحجر ، عقب ماندگی ، بی فرهنگی و بیگانگی با علم معنا می کنند و البته مقصر اصلی هم خود دیندارها هستند ، بخصوص دیندارهای زمان گذشته چون آنها بودند که خود و دینشان را اینگونه معرفی کردند

[پست 142]

Reza-D : نویسنده

تاریخ : 1396/03/10 19:06

می گویم اسلام ۱۰۰درصد نیست و به یقین تنها حقیقت نیست هرچند موضوع بحث نیست ، اما بنده اعتقاد دارم اسلام کاملترین و بهترین حقیقت و یگانه راه سعادت است اینکه عرض کردم به اشتراکات توجه بفرومائید برای چنین زمانی بود

اگر گفته میشود اسلام بهترین راه است ، معنایش آن نیست که راه های دیگر به کل اشتباه باشند چه بسا یک کافر عقایدی داشته باشد که مورد تایید اسلام باشد و اختلاف نظری بین آنها نباشد بگذارید واضح تر بگویم . شما گفتید که من باید آزاد باشم که به چیزی بجز اسلام عمل کنم

کاری با اصل حرف شما ندارم ، اما اینکه بخواهید به چیزی غیر از اسلام عمل کنید و در عین حال انسانی درستکار باشید ، بطور کامل غیرممکن است

یعنی اگر شما انسانی درستکار باشید و رفتارهای شما عقلانی و متفکرانه باشد ، امکان ندارد که لاقل 70 تا 80 درصد با اسلام اشتراک نظر نداشته باشید

آیا سکوت مسلمان زاده در صورت تغییر مسیر موجب دورویی نمی شود
هنگام ثبت نام در آزمون ارشد دین را می پرسند باید بگویی اسلام (در سایت سنجش)
و بسیاری از موارد دیگر
اگر نه می گویند چرا تغییر مسیر دادی و پاسخ این پرسش یعنی تبلیغ
را مطرح می کنم چند نقل قول@@
(در قسمتی از مدت تحصیل (در این اواخر) (ترم ۷
اول در کرسی بیان مشکلات صنفی
(یکی از سخنرانان (دارای سمت رسمی) گفت فیلم بگیر آقا (به یکی از دانشجویان
و گفت اگر فیلم بگیرید به جای اینکه بگویم در دستشویی تار عنکبوت هست می گم
بلبله
و جای دیگر سر کلاس یکی از اساتید از مجبور به دو رو شدن و شیوه ی رفتار
دوگانه در محیط کار و رفتار دیگر در محیط های خصوصی نالید بحث هم از مشکلات و
ناامیدی نسبت به حل آن و لزوم رفع آن ها شروع شد
بار ها شاهد رفتار دوگانه بوده ام در جمع طوری گفتن و در جای خصوصی تر حرف
دیگر
این جو اشتباه است
بله اشتباه است. من هم موافقم که لاقل بخش هایی از اینها اشتباه است
اما حرفم این است که این اسلام نیست

برای مثال ما میگوئیم علم آموزی برای همگان باید فراهم باشد
!پس دیگر معنا ندارد از ورودی ها بپرسیم دین تو چیست
وقتی می پرسیم دین تو چیست ، یعنی قرار است یک جایی تبعیض قائل بشویم

بله در جاهای دیگر لازم است دین طرف پرسیده شود. مثلاً اگر قرار است طرف بیاید
و معلم قرآن بشود طبیعتاً باید مسلمان باشد
اما در جایی که خودمان اعلام کرده ایم ورود برای عموم آزاد است ، معنا ندارد
که از دین و عقاید طرف جويا شویم
بخصوص با توجه به نکته ای که شما هم گفتید. اینکه خیلی راحت طرف می تواند به
!دروغ بنویسد اسلام! به همین سادگی

Downloaded from گفتگوی دینی (<http://www.askdin.com>) at 1396/03/10 21:05.